

شماره ویژه بیست و چهارمین سال

## ستاره سینما

بامطالب کاملاً اختصاصی که

فقط در ستاره سینما می خوانید .

✪ همراه با یک تابلوی استثنائی از: آرام

## ستاره سینما

شماره ۱۷۳ - بیست و سوم بهمن ماه ۲۵۲۵ شاهنشاهی

۲۵ ریال

● ستاره سینما فاش می کند:  
سپیده، عشق تازه بهروز!  
\* آیا عشق بهروز و سپیده، میان  
بهروز و گوگوش جدائی انداخته؟





# صابون گلنار

با عطر گلهای هلندی

صابون گلنار لطافت پوست را حفظ می کند



# از آن ایام تا کنون...

□ درست بخاطرم نیست چندان قبل بود، اما شماره های پنجم یا ششم ساره سینما بود که من آنرا خریدم. آن ایام تازه قدم به دوره دینریاست گاراردی و دیویدسون و نویسندگی و نویسنده شدن از یک طرف و خوانندگی کتابهای جیبی مثل ستان ، پر ، سافنگارد کرد آن سالها کتابهای مورد علاقه جوانان بود از طرف دیگر ، مرا پیوسته با مطوعات نیکبخت ، بخصوص آنکه نوشتن انشائیها چنانچه وفضل در کتاب و خواندن آن جلوی مایه جوانان سخت مرا فریفته کار مطوعات کرده بود .

ساره سینما در آن روزها ، تازه منتشر میشد بازوی چند دورنگ بهای ۶ ریال و در آن کلی دوستانیکه اکنون هر کدام صاحب کاری در کار سینما شدند ، فخریانی میکردند . از آن پس این مجله ، نشریه ایدهآل من شد و تمام شمارههای آنرا جمع آوری و مستهل ورق زد و نگهداری میکردم .

چندبار قبل بدینا زاری و دبیر آن زمان مجله نامه نوشتم که مرا از برزوه نویسندگان مجله در آورند ، اما هیچ هیئت مایوس گشته بود و به « خبرنگار نیکبختی » مسلحانه دعوتش نمیکردم و گاه و بیگاه به مطالبات مجله را حل نمیکردیم تا نایب نماینده در مجله چاپ شود و بر روی مجلهها همکسان نشان دهم .

پس از گذشت سالها ، فکر اینکه نویسنده محتضومین نشراتی از سرمای افاد و پس از انعام دبیرستان وارد فعالیت مطوعاتی شدم ، اما همیشه آرزوی اینکه در ساره سینما نویسم بر ایام باقی بود تا در گروه نویسندگان مجله بپیوندم . سینمای در آندهم و بدینی بعد دبیر آن شدم و پس از چندین سال که در انتشارات مطوعات مختلف سینمای ایران و تمام ناچهارم بود و در مقابل ساره سینما ایستادم و انتشار مجله فیلم و شعر ، دم از برابری و رفاهت با آن را زدم و در این راه اندک ایستادگی کردم که فیلم و شعر ، در نشریه مطرح سینمای کشور شد و تا بر اطل متعدی که در آن ایام ایجاد افتاد . اما من از لقب نویسنده منقطع نیستم ، چنانچه هنوز « کلهوژستان » ساره سینما را نشریه و جایی سینمای ایران میدانم که بیاری و فدائاری « پاپورواگانیس » است و دو سال مدام منتشر شدست و در هر شرایطی کیوید نگذشت این شعب خاموش شود .

از شمال قبل که از فیلم و هنر کاره گیری کردیم . آن مجله بدینا جدا شدن من از این حرفه و تعطیل شد - و بیاری ساره سینما آمد ، لحظه ای از فعالیت و نوشتن و برپا نیامده ام . از آن روزهای سخت و پرفراز و نشیب که همیشه متناوبه ایاری گراهای مطوعات است برآمد بیرون آمدیم و باصرف هزینه ای انبوه که کمتر کسی حاضر چنین اقدامی است ، ساره سینما را اینک بنفذه ای از انتشار و درخشش رسانیدیم که یکی از معتبرترین نشریات کشور و یکی از پرنیزترین مجلات هنگی کنونی است .

آن از روزگه من اولین نسخه ساره سینما را خریدم تاکنون که همیشه انتشار آن شدیم ، البته دو سال گذشته است ، در این بیست و دو سال فکر بسیار آمده ، در صنعت ساره سینما نویسنده و رفقه و تا به هم از طریق این مجله بویفتی های خاص اجتماعی خود نشان دادند ، اما شماره سینما همچنان بصورت یک بانک باقی ماند ، همچنان یک نشریه خواننده و غیراست منتشر شد و یکی از بارای آن بود که با رفن خود ، نکتی در کنار انتشار آن فراهم آورد .

آزوری من است که بنوام ، همچنان با روزمندان ساره سینما باقی تمام و این نشریه را بصورت یک مجله ایدهآل برای اهل جوان و علاقمندان مساللی هنری منتشر میارم تا بعد از من افراد دیگری آیند و راه را ادامه دهند و هم چنان ساره سینما بنواند نشریه و ایالی هنری و سینمای کشور ما باشد .

# حرفهائی با تو ، خواننده صمیمی به بهانه سالگره دانتشار ستاره سینما

## شاهپور مصنف

مطلب جدی ، قدم ما بر این بوده هر دو خواننده و هر دو گروه خوانندگان را رعایت کنیم و در این راه موفق بودیم .

مطالب و روزنامه ها ، به شعای جسمی داشته ام ، گنگو یا چهره های مشخص سینما داشته ام ، انتقادهای سازنده ای هواره در محله آمده و به تازگی بگونه ای جدی و اثر گذار در خدمت تاز هم هستیم . در هر هفته مجله به تحریراتی نامرئصلم تا هر چه بیشتر ، محله هشت خصوصیات را داشته باشد که خوانندگان میخوانند و میپسندند ، تیراژ بالای مجله را حفظ کردیم بی آنکه محسوس باشیم مطالب مجله را آسان بگیریم . این خود تسویق بزرگی برای ماست . آسان پسندیدیم اثر تیراژ و به افرونی هم برخورداریم . این اثر بخشنده درک خوانندگان است که میانسند و اگر بعضی خبرهای روز هست ، که به سلیقه چندین تن خوش نمی آید ، در عوض نوشته و مطالبی هم هست که نظر این عزیزان را تامل میکند و جرات میخواند که نهن اقتضای مجله که بازاری دنگی - ما را در قبولی شرح - تمام بوده در پی اینست که هواخوانان بسیاری داشته چرا که اگرهای خود را در انتقادهای مجله یافته اند . این چنین مجله مسوره محبت خوانندگان بوده بی شک بدلیل کوشش و علاقمندی نویسان نویسنده ای که است من اخبار همگانی را آنها را داشته ام . نویسندگی که هر یک سعی فراوان دارند تا نسخه هر هفته بهتر و بیشتر درخشند .

نابودن از آنها ، کترین لشکری است که میخواند از همکارانشان دانسته باشم . رضا شمشادیان و ایرج صابری دوپسره قدیمی سینما ، شمشادیان ، که میایدید فیلهای و فیلسازان را میخواند و در موضوع خود امار چاشنی در محمولات سینما را میپسند . و صابری در زمینه تطبیلی و مطلب اسکندر قلبیروند . این نو پس از گذشت سالها هنوز هم بازنو مطلب میخواند .

احمد کریمی ، در چند زمینه میخواند که با نوشتههایش آشناید : صلاحات تاتارزین ، نظرات ، نقدفیلمها و برگزیده ماه و بحث و گنگوهای جدی یا چهره های مشخص سینما از جمله نوشتههای دیگر اوست .

عاشق پاری ، خرمانه را میخواند که خبرهای داخل روزانه او کوشش میکند نسا خرمانه ای تبارک بهیند که مورد پسند خوانندگان خواننده خبرهای داخل هری واقع بود .

هوشنگ گمشدگی ، سینمای جهان را بر سر ناس تازترین خرمانه میخواند و در کل ، مطالب خارجی را هم میخواند ، جزاین ، در زمینه های دیگر هم میخواند : نوشته هاشم را در باره خرمانه خواننده .

محمد جعفری ، در زمینه تحلیف و بررسی اخبار سینما میخواند . که تازه ترین کارش

□ ساره سینما ، با این شماره ۲۶ ساله میشود ، حالا ، سوالاتی از محله گذشته است . در پی این مدت چه بسیار دست بلههایی که محترمانه رهبری کرده اند این رهبرها ، ساره سینما را از و نشیبا گذرانده است . چه بسیار نویسندگانی که آمده اند و نمانده اند زنده اند تا ساره سینما پس از گذشت اینده سال ، همچنان فراوان ، بویفتی خود را حفظ کرده است . نوروزی تازه ستاره سینما را « علی مرتضوی » پشتوانه کرده و هست . و اوست که تحریراتش سخت به محله من می آید و من ، همیشه با این تجربه ایار میخواندم .

تلاقی بی انداز هر مرتضوی به سنمایی این باعث بوده که او از زمانهای دور دست انتشارات مجله های سینما برزند ، ساره سینما ، تا عرفان داشت او از سرفوت حسنی در چند سال پیش درهای بافت و محله اکنون در بویفتی مستحکم ایستاده است که هیچ تنهایی در جایش نمی کند .

مرتضوی ، برای من یک الگوست ، الگوی نوآوری ، صب و جوش نوشتن ، حسنگی با پذیری و صحنی آن حشمانی که از او یک چهره موفق در مجله مطوعات سینمای بوجود آورده است .

مرتضوی میسر و سیرت است . محله من رهبری اوست که بی توفاه نامش است اما او حسنگترین خواننده مجله هم هست . هر هفته مجله را بدقت مرور میکند و رفقه و انتقارها در میان میگذارد . محله در حقیقت ، هر هفته از نظر نگاه تیزبین او میگذرد و این خود ، دنگری بزرگ ماست . اینده توجه برای هر چه بیشتر بویفتی مجله به ما قوت میبخشد تا به هر هفته از هفته پیش بهتر باشد .

یکسال و اندیست که مجله من برپا شده است . در این مدت در حقیقت سیرت و راهبندیهای مرتضوی را بخوانم بودم ، و میدانم اگر نکتیهای را با نقد انتقاد گویند ، میگرد این نشانه حسن نیت و بهتر خواهی اوست . و ما بی این مدت در این راه گام برداشته ام ، و به طو اینده ام ، او با اطمینان مجله را با ما سپرده است و همین اعتماد ، تسکینت بیشتری را بر منده امان میگذارد تا کوفار باشم ، در تلاش تر باشم ، او با اینجهت ایبه ، حسنگی احساس نمیکند . هر کرده ایم در این یکسال و است ، محله زنده و پرخوش باشم و تازگی از خواننده های گروه کثیر خوانندگانمان ، اگر خبر در باره چهره های هر داشته ام ، در فرصت مناسبهای سنگین هم داشته ام . اگر بعضی از مطالب ، هانی است که خواننده متن طلب میخواند ، مطالب دیگری هم هست که خوانندگان محسگر و خوانان مطالب جدی را هم بر امان میکند . این جنبش است که با یک محله با گروه بنیاری در اطمینان است ، خواننده گانی که خواستها و نحوه نگر منوات دارد . ندای مطالب انسانی میخواند . و برخی دیگر



# پاکبخته‌ای عاشق که برای برپای ماندن عشق بزرگش، مجله ستاره سینما تلاش کرده است

گالتیان، صاحب امتیاز ستاره

سینماست، او به حقیقت چنانچه ستاره سینما میگردد که پدری به فرزندش. حالا ستاره سینما پادیده است. به پیش گالتیان از داشتن چنین فرزندی شادمان خواهد بود. گالتیان با این برپایی ستاره سینما چون دل فراوان خورده است. بارها همتی است را بر سر مجله نهاده چرا که پدید به مجله نقل و ورزش است. آنگاه که در ستاره سینما فریضه نشان داده به وصف میرسد از خود او شوی:

دتر آثار مجله ای بیشتر کردم که جهان سینما نماند است. پس از آن مجله دیگری به نام هابوود انتشار دادم که با این مجله تعدادگیری خواننده که البته طالبان جلدی بودند ست و با نونوم. مجله هابوود پس از چندی جای خود را به «ستارگان سینما» سپرد که همین ستاره سینما گویی است.

فولین شماره ستاره سینما در ۲۸ ماه ۳۴ سال پیش منتشر نمودم. ستاره سینما خوششان به تألیف خوانندگان دور و شد و هم اکنون ۳۱ سال است که انتشار ادامه دارد بطوریکه مجال هر ای بسیاری داشته ایم که پس از چند سال تعطیل شد اما ستاره سینما بهای خود ادامه داد و بر خواهد داد.

ازجمله‌های آثار او با بدستگی شدید و ایمان به معنای، نسبی و فرازهای را گذرانده است لطیفه‌های بسیار را بر عود هوار نموده و در حقیقت گنگه‌ها مجله اف و خبری داشته. همتی آن را برای دولوپه مطرح کرده است. موفقیت کوبی ستاره سینما، ازجمله بر حرحان گالتیان که در طی حیات مجله، فراز و نشیبها را جان خرید است.

# همچون نظری به نویسندگان اینک از نشریه خود



بروز لوری



رورت اکهارت



هیزر داریوش

سینما آن حوسه اورا از مجله دور کرد و آنکه سینمای مدنی است دست بظلم برده است، معذای پاز و مددکار ستاره سینما است.

■ ■ ■

رورت اکهارت، از نویسندگان خوب و سردبیران فعال ساره‌های نخست انتشار مجله است که در حال حاضر در زمینه وارد کردن فیلمهای خارجی به فعالیت مشغول است.

وی بعد از کالم اساتیلی سردبیر مجله شد و ساره‌های معتدی در این بست همکاری برداشت. در طی همکاری وی ستاره سینما توشه توانائی تازه یافت و در محافل سینمایی مطرح شد. وی حدود هشت سال متوالی در ستاره سینما مشغول بود. اما ساره‌های بکنور آلمان اورا مجله دور کرد. پس از بازگشت بایران وی بکار تهیه و کارگردانی فیلم برداشت و چند فیلم کارگردانی کرد. اما این کار رازها کرد و اینک وارد کردن فیلمهای خارجی برداشت است.

■ ■ ■

بروز لوری منتقد سرشناس و فیلمساز معروف یسر مدت ده سال جزو نویسندگان معتقدین، مترجمین و سردبیران مجله ستاره سینما بود. وی طولانی ترین مدت سردبیری را در ستاره سینما عهده‌دار بوده است. بعد از کارگروهی که در ساره‌های ۴۰ و ۴۱ در ستاره سینما پدید آمد، بروز لوری نیز از سمت سردبیری مجله کناره گرفت و بکارگردانی برداشت. فیلمهای مانا جاهل - رشید - حکیم باشار جمله ساره‌های او در زمینه سینما است و سرتیال هارو بکتش از او است.

وی هر چند مدت زمانی است که بکار نوشتن برداشت اما هنوز خوانندگان مطالب سینمایی یاد نوشته‌ها و انتقادات او را در ستاره سینما وسایل نثری است گرمی مبدارند.

بدون شک، هر نثری، در خصوص نثری است که در رشته‌های اختصاصی فعالیت دارند، کانون پر تحرک و فعالی هستند بر این آن که علاقمند آن نثرند، و این است و سینه‌ها بگرد آن نثر به جمع می‌نویسد و در کار خود تجربه و مهارت بنماید و پس فرصت‌های خوب را کسب کرده و رفاهشان را جدا میکند و وارد اجتماع می‌نویسد که دیگر مسئله مطبوعات نثر است. در فعالیت‌های آنان دارا است.

ستاره سینما، در طی جلوه‌های شادمانی که منتشر شده است همواره کانون گرم و دوست داشتنی علاقمندان سینما بوده، آنان که دوست داشته‌اند روزی با هم آشنایند کارگردانی کنند، در سینمای کشور موفقیتی دست آورند، لاجرم اولین قشهای خود را با این نثر به برداشتند، همکاران بطوریکه اینک بعد از گذشت بیست و سه سال، همکاران قدیمی ستاره سینما را در موفقیت‌های خاص سینمای ایران مشاهده میکنیم که هر کدام نشان خدمات دیگری هستند. اما همچنان علاقه و تشنگان را بسینما محظوظ داشته‌اند.

این مطلب نگاهی است گذرا بدوستان شکاری که اینک در جمع ما نیستند، اما زمانی باعقاب خود برای خوانندگان مجله دوستداران ابوهی را فراهمی آوردند.

■ ■ ■

کالم اساتیلی اینک چهره سرشناس در سینماست و یوسندگان هری و سینمای کشور است، با آنکه اینک وی در کار نوشتن نیست، اما همچنان در زمینه سینما فعالیت دارد.

وی از نخستین سردبیران مجله بود که در ابتدای انتشار آن مدت زمانی کار انتشار مجله را به عهده داشت و گاه گاه به تهیه مطالب و ابوهی با مشغول بود. اما دعوت حوسه کیهان برای عهده‌دار شدن مسئولیت امور

# آب در آینه ...

## قدیمی ستاره سینما که دور مانده اند ...



□ هشتاد اکرمی



□ خسرو بهروز



□ بهروز داهی



□ فرخون بهرزی مقدم



□ تلی مختار



□ هشتاد ارجمند



□ بهرنگ

حجت نکار برد - دکتور بهادر جدالی از محله ، در وزارت فرهنگ و هنر چند فیلم کوتاه مدت ساخت و یک فیلم بلند هم برای یکی از تهیه کنندگان سینمای ایران ، سپس تکاگردانی فیلمهای مستند پرداخت و بسا ايجاد جشنواره جهانی فیلم تهران اینک یکی از پایه های فعال جشنواره مزبور است . ناگفته نماند که محله سینما ۵ نشریه جشنواره زیر نظر او اداره میشود .



منوچهر طباطبائی ، فیلمساز معروف فیلمهای وزارت فرهنگ و هنر که اینک در آن وزارتخانه فعالیت مشغول است ، را دربار ، قبل از آنکه برای ادامه تحصیل نازم آلمان شود . در ستاره سینما فلم میزد و فعالیت تکنیکی و ترجمهها و افتخارات او از فیلمهای روی پرده خوانندگان بسیار داشت . وی بهادر انام تحصیل و بارگنت ایران از کار درجه دکت کسید بلیلمساری روی آورد که همچناندر این رشته اینک فعالیت دارد و کمتر دست بلم میزد و کمتر نوشته ای از او میخوانیم .



«سیامش پورزاده» نویسنده معروف که در سالهای ابتدای انتشار ستاره سینما در دربار نوشتندگان جهانی بخصوص در مورد سینمای ایران بود . بهادر فعالیتهای قابل توجه در زمینه سینمای ایران در این محله ، در روزنامه گهیاب فعالیت خود را متمرکز کرد و سپس با آمریکا رفت و همین سفر مذهب او را همکاری با ستاره سینما نور کرد و یکی دوسال قبل نیز مدت کوتاهی سردبیری محله را به عهده گرفت و ستاره سینما در طول مدت کواتر سردبیری او صاحب سبک تازه ای شد . نام پورزاده همیشه با ستاره سینما همراه بوده و اینک که وی در زمینه های دیگری تکار مشغول

بفیه در صفحه ۳۷

بروز دوالی ، از جمله دیگر همکاران ستاره سینما است که در طول مدت فعالیت خود در کار سینما پیوسته ستاره صاحب نام و مترجم مرزی بوده وی حدود ۱۹۵۰ سال متوالی در ستاره سینما فلم زد و از طریق نوشتههای او ، خوانندگان محله با نصیحت و ارزش فیلمهای خوب پر بردند و نوشتههای وی مکتب جهت علاقمندان آثار روزگشتینا گردید . وی بهادر آنکه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، عهددار سمت دبیر کل جشنواره فیلمهای کودکان و نوجوانان شد ، یکباره بعثت کثرت کار از مطبوعات نبور افتاده و جدا شد و این جدالی با اینکه کارهای او در این زمینه کمتر شده است ، همچنان ادامه دارد .



بهروز ابرویش ، دبیر کل جشنواره جهانی فیلم تهران نیز از نویسندگان ماههای معد ستاره سینما بوده است . افتخارات ، بحث های تکنیکی و مطالب وی در زمینه سینما چه در این محله ، چه در سایر نشریات بخصوص تحصیل او در زمینه سینما در فرانسه از او فری سماع و بصیرت در زمینه سینما ساخت و یکی از معدود چهره های موفق در زمینه پرگوری جشنواره های جهانی در کشور است . وی بهادر کاره گوری از ستاره سینما و سفر باروای و بارگنت در وزارت فرهنگ و هنر چند فیلم کوتاه ساخت و یک فیلم بلند وی نامی است و توفیق بسیار کمی کرد . وی هر چند اینک با ستاره سینما چندان میناه خوشی ندارد ، اما ستاره سینما همیشه او را با یادگار خود میداند .



بهرام ریویز ، فیلمساز صاحب نام و رئیس کشته مطبوعات جشنواره جهانی فیلم تهران نیز زمانی از نویسندگان محسین و فعال ستاره سینما بود . وی با ترجمهها (فراها) افتخارات خود در زمینه فیلمها گوشش بسیار در میبرد

# ستاره سینما

دوره انتشار: پ - گانتیان  
نوع نشر: عواری نویسدگان

شماره: ۱۳۳ (دوره جدید) مسلسل ۶۹۹ (سال بیست و نهم) قیمت ۲۵ ریال  
نشانی: چهارمیدان مولود سائینیان، روز اولت شماره ۲ - آپارتمان ۱۰ - تلفن ۸۲۹۹۷۱ - شماره مطبوعه پش ۱۹۴۲  
قیمت کتب و رنگی و تصاویر: رنگی از: گرامر سازی مهر ایران - تلفن ۳۲۲۲۱۴  
کتاب تصاویر رنگی: متن از: چاپخانه گرافیک - تلفن ۸۲۹۶۴۰ - ۸۲۹۶۳۰



## «نمش» و «نوش» تلفنی

- نوحی!**
- آقای نیش و نوش در صفحات هنری مجله‌ای خواندم که: ما جراحی کفشی تانک از دلان سر فرار چطور نمی‌خواستن بپریم شما می‌مانید.
  - همین این در صفحات هنری چاپ شد و دو پانزده صحتان جوک !!
- کلت!**
- بنامید کنوهر دوم از خون. مبلغ عکس‌تان دارائی او را بالا کنید.
  - نوش جان !!
- هدیه!**
- در مجله‌ای آمدید که نوش آفرین به خانجود یک آموسیل ۷۷ هدیه داده!
  - چه «هدیه» باارزشی !!
- نایدید ...**
- آقا در محله خودتان نوشته‌ام بود که آسانی بطور ناگهانی نایدید شده. می‌خواستم بپرسم آسانی کجاست! - نوی جیب کت نامه!

- لجاری!**
- شنیدم که در مطبوعاتی خواندم: منوچهر و سلوک خاطر بیماری پرش اعصاب شد اگر!
  - با این خبر نمی‌توانم نادانان بخورم!
- عمل!**
- آقای نیش و نوش چرا اپروها خوانده‌گان مرا وزن نماغ خود را عمل جراحی میکنند!
  - نماغ کمالیت دارند، کوفته‌تر نیستی!
- کمرونی!**
- نوشته بودید که آتومانی‌های یک شرکت ساختن دار کرده‌اند. پولش را از کجا آورده!
  - دوام نیته نگم !!
- سردرگم!**
- جانی نوشته بودید که آپارناک و داریوش بوزاره از خواب بیدار شدند. می‌خواستم بپرسم از خواب بیدار شدند!
  - نماند ... احتضالا ... منگست ... چه عرض کنم ...
  - هدایت ... امکان دارد ... وغیره!
- خبر!**
- در صفحات هنری مجله‌ای آمدید که دوستان خبرها با دو توصیه کردند خود را مثل گشته آرایش که - حوکه‌های دست اول تعرفه بخرید!



# حرفها شایعات

- تابع است فرمود که کارگردان فیلمهای ایرانی برای ساختن فیلمی از وزارت فرهنگ و هنر وامی‌برداشت کرده و راهی آمریکا شده است. بانک مدت ۵ ماه است که این وام را برده‌اند و هیچگونه اقدامی از طرف وی برای ساختن فیلم صورت نگرفته است و اینک مسئولین وزارت فرهنگ و هنر در صددند بطرفی وامی‌برورند از وی دریافت دارند.
- تابع است نامه‌ای مکتوبی که هفته قبل آخرین شماره خبرها با ستاره سینما چاپ شده بود. مدت یک ماه است راهی فرانسه شده و در آن کشور برای مدت نامعلوم اقامت گرفته است.
- این تسمیه مکتوبی در خیابان کورین چاپ شده است و در آن صورت گرفته است.
- تابع است در محل‌های بسیاری نامکاران که فرسار است خراب شده و تجدید کارند، بانک ستاره سینما و لوکی و منه تا سیدمستقلی احداث خواهند و همه زمین‌های موجود در صورت بانک برای رفع چنین طغنه در نخواهد آمد.
- تابع است که موفقیت جدید استقلال نامکاران

# اسداله میرزا برای تلویزیون شو می سازد

■ بهتری که ششدهایم پرورسید  
باریکر معروف سرالهای تلویزیونی که  
در حال حاضر نیز با اجرای نقش اسداله میرزا  
استی بر پایه افتخار نداشتن دیگر اولین  
نوی تلویزیونی است را در اسودوی ۹۱ حسنه  
خواهد کرد.

این اولین باری است که سید به شواری  
روی خوش نشان داده اما با توجه به سرالهای  
معدنی ۳ هزای تلویزیون ساخته (مالی  
کرده) کارهای هیت هاب و رسد و اقبال  
بر درو پرو بوده است.

نوی که کسب می سازد کادنتو نام دارد.  
۶ قسمی است، و در ایام بروز از شبکه  
تلویزیون پخش خواهد شد.  
گرموتو و سر گرمیها در نظر دارد در  
سورتنکه این برنامه با توجه و پرو شود در  
مورد اقباله اقدام نماید.  
سید بروز سال گذشته نیز یک سرال  
کوتاه نام آید به آید را برای تلویزیون  
ساخت کمبود اشتغال فر گرفت.

# حقایق جدایی بهروز و گوگوش برای نخستین بار فاش میشود! آیا همزمان با افشای رابطه عاشقانه گوگوش و داریوش، رابطه سپیده، بهروز آشکار شده

■ چند هنای از جدایی بهروز و  
گوگوش میگذرد اما هنوز این جدایی حسدانی  
نقل محافل هنری است و از طرف دیگر  
نویساران امروز با رنگه است که:  
چطور می دانیم که با نقل ازواج کرد.  
جدایی افتاد؟ چنانچه بافت شد که کنار  
بهروز و گوگوش به نقل با معاند؟  
هرها و شاعت بسیار بود بهروز.  
در گنگوی، نقل این جدایی را کنار  
رشد و فعالیت هنری خود و گوگوش  
فقدان کرد اما از طرفی زرمهانی تر -  
خاست که پای یکی از ستارگان سینما  
در میاست.

ستاره سینما، آرجا که همیشه از  
جدا شدنش بی اساس برهن دارد قصد  
بر آمد که با سبب چند تی از خبرگران  
خود، در این باره تحلیفات منطقی معسل  
آورد.

## \* اختلاف بهروز و گوگوش چگونه نقطه بست؟

از مدتها پیش رابطه میان این زن و  
نوی هر مدت به سردی گرایید بود هر  
چند وقت یکبار زرمهانی نگوش می رسید  
براسته مدتی جدا از هم زندگی میکنند  
اصطلاح هریک را میخورد و می خورد.

شده میشود که گوگوش با گذشت  
از کسر خود رابطه نشانها دارد بیشتر  
با او اینجا و آنجا دیده میشود. پس از چندی  
نگوش رسید که میان گوگوش و داریوش  
عشق شدیدی بوجود آمده است و این دو  
چهره مشهور آواز آنی از هنرپر جدا  
نیستند و این زرمهانی از حد شاعت گشته  
و شکل جدایی خود میگرد. از طرفی،  
تا چند وقت بهروز با یکی از ستارگان  
گرم گرفته است و حتی همیشه سرخانه  
معشوقه دارد. بهروز را با این سبب زرمهانی  
بسیار صمیمی و عاشقانه دیدم. اما از  
دیگر نامعقولی تازه بهروز خودداری میکنند  
تا نکته ...

## \* «سپیده» عشق تازه بهروز ...

... تا نکته پس از مدتی اختلاف میان  
گوگوش و بهروز علی شد. هرمان با نقل  
نقدنامه گوگوش و داریوش، با نقل شد  
و انتقاد نامیدر سپیده به بهروز فاش شد  
اختلاف میان گوگوش و بهروز واضح گردید.  
تا آنجا که این دو زندگی مشترک خود را پایان  
یافته میدانستند.

## \* آیا بستری شدن بهروز با جدایی او از گوگوش رابطه داشت است؟

هنه گشته نماندای مرون به حسنت  
در همها میگذرد آن بود که بیروز نوی  
نشدند و میماند ادامه دارد. منها از آنجا



سپیده، عشق تازه بهروز  
آیا همزمان با افشای رابطه  
بهروز و گوگوش جدایی انداخته؟

مشروطیت شد است و در بیمارستان رها بوی  
شیران بستری است. پس از تکاپوی  
خبرنگاران سازمانهای شایعه به حقیقت  
نیست و معلوم چند که بهروز مشروط شد  
است اما از اوباشی بیمارستان خوانند که از  
نمای خبرنگاران با او مباحثه عقل آوردند.  
با وجود همه با نالی که خبرنگاران می دانستند  
نمای نامبروز مسر نشاند است و گویا  
اختلاف بهروز و گوگوش به نقل حسنه  
نشدند و همچنان ادامه دارد. منها از آنجا

# آهنگسازها قیمت آهنگ را بالا برده اند!

□ آنگال رسو بوده که ملا معرھا  
قیمت حسن فرشی خود را بهای شدی خود  
بالا میبردند در حالیکه این موضوع اخیرا  
مطرح محسوس گردید. آهنگسازان ایرانی  
شده با این فرق که کسی نمی تواند از آنها  
توضیح بخواهد ...

آهنگسازها علی چند سال گذشته در قستان  
را ۱۵ تا ۲۰ برابر از برده اند. مثلا اگر  
با یکی از آهنگسازان گشته خوانند، بسیاری  
خریدت آهنگ حدود هزار تا هزار و پانصد  
تومان میزدانند. این روزها باید سه هزار تومان  
پردازند و کلی هم باز طرف را بکنند!  
آهنگساز معرھا کسی آهنگ نمی خواند  
و همیشه دارند که طرف باید خوشگوش و  
معروف باشد در نان طوقر از مدتی رفتی  
از مدتها کارهای را نیز باورسد.  
این شکه اخیرا در بین بعضی از  
خوانندگان آهنگسازان ایجاد در گردی  
کرده و هیچ معلوم نیست که سرانجام این  
روابط به کدامی معاند ...

## «امیر ارسلان نامدار» در انگلستان ساخته میشود

ازهریستانگ معروف ایرانی تاکنون کسی برای بازی در این سریال کاشفند شناسان نمی فرات است ولی شیراندانی که وی را در مرداولی متعلق کرده ایم ، نقش در این سریال عهددار گردد .  
ناگفته نماند که برای این فیلم دو گروه های تعلیم و پرخرجی نداردک دیده شده است و حتی یکی از تهیه کنندگان سریال هر روز برای تهیه وسایل و لباسها برای آن سفر کرده بازگشته است .

■ اخیراً در تهران استودیوهایی تهر لندن توسط گروهی از ایرانیان دانشجو سریال امیرارسلان نامدار بصورت رنگی ساخته می شود و در فراتر برای تکمیل این ساخته شود .  
برای این سریال که تاکنون خبر آن جاری نشده است ، بودجه هنگینی در نظر گرفته شده است و تکمیل آن برای این سریال در نظر دارد که در صورت موفقیت در ساخت آن ، سریال هر روز را سایر کشورها نیز بخرش رسانند .

## «شیر خفته» نمایش در میا مید...

این فیلم در حضور یکی از شخصیت های کتوری برای گزار و نمودارنگویی از دکتر اسامیل کونانسانگوار سینما در ایران تحلیل گردد .  
این اولین باراست که یک فیلم ایرانی به نام داراوبون از زندهای ویژه فیلمی و یک داستان حماسی ملی در چهارسینمای لوکس پایتخت نمایش در میاید .  
ستار سینما بهمن منظور شماره ویژه برای فیلم شیرخفته نداردک دیده که هرمان نامایش این فیلم منتشر خواهد شد .

■ نوشتیم کیلیوناری دکتر اسامیل کونانسانگوار رنگی با شرکت هنریستان ایرانی و آلمانی ساخته است پروتیه نمایش در میاید . باخرش فیلم مسزور از ۱۱ استانبول ، سینماهای شهرهای - کاری - رونی و پارلونت بخش نمایش گذارنده خواهد شد .  
اجمن تهیه کنندگان فیلم این بار با بازی بهمن ستار سینما و احسن بازسگران فیلم ایران در نداردک برگزاری یک شب افتتاحیه برای فیلم هر روز است و فراتر

## سلی استخوان جمع میکند!

واقعا شوخی او را جدی گرفته بودند در این میان حرف ای نامزدتر از همه بود .  
- سلی دروغ می گوید ... استخوانها را برای خوش جمع می کند !!  
عکس را که می بینید در راسته سینه از بخرمها گرفته شده و سلی و اسامیل احمدی ( تهیه کننده واریتیک رنگ) را باطاق نشان می دهد .

□ سلی خواننده معروف دای نگار بارین ، که چندین بار تجربه بیرون آمد و در سلاک خوانندگان ماهر فرارگرفت آدم فوق العاده شوخ طبعی است بطوریکه چند بیزش هنگام ضبط برنامه بخرمها استخوانهای ماساژ را در یک پلاستیک جمع کرد و استخوان احمدی گفت که بسرازی سنگ استخوان جمع می کند !  
الته خیلها به کار سلی خندیدند و هر کسی چیزی گفت ، بعضی از خوانندهها

## نوش آفرین بخاطر یک سیاهی لشکر زن جلوی دوربین فرست!



□ تابع است گفته شده هنگام فیلمبرداری فرستی از فیلم گل و باغزارهای فیلمی که با نرگس نوش آفرین و سیدمحمد جلوی دوربین استانتاق پاره های افاد و باعث شده که کار فیلمبرداری برای سیدمحمد باخوب بیفتد .  
می گویند نوش آفرین موقع فیلمبرداری سینه ای که با سینه اش نشکر زن موهومی بود ابتدا بگاهی صورت طرف استانتاق وسای اش گفت که حالت خوب نیست و از بازی کردن عذر می خواهد !

## سرما خوردگی ضبط چند آهنگ مو تفضی را بتعویق انداخت!

□ بررسی گفته شده باآخر کاست شد و درشوی بخرمها دو آهنگ ضبط کرد چهار صد هزار تومان اش را راس بازار کرده ، این روزها بخاطر سرما خوردگی سید محمد چند آهنگ از اش به ناصر افاد است او سینه گرفته و جود برایش است شدید و به در استودیو تکمیل خواهد شد





# ۵۰ خواننده و هنرپیشه معروف مدال گرفتند

\* عکس ها از: هوشنگ کلهر



□ آقای امیر متقی معاون وزارت دربار شاهنشاهی مدال‌های را باو می‌دهد. حمید قسری نیز در عکس دیده می‌شود.



□ گیس، نایبا، فاسنگی و جمی از دیگر هنرمندانی که مدال گرفتند. معاون وزارت دربار شاهنشاهی برگزار شد ۲۷ خواننده و هنرپیشه معروف هنرمندان و امیراجانهای والکسای امیر متقی مدال شاهنشاهی نائل شدند

## \* چرا ستار و نوش آفرین در این جشن شرکت نکردند؟! \* چرا راهش ولیلا فر و هو را از اجرای برنامه و اهمه داشتند؟! \* مهستی هایدی را افر ستاده بود، پوران پسرش و ارحام صدر هم برادرش را

عدای از هنرمندان فوق بخاطر مایان دربار فعالیت در موسیقی، تئاتر یا سینما به گرفتن مدال منحصر نشدند و گروهی نیز بخاطر ترکشان در جشن های پنجگانه سال شاهنشاهی بماند.

در این مراسم گروه زیادی از هنرمندان شرکت داشتند البته چند نفر هم بدلیل غایب بودند.

خواننده حافظ ابان های آخرین دندان را پوشیده بودند، هایدی پشیراغان متکلم به بار داشت و پسران هم بدلیل محلی بلد پوشیده بود.

این مراسم همانطور که دوخته فل بطور اختصاصی هنرمندان بالاش انجام می‌شد همبیار مدالی کانون هنرمندان پشیراغان ملوکه رسید و هو را هم دربار قرار گرفت.

از این هنرمندان قبضی نداشتن مرشد، موزن، مدیح زاده ارحام صدر و گوگوش نام بودند ولی روحانگیر، ملوکستریان، حسین دهبید، نوران مهرزاد، ناخامنهانی، نسرالله رحمت، حسن کشانی، فدکچیان، مقلی، آکوشیروان روحانی، حمیدقصری و فریدون فرخ زاد شخصا مدال هایشان را دریافت داشتند.

بر ابتدای این مراسم، خانمین همبیار خیر مقدم گفت و آرزو کرد که خادمه هنرمندان ایران بتواند هر روز گانهای سرزمین را بسوی پیشرفت و جهانی شمس بردارد.

سین حمیدقصری رئیس سندیکای هنرمندان پشت میکروفون قرار گرفت و گفت:

— هنرمندان ما امروزه با اختیار بزرگی نائل شده‌اند، این مراسم می‌تواند برای زندگی تمامی ما نشانه عطف تازه‌ای باشد تا تلاش بیشتر در راه خدمت به ملت کشورمان انجام

قسری افزود:

— در این زمینه نقش مطبوعات را نباید از نظر دور داشت. چرا که آنها در شناساندن و انعکاس فعالیت های هنرمندان تلاش می‌کنند و از این راهی از خودشان ندانند.

اهدای مدال ها بدست پسران و پسران قیه در صحنه ۳۷

## مجید محسنی به سینما باز میگردد!



مجید محسنی بگرام فعالیت بی‌پری در سینما و رادیو داشت. بی‌معروف رادیویی مجید محسنی - (توقلی‌سند) که نماینده بانک روستایی سانه بلوند محسن در بین مردم می‌گردید. علاوه بر این گسی‌گس که مجید محسنی بکتری فیلم بازی نمود که در آنها ریل یک مرد سانه بل روستایی را برهنه داشت و در واقع برهنه‌اش از بی‌رادیویی‌اش در سینما جلیب‌می‌خورد تا آنکه یکباره مجید محسنی از همه فعالیت‌های رادیویی و سینمایی‌اش دست‌کشید با نمایش فیلم «پرستوها» به لاتاری می‌گردید از تلویزیون نیز روستایی محسنی بار دیگر جلد توجه نمود و حتی بسیاری از تهیه کنندگان فکر بر افتادند که موجات باز گشت مجید محسنی را به سینما فراهم آورند ولی بعد نظر میرسد که محسنی فرصت فعالیت سینمایی را پیدا کند.

## از تالار رودکی چه خبر؟



## موسیقی اصیل ایرانی در تالار رودکی

تتا از اساتید موسیقی سنتی ایران است استاد اسعدی، فقهی زابیه تار تنها میواز و اسفر جاری با کامچه و لطفاله محمد، بانکوازی تار هنرنامه می‌کنند.

جلس دوم برنامه، به اجرای برنامه اختصاص دارد تارهای «علاش» درهماون با مقدمه رنگ و تنظیم فرامرز پایور، از ترانه های سبزه‌بخت است که توسط تارخ خواننده می‌شود و پیروزانه درخشان‌بند به اجرا می‌رساند. تاراج لطفانی و سقاقلش، هر دو بر تار استخوان، سا

روز ۲۳ هجری ماه در تالار رودکی اساتید موسیقی اصیل ایرانی به محبت میروند و برنامه‌ای را با همکاری ارکستر تارهای ملی به سرپرستی فرامرز پایور اجرا می‌کنند.

این برنامه نیز، شامل اجرای لطفانی و سقاقلش، هر دو بر تار استخوان، سا

## فیلم‌های کاندید برای نوروز امسال

□ با آنکه هنوز سرانجام گروه «کامرا» که دوستانه ای بودند و کیهان آرآن جدا شده‌اند معلوم نیست، بعد از تلاش تهیه کنندگان و صاحبان فیلمهای ایرانی برای نمایش فیلمهای خود نتواند یافته‌است. در حال حاضر چندین فیلم با تهیه‌کنندگان مختلف آماده نمایش برای نوروز است که بطور دقیق مشخص نیست کدام با توفیق نمایش دست خواهد آورد.

فیلم اول صد لایحه می‌باشد نامدار که با تارک سبزوین می‌باشد و گروهش ساخته شده و نمایشات نمایش است.

فیلم دوم، شکفتن است که بعد از موفقیت فیلم رامته جوانی بطور رنگی با

شرکت نیلازفر و وفاتیه شد است. فیلم سوم با بازی آریا نامدار است. شرکت داریوش و فروغه تالیسی و بهر، تهیه شده است.

فیلم چهارم همراهان نامدار است. شرکت با شکوه باغ‌انور و قیصر سعید است. قطعاتی و میری تهیه شده.

فیلم پنجم پات استخوانی در فریضت هینر نامدار که بطور رنگی با شرکت وحدت - ژاله کریمی - باربارا واتسن در اجرا تو آلمان ساخته شده است.

شرکت‌های گشته از فیلمهای نامرنگ استخوانی و پیروز و توفیق در نوروز اجرا می‌شود.

## شماعی زاده گفت: خواننده‌ها از اسم و رسم من و اهمیت ندارند!



□ حسن شماعی زاده خواننده و آهنگساز معروف ایرانی گفت که دانش می‌خواهد برای اغلب خواننده‌ها آهنگ سازد و ولی متعجب است که چرا آنها از گش اسم او بی‌اهمیت دارند!

شماعی زاده گفت:

— من موضوع خودم نیز مسئله لایحه‌ای شدم. من اخیراً فعالیت‌های خواننده‌گیم را کم کرده و در عوض برای چند خواننده آهنگ‌های موزیک ساختم. اما نمی‌دانم که چرا آنها موقع انجام ترانه‌ها نام اسمی از من نمی‌زنند. . . .

شماعی زاده گفت:

— من سال گذشته در زمینه آهنگسازی بسیار تکیل بودم، شاید بخش بخاطر معاشه زبانی بود که برای من بسیار بهره داشت!

آنچه ایضا که گفته چینه خوشی دارد و می‌خواهد با سکوت خودم بدالم که بالاخره وضع آهنگسازی مانه کجا می‌رسد. متأسفانه تعدادی که استخوان را نمی‌روشند آهنگ مرا گیشه کردند، و چندین پیشنهاد گمانتند بطور مردم دادند!

شماعی زاده در پایان گفت:

— از بین آهنگساز ایرانی‌ها نوشیروان روحانی و جهانیش یازوکی علاقه زیادی دارم. اینکه اسم یازوکی را می‌آورم ایجاد هیچگونه شهادی نبود که چون هنرمندی

تظیم فرامرز پایور توسط خاطر روانه خواننده می‌شود.

در این برنامه، چون همیشه، ارکستر سازهای ملی، به سرپرستی و رهبری فرامرز پایور، همکاری خواهد داشت.

□ □ □

ایری بسیار مشهور و درخشان‌انولو ساخته «جوزیه وردی» آهنگساز مشهور ایتالیایی، در روزهای ۲۲ و ۲۳ هجری پایور تالار رودکی به صحنه خواهد رفت.

وردی، ۱۶ سال پس از تسلیب ایرانی آلبا، کارکنان رودکی و سکوت و خوشی گذراند. طی این سالها او جز چند قطعه بقیه در سنه ۶۹

# ستارگان سینمای ایران، یکی پس از دیگری خواننده می شوند!

## \* ترانه های مرجان، آیلین، شورانگیز طباطبائی و آرام چه زمانی بخش میشود؟



و نام خوانندگروی خودش نگاشته اند! بهر حال باید دید که آیا ستارگانی که اکنون دم از خوانندگی می زنند خواهند توانست در عرصه خوانندگی به موفقیت دلخواه برسند یا نه!



ساره وطنی هوس کند از مقداری دستبرد فیلش گذشته و آهنگ بخرد! آنسوقت روی که خیلی راحت می تواند اسم خواننده را روی خودش نگذارد!



از پیش ترانه هایان خبری نیست و نمی دانیم که آیا این گروه از خواننده شدن منصرف شده اند یا واقعاً قصد خوانندگسرا دارند!



هرروز خبر تازه ای از خواننده شدن یکی از ستارگان سینما به دستمان می رسد. مرجان، آیلین، تورانگیز، زانه کریمی، آرام، اتوسایانی، آرزو، روضاتحسدر و... تاکنون در لیست خوانندگان تازه جای گرفته اند هر چند که به مدار مدتها

## کاردان بالاخره با طاقت نیاورد و خودش هم درس ریال «مردا دل» ظاهر شد!



■ هفته گذشته با ستارگان سریال تلویزیونی مردا دل، که توسط پرویز کاردان تهیه و کارگردانی می شود با مصب متوجه شدیم که او با گریختن سریال با گسر یکی از رلهای کوتاه ایام سریال شده! این تصمیم آنجا ناشی شد که کاردان سراحتسا گفته بود برای بهتر شدن سریال نامش در آن بازی نخواهد داشت. دل کاردان را هر چند کوچک زودگیر بود ولی دوستان نزدیک او شوشی می گفتند که: کاردان بالاخره طاقت نیاورد و بهر نحوی که امکانش بوده برای خودش رلی شد توپیا کرد!

کاردان پیش از این در بیشتر سریال های که برای تلویزیون تهیه می کرد سرکار استوار مردا دل می آمد کلهای ابا گسر دل اصلی داستان بود.

سخت از مردا دل شد بدیست این راهم بگوئیم که میزدم فست به این سریال برستد در حال فیلمبرداری است.

## خبر نامه

از: عباس یاری

## حسین وانفی آهنگساز پرکار ایرانی گفت: من خواننده های تازه کار را بر ستار تر جیح میدهم!

□ حسین وانفی آهنگساز پرکار و معروف ایرانی کلمه ای سه میزدم سری خواننده های معروف رقیق بهتر شد گفت که خواننده های تازه کار را بر ستار ترجیح می ده!

وانفی گفت:

— ستار خواننده بی احساس است من هرگز خائره اوقاتی را که او را می گسرفتم آهنگمین اتانس می کرد از نظرم دور نمی نمود در حالیکه او در حال حاضر حتی خیلی از دوستان نزدیکش را نیز فرساخته کز صوف خاطر برداشت.

وانفی چندی بی شریکی از آخری من آهنگهایش را که فرایرد توسط ستار اجرا نمود به امید می گذار کرد.



# آقای ملک مطیعی گردن خود را از زان نفروشید!

\* بدنبال سکنه آرمان ...

## بزشکان معالجه او، ملاقات حضوری را برایش ممنوع کرده اند

■ هماغذره که هفت گشته بطور اختصاصی گردانیم آرمان هرینه پربانیه سینای ایران بطور ناگهانی دچار سکه قلبی شد در بیمارستان سبزی گردید. حمله سزار سینما را در وقت این خبر هوری باخوابید آرمان تاس گرفت پرسرور آرمان که خاطر پیش آمنت جانانه سخت از دست رفت که جان او را در سبزی باید ملاقات می کرد چرا که بستور پزشکان معالجت ملاقات حضوری برای او ممنوع شده است.

حمید قسری رئیس سینمای هرمستان گفت: سینمای هرمستان مرثا باخوابه آرمان در تاس است و امید زیادی داریم که هر چه زودتر سلامتی در این ما فعالیت هایش را از سر گرفته در صورت بهتر شدن حال او هر مردان ایرانی با دسته های گوناگون ملاقات خواهد کرد. در آخرین لحظات کشفمان حمله زور چایمی رفت اطلاع باقیم که حال آرمان بهبود یافته است.



## «امر خان» شروع شد...



هنه گشته ناصر ملک مطیعی در گفتگوی که در حقیقت آخرین گفتگوی او محبوب بستور سینما، نظارت خود پیرامون سینما، فعالیتش و کارش، منوچهر احمدی و خیرباد انتقاداتی کرده بود که بروش نظاره سینما - آنچه او گفته بود در عقب آمد. در این هفته منوچهر احمدی بازگشتی که اینست حرفت خود را بعنوان پات آکسور هالز و پاتور سینمای ایران بست می آورد. در حالی که با پنج مقاله اش برای حال داشته است که بستور آنکه در آن دخل و تصرفی جعل آن چنان است.

### آقای ناصر ملک مطیعی

من از نوشتن این نامه قصد گسب و شکایت ندارم. شما گروندان را گرو گدانه است که من در حال بست هر از نوبت زوجه حرفها و ادعاهای سبز و در هر قبلیسی که من مشاهده گند برای می گویم - البته

□ بالاخره بهار زمانها کار فیلمبرداری سریال نوروزیون محمد موسیانی بسامو ارخان در استودیو مهر گانه فیلم آسار شد. در این سریال که نظریه رنگ فیلمبرداری می شود وجود پرخرج ترس سریال هسای نوروزیون است بهر آنکه اینجس - حاصل، خوشگهشش، قدگیان، گرجی، رضا آماده خواهد شد.

**خبر نامه**

از: عباس یاری

## مدعی تازه برای رقابت با پاوران!



سازگار خوانندگی تازه غس که پیش از چند ماهی بست خواندن را پسته کرده، خیلی سرسختانه در مقابل این شوال - کتور با پاوران رقابت می کند. شایستگی میکند میگوید: - من به ارمان را از رقابت جوتوس می آید. در تاس اینجایی رقابت با پاوران ندارم. چون، فعالیتات آهائی که سدا می رانند، سدا، از پاوران هوشیار میخوانم. سدا، مخصوص خواندن است و اگر تانهای من خواندن سرو پاوران وجود داشت، اتفاق است نامشایمی!

## خاطره پور و انه بخاطر سالاد یک رستوران را بهم ریخت!

□ هنه گشته خاطره پور و انه خواننده معروف و زاربان فرهنگ و هنر کامیابش جعی از خوانش برای خوردن نظاره رستوران رفه بود ناگهان بافت جلال سرویس داشت و بستور را به ریخت. با چراغ از این فرودگاه و دستانت روی تاس میزنند و منداها منتظر سدا ماندند. چند نظاره گریون که چند

طرف مال و رویه میز گداشت. خاطره پور ناگهان توجه شد که سالادها که قابل اشتها نیست باقی خاطر از گریون حواست که آرا فصوص کنولی چون با توجی کوروزو شدتای سرو سدا را گشت و ناصر غس زبسنای آنجا از ک نبود.

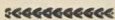
# موقع فیلمبرداری یک صحنه سکسی، بین نگین و شهر آشوب زدو خورد در گرفت!



ولی موقع کار مرثیا به سرب فریدی زخم زبان می‌زنش می‌گوید. آنی کسی اقدام مناسب ندارد نباید در صحنه‌های سکسی بازی کند!

اتفاق این حرف بر سر سرب فریدی گرد می‌آید و طرفین بمخاطب می‌افشند و حساب کلک کاری می‌کنند و نامت تحویل شدگار می‌نویسند.

■ تابع است که هنگام تهیه یک صحنه سکسی خوب سازگار می‌نمایند و سرب فریدی پانهر آشوب‌نوگین جان‌ها را نماندند و حساب کلک کاری کردند. در صحنه هنگام فیلمبرداری قسمت‌هایی از آخرین فیلم‌ها و فیلم‌ها را در دست می‌نویسند و حساب کلک کاری می‌کنند و نامت تحویل شدگار می‌نویسند.



## همسر رضافرسانی خواننده شد

او در آن کشور یک کتوب ریالی دارد که اصالی آن به خانها در مورد ریالیست و پوشیدن لباس نظر می‌دهند.

شهر فرسانی که حالا در تهران جرد خوانندگان اصلی برنامه ریگولتو است. شوی تلویزیونی موجهر سخانی و بانک انتشارات گفت که می‌خواهد خوانندگی را ططور جدی دنبال کند و همراهِ همسرش در چند فیلم سینمایی بازی کند.

رضافرسانی همیشه معروف ایرانی است که زمانی در آمریکا به بازی در فیلم برداشت و چندین بار نامش را می‌شناسد. نوری کسری از زبانها بود چند روزی است که بطور پنهانی در تهران بر سر می‌برد چرا که همسر او هم به جمع خواننده‌های ایرانی است.

امانه شده است!

این خانم که متولد شده در ده سال پیش با فرسانی ازدواج کرد و از آن پس همراهِ شوهرش در آمریکا می‌زند.



نقل از ستاره سینما شماره ۱۰۰ - ۲۱ بهمن ۲۵۱۵ (۱۳۳۵)



## تقلیل عوارض فیلمهای فارسی

سیمه‌بیم نوبت درسد است عوارض فیلمهای فارسی را از چهل درصد به بیست درصد تقلیل دهند و بهر کسی که فصدانسیس استودیو فیلمبرداری جدیدی دارد کمک نمایند. مشروط بر اینکه وسائل کارش کافی باشد.

کاری داریم باینکه وسائل کافی برای ایجاد یک فیلم خوب کالیست و سینه‌سواد میاورد یا نه. همیشه می‌نویسند جنس زد که بزودی سبیل خیمه شب بازیهای فیلمونه با سینه‌های ما را زیر خواهد شد.

اگر قرار باشد که بصورت گشته. تقلیل عوارض فقط سب افزایش فصدانسیس های فارسی سر فرط از کیفیت آنها شود، سایر مصارف و مهمت بزودی دست نکار اجساد یک استودیو تهیه آثار فشانیدر درجهان سینما خواهیم شد.

## آدم نا ترست

می‌گویند چشمان او بالا در زندگی خیلی بر ما تاثیرت و بلازاتی است، او هیچوقت بدون اجازه توهر با همسر او مخالفت نمیکند.

و در این باره دلیل آوردند که سن فیلمبرداری دانسیس آنرا نگریه هر وقت لازم میشد که او چون آسون را در آتش کشیده و بسود فلا تکار گردان میگفت:

... البته اجازه شما ...

برای از قرار معلوم کارگردان این فیلم در کابل در زندگی حشقی ماند توهر چون آسون باشد.

## فیلمهای این هفته در بیست سال قبل

برگه - با فر ۳: سکونابا بانیسی ماسیو جرونی

عشق روحخانه - با فر ۳: فرانسواز آرنول - دانیل لئن - ترور هوراد - خاطرات کارائوا - با فر ۳: گابریل فرنی - نادیا بگری - گورین کاسو - مارناتولادی - مارلین.

هه خوشحالند - با فر ۳: جنات اسکات جاکوگان - دیانا نورس.

## مونتاز بعد از نماش

آیا تا حال متوجه این نکته شده‌اید که فیلم سازان وقتی بعد از اینکه محصولات و جفت انگر خود را روی پرده و در معرض نماش بلا فصدانسیس میگزارند، در طی مدت نماش تا جراتی که جدا نیست می‌آورند دوباره متغول مونتاز فیلمی می‌کنند، مثلا بکتاب نگاهان دو صحنه حذف شده و بجای



■ نخستین تصویر از فیلم تازه فردین موسوم به «برفر از آسمان».



### صداندرداری همکلاس

### گلپهای کاندلی

□ مرضی عطیلی که تاکنون در تمام کارگردان، سازندگان فیلمهای فانتزی، بنگاه و جایزین بودامست، فیلم اخیرش هنوز به روی آگزن نیامده است. این همه کارگردانی فیلمهایش را موسوم به «گلپهای کاندلی» که خود تهیه کننده آن نیز هست، بیادان رساند. در این فیلم که عطیلی آنرا برامین ساریولین از خودش ساخته است مرضی عطیلی، نهرات صدیق، امیر آقاعالی، گرجی و نندای دیگر شرکت دارند. گلپهای کاندلی را همان همه نامویری از آن برای اولین بار چاپ شد است درباری فیلمبرداری گردید است.

□ این همه صداندرداری کار تازه سایش شاکری موسوم به «همکلاس» که برای نمایش در ایام نوروز گروه نیاجگرا در نظر گرفته شده است در استودیو بدیع انجام خواهد شد. در همکلاس که تهیه کننده آن جمال مجیدی است و بازیگری آنرا برامین ساریولین از حسین نداسی ساخته است وفاد، لایلا فروهر، رضا کریم رضایی، نادره، گرجی و جمشید میرداد شرکت دارند.

□ فیلمبرداری همکلاس را حمید مجیدی تصور رنگی انجام داد است.

## فروش فیلمهای روز ایرانی

□ فیلم «راشگر» ساخته سی ریضا صالحی که محصولی است از سازمان سینمایی تهرفرک و در آن منوچهر وثوق، روشک صدر، جمشید میرداد، زهرا ناهانی، گرجی و پرویز شاهین شرکت دارند. تکلیف نمایش در گروه انویورمال حدود پانصد و پنجاه هزار تومان فروش کرده است و نمایش آن برای هفته نودامه بخارند.

### فیلم سه ساعته فردین

□ محمد علی فردین این همه مراحل تکلیفی کارگردانی را موسوم به «برفر از آسمان» که یک فیلم سه ساعته است و برای تهیه آن از نیروی هوانایی ناوهای باری گرفته است پایان میرساند و اولین کسی این فیلم چاپ و آماده نمایش خواهد شد. در برفر از آسمان که فردین خود کارگردانی آنرا انجام داده است فردین، گلی رنگه، جمشید میرداد، روشک صدر، رشادتی، گرجی، نهار، پرویز جعفری و وحسن مجیدی شرکت دارند. فردین مصوم است برفر از آسمان را در چهار آینده طی مراسم بانگویی بروی آگزن آورد.

### ادامه خاکستر عشق

□ با مراجعت اکب سازندگان فیلم «جستجوگران» ساخته سعید باقیمانده کارنامه رضاعطیلی موسوم به «خاکستر عشق» که در آن نورانگیر طباطبائی شرکت دارد و خاطر میافزاید به آیدان جهت شرکت در فیلم جستجوگران سه کاره مامند بودامه بافت. در این فیلم کتیبه کشنده آن نازید طهری است و رضاعطیلی از آراس ساریولین از خودش میسازد مرضی عطیلی، نورانگیر طباطبائی، نیوا، گرجی، نادره، امیر آقا جانی و محسن مجیدی شرکت ندارند. خاکستر عشق را خانی فیلمبرداری میسازند.

### «ویزیتور» جلوی دوربین

□ این هفته تهیه فیلم «ویزیتور» کار تازه محمد دلجو و امیر مجاهد آغاز می شود.

در این فیلم که دلجو و مجاهد از اجداد ساختن «پاران»، «شهربان»، «عظایم هرزه» و «ماهپهنا درخام میگرد» بعنوان همین کار خود برامین ساریولین از خودشان میسازند، فرزند دلجو، شهرامش برید محمدا بی کتاور رو برای اولین بار اسی خوانند و مصروف شرکت دارند، هوز بازیگر اصلی زن فیلم منحصی نند، ولی گنتمند اولین زوج سینمایی فرزند دلجو در این فیلم «ویزیتور» بازی نمی کنند اسی سدان جهت است که در مجموع مجاهد با بازی آیین در فیلم دیگر موسوم به «امشب اشکی میریزد» مخالف بوده اند و با او وجود آیین در فیلم «امشب اشکی میریزد» بازی کرده. به حال در حال حاضر چندین از ستارگان سینمای ایرا در ایام بازی در فیلم «ویزیتور» کاندلی هستند.

### جستجوگران نیمه گاره

□ تلاش سازندگان فیلم «جستجوگران» محصول فیلم کولینر کمتر چند بودند آنرا برای نمایش در ایام نوروز آماده نمایند خاطر میافزاید ایرج قادری در آیدان نتیجه زسید و اکب سازندگی این فیلم از آن تهران مراجعت نمودند و تهیه مانی آن کوکول نند بعد از نوروز، در جستجوگران که ایرج قادری از آراس ساریولین از خودش میسازد یک ایسانویری، نورانگیر طباطبائی، حمید میرداد، فرهاد حیدری و ایرج قادری شرکت دارند. جستجوگران در افرج جدیدی فیلمبرداری میسازند.



در بالا رضاعطیلی کارگردان «خاکستر عشق» با نفاق نورانگیر در پشمجعه - پالین صحه ای در فیلم.

## سینه چاک پروانه گرفت

شرکت دارد. مدار فیلم «زیاد بسرو» «برایم از عشق بخوان» دومین فیلمی است که رضای کارگردانی کرده است.

□ هنای بین فیلم «سینه چاک» کار ایرج قادری محصولی است آرا با فیلم پروانه نمایش گرفته فراتر از چهارم استندای این فیلمند گروه آبیابروی ایران آید. در سینه چاک کسبازی آرا ایرج رضای نوشته است و توسط داریوش درجهی فیلمبرداری شده است ناصر ملک مطیعی، ایرج قادری، نگهبانگه، مهدی کر، زایج، ملیحه نصیری، کاتالی و ندای دیگر شرکت دارند. سینه چاک را شانس شایسته تهیه کرده است.

## پروانه نمایش جمعه .

فیلم «جمعه» برای گرفتن بسروانه نمایش آماده گردیده است. این فیلم را کاران فداکلیان کارگردانی و رضایکی فیلمبرداری کرده است. در آن بین نمایش تقی مختار، گلزیگه - رضای و پرویز فیروزه شرکت دارند.

## پشت و خنجر آماده نمایش

□ تا نام مراحل فی و صدابرداری فیلم تازه ایرج قادری بسرو به «پشت و خنجر» این فیلم آماده نمایش گردید و بزودی برای ایران می آید. در این فیلم کانهیگنده و کارگردان ایرج قادری است و توسط فرح جدیدی فیلمبرداری گردیده است. علاوه بر خود قادری، فرزان، بهمن مهدی، محمد خلیل و پوری سالی شرکت دارند. برای این فیلم حسن و انقی مسرتک من ساخته است.

## مختار در شرکت گسترش

□ تقی مختار بازیگر و کارگردان جوان که هنوز در سوگ مرگ پدرش آزاد است بروی برای شرکت گسترش سینمایی

## آدمه کوسه جنوب

□ این سینه چاکهای باقیمانده فیلم «کوسه جنوب» کار ساموئل خاچیکیان که محصولی از کار ایرج است و بدون تدقیقه میباید فیلمبرداری خواهد شد. در این فیلم کانهیگنده آن بروز حجازی است و ساموئل آرا براس سازویی از بهمن زرین پور ساخته است. ایرج قادری، آرام، شهاب شگری، ختابار، جوانه جلیوند و ندای دیگر شرکت دارند. کوسه جنوب را علی مرتضی با نور رنگی فیلمبرداری کرده است.

## برایم از عشق بخوان تمام شد

□ هنه گشته فیلمبرداری کار جدید «برایم از عشق بخوان» بسرو به «برایم از عشق بخوان» توسط علی مرتضی سیمانی رسد. در این فیلم که محصولی است از سازمان سینمایی با نمایش و رضای براس سازویی از صمد آزاد ساخته است و قادی لیاق و مهر، جمال وفایی، سربین فیروزی و حبیبیه پور



■ رضای غلیبی و شهرزاد صدیقی در فیلم «گلهای کاشانه»



■ آخرین ملاقات (پوری بنائی - موجهر احمدی و پرویز منگونی در صحنه ای از فیلم)

کارگردانی فیلمی را انجام خواهد داد که تا کنون هنوز نام بازیگران و کار سازندگی آن بی اطلاعیم.

از مختار هم اکنون فیلمهای شب آفانی و صحنه در مقام بازیگر و فیلم صبح خاکستر

در مقام کارگردان، بازیگر آماده نمایش است. در صبح خاکستر که در فیلم «نصیب» دومین کار مختار در زمینه کارگردانی است بیباک بیابانگردی، تقی مختار، آرام، گوهر ترنم، طیفی، هنگامه و جمال شرکت دارند. این فیلمی که محصولی است از سازمان سینمایی با نمایش حضرت الله کی فیلمبرداری کرده است.

## فیلم جدید پورسعید

□ اسحق پورسعید کارگردان قدیمی فیلمهای ایرانی که هم اکنون فیلم «تازه ترس» را با شرکت موجهر و توفیق، سلوک، شیراندازی، آرنه، گرجی، مانده، منلی و بهرام پورنیرت آماده نمایش دارد تا چند روز دیگر برای تهیه کتبه همان فیلمی خسرو نسیمی کارگردان فیلم تازه ای را آغاز میسازد. ۳ مایلر شماره آینده نام آن کارگردان را با مطلع خواهد رسید.

## صدای برداری فریاد زیر آب

□ هنهای پیش صدابرداری کارنامه بسرو اولیو بسرو به فریاد زیر آب که براس سازویی از خودش ساخته است استودیو ندانود انجامید و هم اکنون آخرین مراحل فی آن طی میشود. در این فیلم که از صحنه فیلمهای گالید شد برای نمایش در ایام نوروز است فرانه تالیدی، بهروز بهزاد، ملیحه نصیری، دسترندی و برای اولین بار خوانندگان جوان نهره صولتی و داریوش شرکت دارند. فریاد زیر آب را کانون سازمان سینمایی با نمایش تهیه شده رضایکی فیلمبرداری کرده است.



■ ایرج قادری و بهمن مهدی در صحنه ای از فیلم «پشت و خنجر»

# کانال خودمان!

از تماشاچی



روزهای تلویزیون:

## سه شنبه و چهارشنبه، خمیازه. پنجشنبه سر گیجه. جمعه فقط مرد ۶ میلیون دلاری!



■ پس مگنت یک مومس افشار لقب بر ما بد و بگرد این سه شنبه و چهار سه چرا تلویزیون ایستاد سو سو کور ایستاد گویا سران بر اول در برای ایستاد سو روز کافی داشته اند و مگنت گنه خنا نشانگر با ساتای این سران آسمان غلغله میخورد که اگر تلویزیون برنامه دیگری هر داشته باشد تماشاچی گرمی این میشود ایستادور مگنتور باید مات بی برنامه کی تلویزیون دهن موم و چه میداند دهن نهاد کیم و خیمار. پست خمیازه. آتوق کیمو با دو پخته مسایم چارتیخ که با دو فیلم مسایلی از دو کانال که در یک زمان هم خروج میشود چطور باید کار مگنت مگنت که انگ شرب با خط مگنتو! شما را ایستاد

من نیدام چه منظوری در کار است که یکی از دو کانال را روزهای سه شنبه با چهارشنبه فیلم مسایلی نشان میدهد تا تماشاچی مجبور نشود از فرط سیریزنامه بودن تلویزیون دستمندان آگهیهای تبلیغاتی با مامای بگویم و پاهای بار. کانی! شود. و از ساتای آنها کلی متن کند. مخصوصا اگر آن گریههای این پیام ها بزرگانی را همراهی کند که با آن سدا آسمون فرمهای از بیخ معدن و اینست فریاد برید. هر روز راج جالیوس بی سر بالا حسابی را بکنید کنوی خانوادگی های پر اولاد پخته شد چه گفتی بر پست. برنامه اول مایلا تک فیلم پستی نشان میدهد و آثار امی که دهن برای آریست بازی لائرنه دوریز کریمه برای برنامه

اول دختر خانم خانه هم تویخ برنامه دوم است که مثلا قرار است با فیلمی متن حرفهای عشقی نشان دهد. مجلس پیش- پس میبند که جنگ و دعوی آزار و

\* در باره برنامه «شا و تلویزیون»

## جاناسخن از زبان مامیگونی!..



■ حلی خط کردن از این ژانک خانم کاظمی برنامه «شا و تلویزیون» است. بی الواقع زانک خانم در این برنامه بورا از ماد شمشکند و میوه چوبختک و مساب خالی بودن غرضه نمیفشانند گونه تباری هر چه برنامه ای اجرا کند. بازی از مجربان فکر میکند که هم باید بارو بیا بشارند و مگنت که کنورین دربراهش روی مورتان توف میکند باید سری حالت ناید تکان دهد با هر چند وقت بشار که سخن گفتند که همی مامیگونی و نهانهاشیم بلکه همی برنامه هم شنید!

خوشخانه خانم حلی نوی و درباری است رفوا آشتانانگر مگنت که مثلا بشارندگان سران مساب آقا گویند. صبح سران پست دارند! بلکه حق درک و راست خوشند! بجای نشانگر حلی خط باید آمد مگنتان و مگنت! است! است! زانک سران تلویزیون

ص. مگنت! حلی خط مگنت و مگنت! حلی خط مگنت! حلی خط مگنت! حلی خط مگنت!

\* در حاشیه سائل ...

## «احساس مسئولیت» چند صد هزار تومانی!

■ آوچ! که من چند بی اصاف نشره دارم. نه، حواش میگویم عارف تکبید من واقعی اصاف! اگر اصاف داشته این چنین برخصی از شوهران و وارثه برادران مارین حربه نیگرم که این آن شک فلنکارهای که تجویل ما میبندد بی اثر واقع پاک یابسی ارزش ندارد. پس قبول کنید که وقتی اصاف را تقسیم کرداند بنده حضور ناشتام و طرحی که نخکی ندرسم بوده نوی راهروهای تلویزیون ولو بودم و گوش بزرگ که آنم خبر خواهی صدایم کند و نگوید خانم بیسا شوهار!

حما میریزد از کجابه بی اصافی خود بر مردم! آ خانم برایتان نگوید که چندی پیش بارفقا نشو موم و او هر در بی صافی میراندم و طبق معلول سواتی سید موم تلویزیون حرف از شو و شو زانک بیان آمد. مجلس بیوای پاک لافا نمدار چه

ند که از دهام برید: فلان شو سارکاش خوب نبود پس مامیگونی حرف زدیم! چشمان روز بد نیند یکی از رفقا تراند که: فلانی حلی مسکول و مسجد آسداوی صورت من لابد کتی نصب و بیت و عرض شود که حیرت و شگفتی دید که دهامان شینم خوش از تویی که تور با صفت تکبید بود به مسکولان گفته که تور با صفت مسکولان و بچیانید گوشه انار. اما ص مسکولان گفته اند: نوچ! و دورا بخش کرده اند. لغت به این اصاف بی اصافی! ماچین شواری داشتیم و بی خبر بودیم! مکه چنین آدم با مسکولیتی چراغ نداری شما چطور! این شو سارکاشین نامت ای «احساس مسکولیت» بارانی اش چند صد هزار تومان خارج شو! مسکولانه برود دوروزید کتی باد به عقب بشارند که شیه در مسکولانه



# زندگی شرلوک هلمز بر روی پرده سینما

## \* راجر مور بعد از ایفای دل «سنت» و «جیمز باند»، اکنون به شخصیت «شرلوک هلمز» جان می بخشد!



مخالفنامه یاد شرلوک هلمز شده است. شرلوک هلمز کارآگاه مشهور و باهوش که در اوایل قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم زندگی میکرد، حوادث بسیاری خلق کرده است که هر یک موزیک بک کتاب و برخی از آنها محور ماجراهای یک فیلم شده اند. اخیراً نیز فیلمی به نام «شرلوک - هلمز به نیویورک میروند» ساخته شده است که داستان آن براساس یکی از ماجراهای شرلوک هلمز نوشته شده است.

کتابهایی که براساس ماجراهای شرلوک هلمز نوشته شده است، مجموع تیراژش به میلیونها میرسد و به نام زبانهای زنده دنیا ترجمه شده اند. شرلوک به عنوان یکی از کارآگاهان مشهور دنیا در میان دوستداران کتابها و فیلمها پبسی نوشته شده است. نویسنده کتابهای پلیس هلمز شخصی به نام «کاترینول» بود که اکثر فیلمهایی که براساس ماجراهای شرلوک هلمز ساخته شده است، داستانهای اصلی از نوشته های نویل هودلاند است. نامهای شرلوک هلمز به نیویورک میروند، با فیلم های گذشته این است که سازویی این فیلم کاملاً از زمان است و تنها گرفتن از



□ شارلوت امیلیت در عنوان شرلوک هلمز را بازی می کند.

□ سینما که هواره میکند، با خلق آندهای تازه، تماشاگر را بیشتر جذب کند، گاهی نیز وارونه عمل میکند. به طور مثال در مورد کارآگاهان، هر روز فیلمها سازان میکنند، یک کارآگاه کانلر، چاکر، نوح و شنگر با نامهای اجناس انگیز، نامتازگان را در بیت و جبریت فروراند اما برای یکی دیگر از دعوات

زندگی شرلوک هلمز نوشته شده است و کتابهای نویل هجگونه همین در آن ندارند. برای اجرای نقش شرلوک هلمز در این فیلم، راجر مور انتخاب شده است. اجرای این نقش از آن جهت جالب بود که وی پیش از این به نقش دو کارآگاه دیگر جیمز باند و سیمون لیپر، نیز ظاهر شده است و اینک شرلوک هلمز نیز سالیست است. راجر مور توسط گرمی، کاملاً بیفایده

است و این گویا برای مور که سابقه زیادی در اجرای نقش کارآگاهان دارد تجربه ای شیرین بوده است. به خصوص که در مجبور است در قالب مرتضی متعلق به چندین دهه پیش درآید. آمیجی چون شرلوک هلمز وقایع داستان در سال ۱۹۰۱ رخ میدهد و این یک مشکل دیگر راجر مور است. اینبار نقش شرلوک است زیرا شرلوک هلمز



■ جان هیوستن، راجر مور، پاتریک مالتی و گیت بانک باقیافه های تازه در این فیلم شرکت دارند.



يك گفتگوی اختصاصی با «گیتی»  
خواننده و بازیگر !!

# خصوصیات زندگی يك هنرمند مملوك كار هنری او نیست!

برای گفتگوی با گیتی، طی فراری که قبلاً باقی گذاشته‌ام، بهانه‌اش میروم گیتی در لباس ساده خانهاش، خیلی منین زورویی می‌نشیند و راحت حرف می‌زند. نیندام چرا از هنرهای خوانندگان، همیشه انتقاری غیر از اینکه الان در روبروشی با گیتی دارم، داشته‌ام و انتخابی انتقاد چندتا هم برده بود چرا که همیشه آنها را در لباسهای رنگارنگ و متنوع دیده‌ام و با حرکات و رقصهای تان و پریحرک از جانب آنها روبرو شده‌ام، خاطرویکه مثال رسیده نوریون می‌بینم، اما گیتی خیلی آرام است و رفتارها زودموسولی با زینت شخص و باوقار را دارد. در جواهرها بسیار مدلل و رنگ و برسات است و با ملاحظه به منجم و جانپوری نمی‌پردازد. این گفتگو بیشتر با دلیل است که گیتی تاریکی کار بازیگری را هم در فیلم «زخمی‌های سموع کجیانی» شروع کرده‌است. اولین سؤال از گیتی: سؤال است که هر کسی در برخورد با او بهش میرسد.

□ خانم گیتی، ممکن است از تعبیر فرم کارت در خوانندگی برایشان بگویی؟  
گیتی: از آن تعبیر البته وجود دارد و این تعیین است که بعد از چند سال کار خوانندگی، در یک یا دو ساله تعبیر گرفته‌ام.  
□ منظور است که قبلاً در هنر رقصهای مجاموسی و آهنگهای از حبت نینماوت بود، حال اینکه الان روال کار بخصوص برآ دنبال میکنی.

گیتی: تعبیر این تغییر بایستورت که نشا مطرح می‌کند نبوده‌است، نشا الان می‌بیند که من آهنگهای تان و بازیهای تانرا هم اجرا می‌کنم و از طرفی کارهای آرا چندگیری هم هست که روی موسیقی، انما و بالاخره نوع اجرایشان حمایت بیشتری شان میدهم... تعبیری که همیشه بوده، بطور کلی همین اجراها و حمایت و وسواس بیشتر در انتخاب است و نه چیز دیگر.

□ از این زمینه که بگذریم، اجراها مسئله‌ای زندگی خصوصی‌تان پیش می‌آید. نمی‌تواند گفتا کرد که هنر زندگی نشا، مسائل با ملاحظه جغتالی هم وجود دارد که برای طوفانات می‌تواند سوز و توسوع روز باشد اما گویا خودت این مسئله‌امنی ندیده‌ی که آنها عکاسی پیدا کند و محسوس میکنی که هر چه بیشتر درخشان و دوراز جار و جلال برگزارد گردد.

گیتی: نشا خواننده می‌گویی زندگی محسوس. بسیار خوب من فکر میکنم که خصوصیات بایستی بیشتر از جهت خوب نگاه شود. اگر چیزی محسوس است، بهتر است بصورت خصوصی حفظ شود و هرگز هرگز به‌عزاز دلیل و باینکه مطلقاً بدلیل مطرح نشود. در این صورت حرمت خوبت را از دست خواهد داد.

□ این جواب دیگر جای برای ادامه بحث باقی نمی‌گذارد اما فکر نمی‌کنم انتخابی با یادآوری باشد که مسائل جغتالی همیشه برای هنرمندان تابش چیز است نباید. جغتالی بود دو ساعت شده که مدام مطرح باشد.

گیتی: خیلی راحت می‌توانم بگویم که من باین شکل که مسائل و خصوصیات را با ملاحظه برسر بارز بگذارم که این را می‌داند برای اینکه مطرح باشم، کوچکتر اعصابی ندیده‌ام. البته حرفان را در این مورد رد نمی‌کنم چرا که اینها جزو مباحثه جغتالی از خصوصیات بازی، هتیم که امثال اینها معروف هم گردانند اما این معروف از نظر من، چیزهایی نیستند که همیشه باشند. جغتالی در مورد یک هنرمند نشا لازم، بلکه حق هنرمند است، اما جغتالی و گفتگوی که حرفا بدلیل کار او ساخته در اطراف هنرش دور می‌زند. نه ویژگی‌ها را رد نمی‌کنم...

□ جواب را لطفا درست فرمایم. دارم اما سؤال دیگری که پیش می‌آید در باره کار اخیرت است. گویا برای اولین بار در هیئت یک بازیگر، در شورای نویسندگان مسعود کجیانی ظاهر خواهی شد این کار در چه مرحله‌ایست؟

گیتی: کار بازیگری را همیشه دوست داشته‌ام. اما قبلاً هم گفتم که هیچوقت بطور جدی در باره‌اش فکر نکرده‌ام. چون سنای معمول و مرسوم ایران را، باین معنی که هر هنر تانند چندشای هتیم ندیده‌ام و خوشبختانه قبول ندارم اما کجیانی می‌توانست هیچ جور وابستگی به آن نداشته باشد و بروی همین اصل از اینها استفاده کرد. اما من خودم اینکه فیلم «زخمی‌های آلا» در چه مرحله‌ای است، باین بگویم که تا امروز مسائل مربوط به این کار و تست دورین را تمام رسانده‌ام و خوشبختانه از آنها سرشده بیرون آمده‌ام. چند روزی است که کار فیلم‌سازی شروع شده و سرعت پیش می‌رود.

**\* بسیاری از هنرمندان  
مسائل خصوصی  
زندگیشان را پله‌های  
معروفیت خود می‌کنند  
وبالای می‌ورند.**

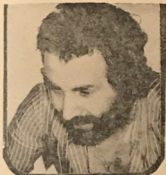
**\* در فیلم «زخمی‌ها»  
نقش غیر منتظره‌ای  
دارم که هیچکس انتظار  
ارائه آن را از جانب  
من ندارد!**



□ در این فیلم ، باهرینه‌های حرفه‌ای  
تئاتر و سینما بازی کردی . بازی با آنها و  
رو روی آنها ، اصلا برایت ایجاب اشکال  
نگرداند ؟  
پیش نیامده و بخار اینهم امیدوارم که  
پیش نیاید . البته باپس نگویم که اگر  
راه‌های‌های کیمیا برآمده بیجوفتتم...  
توانست با این اطمینان بر استاد سخن‌کار  
کنم .  
□ در درجه‌های انطور که شنیدم  
فرار زرقین ، داور دیندی ، بهن مفیده  
حجر وانی و جمشید منایح باز دارند .  
مفازان در بهارین بازیگران معروفیت  
گیتی... طبعاً نظری « رتبه‌مندی  
مندان و اینکه هنر کار آنها معشای چهره‌ای  
زادی را خواهم آموخت ، دارم . این آقایان  
هر کلمات آن کتورهای بوی‌العدای هستند  
که اتفاق در رخسار خیره‌دهنده سرچشمه  
پنانه‌شده‌اند و مثل هدی فیله‌های کیمیا ،  
سجده‌های گویا و کلمی را ارائه می‌دهند .  
□ ممکن است از « زخمی‌ها » بیشتر  
سکوتی و اینکه دقیقا چقدری در ادبیات  
بازی میکنی ؟  
گیتی - این فیلم عازم کر تولد پاک  
ناجیه در یک خانواده قدیمی و امپراتوری  
است و اینکه از اوضاع فاجعه‌آمیز در آیین  
خانواده ، چه مسائل ایجاب میکند و چه  
درگره‌هایی را تشکیل می‌دهد . در مورد نقش  
مردم فقط می‌توانم آنکه اشاره کنم که  
مثل کلا ریتم نظری را به هم ندادم که  
مشتمل هیچکس نمی‌تواند حسن برد ، چه  
بوع غنی خواهد بود .  
□ این جوانان آنرا و سوز می‌کنند  
که دادند مگر این نقش چه ناهالی دارد که  
انطور آن حرف می‌زنی ؟  
گیتی - منطقی‌ها از غم در این فیلم  
می‌توانم بیشتر از این حرف بزنم ، چسرا  
که صامت و تاریک از نظر قطع بوقت  
بایش فیلم از دست خواهد داد . اما در مورد  
اینکه این یک نقش کاملاً جداگانه است که  
کس از آن انتظار ندارد ، معشای باشد .  
□ برگردیم به حرفه‌ای اصلی‌ات ،  
خوانندگی - در مورد کارهای جدید چه  
سکوتی ؟  
گیتی - در زمینه کارهای خوانندگی  
باید بگویم که راه‌های زیادی دارم که  
منطقی ، منتظر کارهای گونه‌گون در این  
اولاد ، مرا از توریج و سخن آنها ، باید

براهمی درست دور گردانست . اما الان که  
فیلم‌های شروع شد ، می‌توانم بگویم  
بیشتری در این مورد کار کنم . من اعتقاد  
چندیم « مولوی‌ها » که در لندن - طواغیر  
شده بسیار دوست دارم . اما منطقی‌ها از نظر  
دلو می‌خواست ، هنوز نتوانستم آنرا پیش  
نمایم . از دیگر آهنگها یکی « ترسو از عشق  
است » نامدار که احمد رضا احمدی ترس  
را گفته و با منطقی‌ها بسیاری ، کار خودی  
استعجاب از اینها خود خوانده است که آقای  
پازوکی شعر و آهنگ را ساخته و در  
زمینه آهنگهای ریتمیک است . منطقی  
میدانند که خود آهنگ هم می‌توانم . مثلا  
آخرین آهنگی که ساخته ام ، روی یکس  
از اشعار موجری دامغانی است بسیار  
دوخت سوز که فقط یکبار از توریج  
پخش شد و هنوز در بازار پخش می‌شود .  
آهنگ‌های ترس جدید ترس ترسانه ،  
ناظر خوب مناسبت گشتند که همین روزها  
منت خواهد شد . ترس همان نام‌سری  
است که کلا از او خیال‌تراهی بود است  
کهره را خواندم .  
□ در مورد کارهای آینده‌ات بگو ...  
گیتی - درباره کارهای آینده ، خبر  
ارائه چند آهنگ جدید در دست‌نویس و آخر  
وسط توریج دارم . باپس تریس برای  
ارائه هر چه بهتر این آهنگها بنده ... نظر  
من نوع ارائه هر راه‌های باپس مناسب  
و معیت شعر و آهنگ آن ارائه‌اند و این  
موردی است که منطقی‌ها در اینجا چندان  
به آن اهمیت نمی‌دهند ، مثلا در توریج  
میریند که آهنگ جزین و سنگین را برای  
خوانندگی که متنوع رقص و پایکوبی است ،  
انتخاب می‌کنند که البته از این موارد بسیار  
هست . گامان موموم را می‌توانم که جدا  
باپس می‌توانم کار می‌توانم که گشتند  
با بر اطلاق می‌توانم ...  
□ آخرین سوالم اینست که بخاطر  
فیلم « زخمی‌ها » فکر کارهای دیگری در  
زمینه بازی نمی‌کنی ؟  
گیتی - هیچگونه اطلاق الان به  
چون من فلا نمی‌توانم در این خصوص  
نتوانم حالا باپس با احتیاط با آن  
طرفیت پیدا کنم . منتظر نتیجه کارم در  
رخسار خواهد دیدند و بخاطر آن برای  
این کار ، تصمیم خواهد گرفت ...

# سعید دبیری: کار ترانه سرانی در این روز و بوم، با وضعیت بحرانی روبرو است!



**\* بعضی از شاعران ترانه سرامی خواهند با بکار بردن کلمات غیر متعارف، در کار ترانه سرانی تحولی بوجود آورند!**

اهل جلال و سروسامانیت. هیچگاه برای ماندن استم به کسی بدویتره نگفته و بقول معروف همیشه سعی داشته که در حاشیه مرود بدیگر گذشته منبیت که در تسارک سرو سامان دامن آهنگهای بروجههای او بگردد. اینک زمان بیشتر شعرهایش را در اختیارش می گذارند و بدین وسیله شهرت خوبی نیز برای اوستویا کرد.

سعید دبیری ترانه سرای معروف ایرانی و شعر بی که اخیراً بیشتر شعرهایش را بر اختیار گوگوش و چند خواننده معروف دیگر گذاشته منبیت که در تسارک سرو سامان دامن آهنگهای بروجههای او بگردد. اینک زمان بیشتر شعرهایش را در اختیارش می گذارند و بدین وسیله شهرت خوبی نیز برای اوستویا کرد.

## \* پونه و آهنگهای تسرکی استانیولی

پونه خواننده ای که بدلیل صدای مسکوت و یکبار دیگر فعالیتهایش را در زمینه موسیقی گسترش داد و کارش به گسایاره نیز کشید اخیراً در حال آماده سازی چند کارنامه است که تمامی آنها تسرکی استانیولی است و چند ترانه سرای ایرانی روی آن شعر گذاشته اند.



یکبار دیگر ترانه هم روی صحنه از قبله ای در حله لیبی و چون خواند که البته آماده پیدانکره.

طایع است که او این روزها یکبار دیگر بدون سرو سامان مطلق شط چند ترانه از است نیاست بر به میدان باز گردد.

### ترانه های هفته

لیست ترانه های شبانه هفتگانه بازار فروش کاست و استایل مردم تحریر است.

* ترانه های ایرانی	* ترانه های خارجی
۱- ترن نامه بامدای داریوش	۱- آلبوم نیناجا
۲- نمانده بامدای بهمنی	۲- آلبوم گروه والتز عربی
۳- ننگار بامدای ای	۳- اجرای استرگروانل
۴- ماری و جود خود با صدای گسی	۴- آلبوم گروه آنا
۵- بالان دنیا بامدای بی	۵- آلبوم خورده قیاسو
۶- آلبوم ترانه های ری نگار انشازاد	۶- آلبوم گروه آسون جان
۷- کانون ویران و شکر گردگان و بوجوانان	۷- اجرای لی استار
۸- گمشده بامدای گوگوش	۸- آلبوم جان درول
۹- آلبوم ترانه های حمیرا	۹- آهنگهای متنوع پاپیوریک
۱۰- صدای نغمه	
۱۱- آهنگ بامدای گیا	

صدای برادری نمانت و صدای طیفه دستانت کهو بخاطر خشکی بامدای از خوانندگی به تفریح کشیده حالیکه فعالیت های از ما تا حدی خلاف این موضوع از نمانت می کند و اینطور که بدینست محمد حمیری واردان سرور از لاجره او را از سقوط نمانت بداند.



## \* کورس دوباره بر می گردد

کورس سرگشته خوانندگی کورس مدتها در پهنای اسکوت فورو رفت بود و هیچگونه تانیاز او نمانتیم و ایندانشیم چهشت فرجه را عالی گذشت وجه می کند.

کورس صدای روان نمانت که پاپو خاطره داریوش رفیعی را زنده می کرد. این جلال و سرو سامان بود و موع اجرای آهنگهایش در روزهای خوب راجت می آمد و در وقت.

## \* بهیستی تیم تشکیل داد!

جسی خواننده ای که یکبار دیگر با اجرای ترانه ها نمانت دانش سر راجا آقا آقا و کارش بقول معروف گسی کرده حنه گشته طبق قراردادی با محمد حمیری آهنگکار ایران سرور ترانه سرا باک نمانت آهنگی را تشکیل داد تا بعد از شط با گروه خود بر ترانه اجرا کند.

بهیستی که با آهنگکار قبلی از جهان بی باورگی فخر کرده و از او نمانت نگیسر شد تا پیش از اجرای این آهنگی سرور



خوانند: ابی

## شکار

وقتی رسید آهو هنوز نفس داشت  
داشت هنوزم برها شو می بسید  
وقتی رسید قلبی هنوز طیش داشت  
اما اونم چشمه ای بود که خشکید  
وقتی رسید آهو هنوز نفس داشت  
داشت هنوزم برها شو می بسید  
دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین  
بیداد

دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین  
بیداد

بیاره بالای کوه، پناهنده خواجه  
تفنگ تو می غره، که زندگی چه  
پوچه

دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین  
بیداد

دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین  
بیداد

اینو میکن جنگ بدون اعلان  
جنگی که هیچ فائده ای نداره

اینو میکن جدال نابرابر  
جدالی که فائده ای نداره

یک نفر از دست بدون آهو  
بسکت تو غم روی دلم گذاشتی

من نمی خوام دستار و عسک و  
حالی

عاشق اون آهو بودم که کشتی  
دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین

بیداد

دلنگم... دلنگم... دلنگم ازین  
بیداد



Lois outlet



## «ب - ب» به دنبال شهرت دوباره!

\* بریزیت باردو دره در به  
دنبال روژوادیم، کاشف  
نخستین خود است. زیرا که  
ب. ب. چون باوادییم بود، موفق  
هم بود و چون از او جدا شد  
موفقیتنا هم از او جدا شد. گویا  
هیچکس همچون روژوادیم در  
ایجاد شهرت عالمگیر برای  
ستارگان بدطالاسی ندارد.  
ظاهرا بریزیت باردو تنها راه  
رسیدن به شهرت دوباره را پس  
از سقوط شدنش، در وجود  
روژوادیم می‌جوید و از این رو  
می‌کوشد آتش روابط خود را با  
او دوباره گرم کند!



# زوج دیروز، امروز در کنار هم قرار میگیرند؟



یولدا که هم اکنون فیلم کینگ از او  
برویزیده است و نونا فراوانی را نگه  
بشار دیگر مرشد فرسی است که بافر  
دادن این نو در کنار هم به لیست فیلمهای  
پرفروش میافزاید. لارنس سوانتسوف  
راجب کرده است و میماند مذاکره با مارچو  
که اینک در داری دیگر جنوی نورین  
است.

□ مارچو با ستروانی و سولیاورن،  
دوهریستان معروف سینما ایتالیا که  
رمانی در فیلمهای موفی در کارینگر  
ظاهر شده و به صورت یک روحستانی  
در آشتاد، مدیست که آن رشای بود  
سینما را گستراند و پنهانی در فیلمها  
شرک می کند و البته کمتر از گذشته.  
اخر دینو لارنس تهیه کننده

## استیومک کوئین، دشمن مردم!

□ استیومک کوئین سوپرستار  
سینما آمریکا متولد بازی در آخرین  
فیلمش به نام «دشمن مردم» است. دشمن  
مردم، از نمایشهای معروف به همین نام  
از آثار «هرتساین» نمایشهای  
نامدار اقتباس شده است و استیومک  
باعت کوئین به نقش دکتر استیومک: آدم  
اولین این نمایش ظاهر می شود.

دشمن مردم حکایت دکتر لیوکار  
شهر کوچکی است که به دلیل هراسند  
باخواسهای نامشروع زغالی شهر کوهان  
فوی دان ویدر مورسند و نون کارها  
بناست، موردهای و نفرین آنها فرار

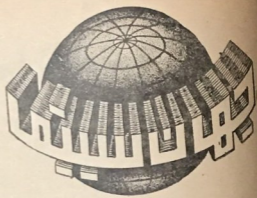
این فیلم را جورج جان کارگردانی  
می کند و به جر استیومک کوئین دیگر  
بازیگران آن، سی آندرون، چارلز  
دارینگ و ریچارد نیسارت هستند. تهیه  
فیلم را نیز خود جورج جان برای گمانی  
برادران وارنر فرست آریست انجام میدهد.

□ کارنوا و عزیزان نام فیلمی را  
فرانس لوگران است که در آن لویس  
کرنس، لورلا کورس، رینا کرس،  
هیو گرینیت و ماریا بل هستند. این فیلم  
در ونیز و فیلمبرداری می شود.



□ چارلی کاکلیس فیلم سه نام  
«گوی درختان» را کارگردانی می کند.  
بازیگران فیلم، ران رسر، هر جکسون،  
مارجوری ویلر و سوزان کون هستند تهیه کننده  
فیلم مارک فروستینر است.

□ «رخسبند سربازان باکره» نام  
فیلمی است که کارگردانی نورین کوهن و  
بازیگری رابین اسکویت، نایجل داولپورت،  
جورج لیتون، انور نوواردو لیتا و لیتا  
سارویلیتم و لیلی نوما نوشته گسریک  
است آن را برای گمانی برادران وارنر تهیه  
میکنند. فیلمها اکنون مراحل مونتاژ را می-  
گذراند.



## «تام جونز» یک بازیگر در سینما.



□ فیلمبرداری سومین بخش فرودگاه  
با نام «فرودگاه ۷۷» آخرین مراحض را  
می گذراند. این فیلم را جری جیمسون  
کارگردانی می کند و بازیگرانش جانسون،  
جسر استوارت، کریسوفولی، لی گران،  
برنداوا کورودارن مک گلوبن هستند.  
فرودگاه ۷۷ را ویلیم فرای برای گمانی  
یولیورمال تهیه می کند.

□ تام جونز خواننده معروف انگلیسی  
را دیگر در فیلم سینمایی ظاهر می شود.  
تام جونز که از بهترین ویرجوساترین  
سازین انگلستان است که در سراسر دنیا  
نوسازان فراوانی دارد، مدیست که  
نارونده شد بر تعداد گروههای موزیک  
با این بازیگر است. او به عنوان تهیه کننده  
و این البته حواست خود نویسنده اما نام جونز  
با نام کارش خود علاقمندان گذشته اش  
را که هر آهنگ او را اینها حاضر است فراوانی  
دارد، برای خود نگه داشته است.  
تام جونز، پیش از این یک بار به  
سازین کرشنگان در یک فیلم وسترن  
شرکت کرده است و در فیلم «ایستاد فرام  
برای کوهان» فرانس ایستاد فرام است  
که زمانها در آن حالت دارد، شرکت  
کند. وی در این فیلم با جون کاکلیز  
همکاری است.

□ آخرین فیلم مذکورچه سه نام  
«بناکرجی» در دست مونتاژ است. در  
این فیلم که گمانی کلسیا آن را در سراسر جهان  
پخش می کند، جین فاندو جورج سیگار  
شرکت دارن تهیه کننده اش پیراوت و  
ماکس فلاسکی هستند.

# رویای یک مسلول

روی سینه افتاده ، از مطب خارجدم .  
نویز آفاق انتظار هیچ نمی بود . خیلی  
تعجب کردم . میبایست منتظرین میبندی باز  
مطب دکتر بیرون نیامد . اما رفتم بوی  
سراسیمه بدیناقت نبودم . فکر کردم هنوز  
زیاد دور نرفتهام . نوی خیابان ، بین  
آنها که از سرماکز کرده بودند ، نسرا  
میچشم ، ولی اثری از تو نبود . آنوقت  
گرفتم گریه گرفتم . ههائش ترا محسوسکردم  
که سرت را روی سینهام گذاشتهای و با چشمان  
بر تکلف ، بمن سخنمیری ...

## یازدهم بهمن ۱۳۴۵

دلب ایلا نخواستیم ، دلم خیلی  
گرفته بود . محسوسترا از روی چشم ، دلم  
میخواست پیش من بوی . ولی انتظار  
نمود . از صبح زود مرتب ساعت نگامی .  
کردم تا اینکه ساعت نهم دهم شد ، لباس  
پوشیدم و بطرف مطب دکتر حرکت کردم .  
پیش خودم میگویم که چنان امروزهوسه  
بیش میباید . تصور میکردم که با نظرهروز  
ساعت یازدهدکتر معاینهات میکند . اتفاق  
انتظار شلوغ بود . گوشه‌های گرم گرم  
استام . تمام نگاهم بپیشی بود که دروز  
روی آن نشسته بودی . دلمیخواستیم معاینه  
که جای تو را صاحب کرده بود ، زودتر  
برود و من روی میل نشینم و برات حسا  
نگهدارم .

مطرب گشته بود که نوی آفاق انتظار  
جز من ، هیچکس نبود . دیگر مانده بودم  
نداشتم ، ناامید وحسنه بیرون آمدم . نوی  
خیابان مردم از سرماکز کرده بودند . کم  
میشود . جایی دانتام که بروم . نهایی  
داشت مرا میگفت . تصمیم گرفتم تا شب ،  
نوی خیابانها برسم بزم . هنوز از مطب  
دکتر دور نشده بودم . میدانم چنان بروی  
مرا و ادانت که برگردم ، یکبار دیگر هم  
بیش بزم را بنگرم . برای بارنوم دلم بر پیش  
پائین ، ترا دیدم ، ترا بازمی دیگر که در  
بازویت و اگر قهوه زودتو توانونیکه کردی چوای  
داخل راهروی مطب شایسته و ازین من  
بپایان . سرعت دودیم . پیش در آفاق انتظار  
هر دو تان ایستاده بودید . آن زندگانتو مع  
ظاهریت را مرتب میکرد . شال گردنت را  
از دور گردنت باز کرد ، بقیه پالتویت را  
خوابانده و آنچه هایش ، هوای شد و  
جوگندیمت را مرتب کرد . بدینست زربازویت  
برده بودی داخل شدید . همانجا منتظر  
ماندم . لنگه کشیدم که دیگر از دم ندهتم  
تا بدینصورت طول کشید که بیرون کشیدم  
هیچکدام ایلا توجه من نبودند . آن روز  
باز مثل یک بچه ، شال گردنت را مرتب  
کرد ، بقیه پالتویت را بالا کشید و سر

نوروزی ، آلهائی عجیب ، لیبیم میزد که  
باز حرف میزد . بانویی که تازه آمده  
بودی و نباید چند لحظه دیگر حرفی  
من هرگز حرفی بدیدنت نشنیدم . همانی -  
باست تو را از دست می دادم می خواست نام  
وجودم میخواست . خصیصت و وفاداری  
ازست دانه بودم . چشم از تو برداشتم  
و تو ایلا توجه نبودی ...  
زن و مرد ، از مطب خارج شدند و مرد  
من شیکه داخل شد .  
وقتی من ولو تنها ندیدم ، نیدادم  
چرا دلم گرفت . خواستم گریه کنم . اما  
حالات کشیدم . تو هم مرتب هوای بلندت  
را از صورت ، پشت گوش میریدی و باز  
می آتتا فکر میکردی .  
دیگر نتست خودم نبود . پیش خود  
گفتم امروز میخواد فوت . از جفا  
نشد شدم ، آرام روی لبه میلت نشتم و  
سرت را روی سینه گدازتم و هوایات را  
بوسیدم ؟

آنگاه به انگار ایلا مثل ایلا کشیدم  
چشم کاری بویستی که از من سرزدند .  
تکلی المعنی نشان ندادی . فقط آهی بلند  
کشیدی و چون ترا نوی سینهام رها کردی ،  
سوزم را که روی سرت گذاشتم ، صدای  
خسوسه سینهام را شنیدم . بخشش  
میکشیدی . دلم سوخت . خواستم گریه کنم ،  
ولی خلقی خودم را گرفتم . میخواستیم  
حسن کنی که عیب منم . هیچ چیز برایم  
مهم نبود ، بجز اینا ایلا انتظار آمده بودی و  
من همین راضی بودم . مهم این بود که  
برای روی سینهام من بماند . صورت من ،  
روی هوای تو .  
برمرد عیشی بیرون آمد ، و دکتر باز  
پائینی در مطب ایستاده گفت :  
- بر مایند .  
ایلا فکر خودم نمودم . زربازویت  
را اگر قبول میکردم کردم . سینهام هورس  
و حسن میکرد . دلم میخواست متواضعم ،  
سینهام را تو بدلم و سینهام مرض ترا برای  
خودم بردارم .  
دکتر ، خیلی با تو حرف زد ، حرفهایی  
که همدی دکترها بر پیش هاشان میگویند .  
نسوزانی که فقط گوش آدم میشود ولی  
خود آدم مانعشاش دل نمی بندد . وقتی  
معاینات نمایند ، دکتر از تو خواست که  
به آفاق انتظار برگردی و آنوقت با من صحبت  
کرد . بجزاره دکتر فکر میکرد من همرست  
هستم . او گفت :

- باید مواظب باشی . اگر میباید ،  
راشش کشند در بیمارستان بخواب . دروغ  
ایلهورت ترسمنزل از او منگ نبود .  
نامش خدا ...  
جایی ننگر ، خیابانهای ویران  
و برات انگش بدگر ایلا خدوم و عیالبری

عشور و پیش بود . بجزایر من  
عاشق دیگرم نوی آفاق انتظار مطب دیگر  
نشست و دلمی خواست که با من حرفی  
ببیز میگردد . تمام آفاق انتظار های دنیا  
با من صحبت نجیب دارنم . با من یک نسوع  
ترجمه ای توام با من از آن مثل ایله آدم  
خواستار حوشن را کوچک حس میکند .  
صحن ایله وارد شدم ، نگامی با تو ایلا ،  
حالی پیدا نکرد تا حوشن را از دیدست  
دیگر از منی نگه دارم .

## دهم بهمن ۱۳۴۵

هفت روز پیش بود . وقتی وارد شدم ،  
هر چه از تر ما ، نگاهان را از روی چشم  
و داخل نگاهان معنه . طرف تو گدازید .  
آنها را نیدادم . اما دل من ز رخ پائین  
مثل آن میباید گدازان انتظار را کشیده  
بودم . مثل آن بود که بعد از ایلا انتظار  
بمن گفتم دودن امروز منای و آمدنی ؟  
کوچکترین بویستی به هیچ کسی نگرفتی  
ناید دارنم دنیا . فقط بویستی که حساست  
نجیب آفاق انتظار ، برای بر این داشت .  
نگار من ، باک میل خالی بود که رویش  
نشستی و برای راستن را روی پای چپ  
قرار داتی و او ایلا به نفعای میخواستی .



## قصه‌ای از: پارسی‌وش کولی



سردی بخت برد ویرانه افزاید . ارکار ،  
من کشند ، بدون آنکه متوجهان شوند .  
از زن حبلی زیا بود . چشم های سبز و  
موهای طلایی داشت . صورت گرد و پیکه  
سخت آمیزش ، او را کودی بگلوش  
بنام میداد . رویانی سیاه رنگ بگلوش  
سه بود که درگوشه‌ای راستی ، پاشک  
فرم چرمی ، آرم را نهی می کرد . ساق  
خودمید شد نام میخواست او میسرود و  
من جایش را میگردم .

### سیزدهم بهمن ۲۰۴۰

دیشب ، سوش بود که بخانه ام آوردیم  
مثل کپورتی که درگوشه است ، نوی نسیم  
وارفته بودی . بخاری اتاقم را روشن کردم  
لباسهای زودت را بیرون آوردم ، درآغوش  
گرفتم و تو بی تکلف مطیع بوئی . چشمان  
سیرت ، حالت گریه داشت ، موهای طلایی  
رنگ بخی کرده بود . حس کردم سوز  
سایه‌ای که بدور گردنت سته شده ، ممکن  
است خفتان کند . خوشبختانه آبراهتم که از  
گوشه راست لوار یک قلب سرخ رنگ چرمی  
بین سستی من تو گوگیر کرد ، جای آن لوار  
سیاه و قلب چرمی ، روی گردنت بود . جای  
قلب را بوسدم .

### دوازدهم بهمن ۲۰۴۰

دیشب ، بمبادی است که امروز ترا خواهم  
دید ، راحت خوابیدم . صبح ، حس کردم  
میل دارم . گویا سرمای دروز ، کاردم  
راند و حسای مریض شده ام ، میبوسم .  
درواز ساتن نسیم برآرامه ام خارج شد .  
اول به مطب دکتر رفتم . نوی اتاق انتظار  
ازدی که تو آن زدن چشم سبز نبود .  
زردی ظاهر سحر کردم ، بازهم بدایت شد .  
سر کجی خلوتی که درانه‌ای آن خانه  
نمود . آمد . آنها سگ و مرد میسود .  
خامدند که ایگونه انتظارها چندکنند  
است . فکر هیچ چیز نبودم . گاهی توتوگ  
آنی را آرزو میداد و با کجکای سورا  
را راند می کرد . اهمیت نمیدادم . سر ما  
مغزناخودموشن ، اجاکرد بود . همچنان و  
ناله و بعد پاش و با میباید ، داشت از برای  
بدم میاورد . بی اختیار گریه ام گرفت . چند  
بار نسیم گرمی به درخانات سایه سوراغ  
را میگردم . نا توانستم . هوا تم کپورت  
میتد ، دیگر باهایی برای مقاومت نداشتند .  
تکه بپور آمد و بمبادی بلندگرم .  
چند دقیقه بعد ، صدای یایی روی بیخا  
نگوش شد . گریه ام را خنک کرد و بدون  
ایست رویی را به انهای کوچک کمانهای  
لوژان بود نگردام ، منتظر ماندم . نسیم  
راندن می کرد .

### چهاردهم بهمن ۲۰۴۰

از تریب تا بحال ، همسفر مثل  
دیوچیک بیم پیچیدم . نماندم چسرا  
رحایت نمیداهی ام چه خدا شویم . شدا  
نخوردیم . میترس از یای دانی . از سرگاه  
امروز ، گاهی سرفه‌های عجیب میکی  
آچنان که سینه ات پیاک تاک سرفه بصلو  
میرد که حس یکیم میخواد منجر شود ،  
بعد که نگاه نمب آمیزم را بصورت  
میورم ، باجنهای سز رنگ میخدی  
و بیشتر درآغوش فرو میروی .

امروز ظهر توانستم فقط چند لحظه  
نهایت نگارم و برایت کمی شراب باورم .  
خوب ، تلم میسوز ، تو خواهم از دست  
بدهتم ...

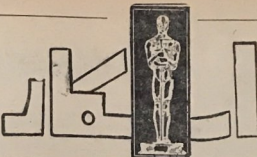
### پانزدهم بهمن ۲۰۴۰

امروز صبح ، ضعیف و درمانده . از  
خواب پریدم ، زیر لحاف مجاله شده بودی .  
لحاف را کنار زدم . موهای جوگنیم ،  
بمجان و گولهای چسبیده بود . وقتی سرت  
را روی بالش کشیدم و صورت را نگاه  
کردم نزدیک بود فریاد بکنم . رخت خواب  
و بند عریان هر دویمان غرق خون بود .  
خون روی سیاه رنگ و دله شده . وحشت  
کردم . صورت را بین نودست گرفتم و  
تکات دادم . چشمای بی فروغ را به آرامی  
باز کردی و پاش تکلیف نگام سوزی . دست  
پاچه شده پریدم . از تخت پاشی آمدم ،  
تپش پوشیدم ، دست و صورت خونیر را  
پاک کردی و آغوش یکسر دردم ندی . سورا  
از تخت پاشی آوردم . پیاک حوله‌ای خیس  
خوبیای عشا کشی بدی را زددم .  
از تو خواستم که هر طور شده ، روی باهات  
بپاشی . حس کردت دادم . حالت بیست  
شد ، صدای نسیم داشت بلند شد . ایست  
را رفت کردم . پاش بیفتاد را دور گردنت  
پیچیدم . پناهی پالتوی را بالا کشیدم و  
درحالی که نسیم کردی ، باهران  
مدعی ، ترا بسط کردم راندم ...

وقتی وارد اتاق انتظار کردیم ،  
پیشن جوان ، مثل اینکه مسخر تو نماند ،  
مثل اینکه سایه‌ها انتظار نوشته باند ،  
سرایه‌ها از جایش بلند شد ، آمد زیر پناهی  
را گرفت و ترا روی روی میل نماند . تو پناهی  
راست را روی یای چند قرار دانی و آن  
زن موفلائی ، در حالی که چشمای سز  
رنگش آمدنی گریست بود ، روی نسیم  
مثل نسیم و صورتش را روی موهای  
جوگنیم گذاشت . خونیر را در سینی  
آورهایدی و سینه‌ها به حس و عشق افتاد .

### شانزدهم بهمن ۲۰۴۰

امروز ، صبح زود از خواب بیدار  
شدم . نسیم گرمی که در خوابم را میبوسید  
و لیسیرتم . خون به همسجرات کرده بود .  
پیش خودم گفتم تا ظهر کارهای خانام را  
انجام میدهم و عصر میام سر آن گویای  
خطون که خانه تو در انهای است . آنگاه  
منتظر میمانم تا هوا تاریک شود و نواز  
امروز ، صبح زود از خواب بیدار  
شدم . نسیم گرمی که در خوابم را میبوسید  
و لیسیرتم . خون به همسجرات کرده بود .  
پیش خودم گفتم تا ظهر کارهای خانام را  
انجام میدهم و عصر میام سر آن گویای  
خطون که خانه تو در انهای است . آنگاه  
منتظر میمانم تا هوا تاریک شود و نواز



□ از همان اوایل سال ۶۴ دست - اندرکاران و بررسی کنندگان افکار و عقاید کتبخانو و نویسندگانی دوری آکادمی درباری انتصاب پیترو آگرس ما لیوند - چون پیشینی است که این جایزه بیکی ارتو بانوی زیبا و محبوب سینا و تاتر لعلق میگرد و برای نسیانی به این جایزه رفات بسیار زینت و حساسی بین «اودی هیورن» و «جولی آندروز» صورت خواهد گرفت. خالم هیورن در فیلم «بانوی زیبای من» نقش «الیزابتولین» را داشت سخنان لعلق که خالم آندروز در روی صحنه بازی کرد بود - و حا لری ایلی نخصن نغشش سرسنا «مری پایتیز» به رفات آندروز.



جولی آندروز برنده خوشحال در شب توجیه جوایز انکار

و در نامی نامزدهای انکار اصنام شد علاقمندان تعجب دیدند که نام «جولی» در لیست هست اما نام «اودی» حذف شد است - این حادثه باعث شد گفتاها پان متناوا بروز نماید و حتی آکادمی متهم به نطفه چسبی گردید در پان این هیاوو این احتمال وجود داشت که آکادمی در تصمیم خود تجدید نظر نماید و بانیکه نام اودی در لیست نیست او را در آری گیری هالی شرکت دهد - اما چنین نشد.

در شب پنجم آوریل سال ۱۹۶۵ - بیست و یک نفر نامزد و بانوی زیبای هالیوود و بیرونی معروف شده است و فیلیهای این دو ستاره مری پایتیز برای سیزدهمین بار «بانوی زیبای من» برای نوزدهمین بار انکار کاندید شدند و در واقع رفات ششمه این اودی فیلیتو تر میگرد.

اودی هیورن نیز برغم لعلق که به او خدمات - خود را از اروپا به امریکا می - رساند تا در امریکای انکار شرکت نماید و حضور او در این شهر ای متصدیان دورین تلویزیون فرست جوی فراهم میازد تا کنارههای دلخواهی از دوبانوی سینمای سینمای امریکا برای بسندگن تهیه کند. هنگام انعام جوایز هرگاه که فیلم مری پایتیز جایزه میگرد دورین «اودی هیورن» به رفات رساند اما نماند تا هیورن شکلی عمل او را ببیند و ویرگی زمانی نامتواری بانوی زیبای من سر شده شد تا انکار از بیرون با کنواری از «جولی آندروز» مواجه میبندد تا تاثر خاطر او رانفاد باشد.

\*\*\*  
مراسم اهدای جوایز انکار برای پنجمین سال پیاپی در سویت اودیووم ساناولیکا برگزار میبندد و «بانوی زیبای من» با خوشترکیهای خاص خود مردم روی صحنه است و ایسن جشن راهبایت میماند.  
شرکت جعی از ستارگان صاحب نام



رگس هارسون و اودی هیورن به اتفاق در بالای سن

و بزرگ سینما هیورن «مرل اویرون» «جون کرافورد» «اروز الیونرل» «فرز آرت» «جن کنی» «گری گروس» «مارتاری» «جیمی دورانه» «آن دونه» «دوراکار» گریگوری کاشو و دکتر کینلد تلویزیون (ریچارد چیرلین اود کن کیسی «وست تلوارند») که به «آمنه اند» - در این مراسم باش انکار درخشان و جالی خاصی میبند. جولی گارلد برای نسیون یک اوز است میگرد و پیترو جیومی رفند و خالیول

لوعی کنی جدید و سنگین را به همراه آورد و هنگامی سینمای او ساخته شد که فیلیهای بافرنگ کار این هیورن ساخت و بهترین کارش در این زمینه «داستان فیادلتیاه» بود. کوزک بتدیج خصوصیات و سیزدهای در سینما نشان میدهد و آثار بزرگی هیورن چراغ کاره بچند پروزه ستاره ای میگردانیدند. آواز بی زبان، «بیشل بورزیم را و جوسود می آورد - سر انجام هالیوود تصمیم می - گیرد برای ایمن فیلسار پیر کار و پولیز سیمی قابل شوهری ساختن بانو فیادلیتا من - به او یک انکار به رفات پاداش میبند - و گنتی است که در ساهای پیشین پیشیح بازگرد در فیلیهای او و تحت رهبرش به جای ماسکارا سینه بودند. جیمز استون در «داستان فیادلتیاه» ۱۹۴۰ - استرگ پیر گرس در چراغ کار ۱۹۴۷ - روالت کلین در فیلم «زندگی ضناغه» ۱۹۴۴ - جولی هالییون در فیلیجه پروزه ۱۹۵۰ - و رگس هارسون در فیلم بانوی زیبای من ۱۹۶۱.

رگس هارسون یکی دیگر از بازیگران انگلیسی است که در امریکا به جایزه انکار میبرد - بازیگری با ۳۵ ساله سابقه انکار در سینما و تاتر انگلستان و امریکا - او نخستین بار در سال ۱۹۱۶ با فیلم امریکالی «آنا و اناسام» به نامتاجیبان سینما معرفی شد و بهترین فعالیت خود را در این رشته مترکز ساخت و بزرگترین موفقیت او قتل در رفات جایزه انکار شرکت در فیلم کتویاترا به نقش لول برار بود.

رگس هارسون بهنگام در رفات جایزه اش همبازی فراموش شده خود اودی هیورن بود راه هم به بالای سن میزد و در حالیکه او را در کنار خود ندارد میگرد:

من به فکر می کنم این جایزه را باید تلف کنم - او نه از نرتیب ارزش کار هیورن و جهاد و در این موفقیت یاد آور میبندد و طعمی که به او ندهند بود، انشاد میگویند از هردو بانوی زیبا دلجوئی میماند و سخن صمیمانه خود را به آنها باز میگردانند - جولی آندروز را هم دلخور نگردانند. وقتی «لیا کدرو» برای بازی در فیلم زودری بولانی برنده جایزه بهترین بازیگر زن برای نقش دوم میبندد حضار گرمترین ابراز احساسات خود را برای او میبندد و این زن در اصل روسی است که از کودکی با خانواده اش به پاریس مهاجرت می کند - اودو رفاس یک آگرس بین النظمی است که در این صحنه «آگس سوره» پیش می افتد و جایزه انکار را از آن خود میبازد - پیروزی پیترو سینیف ای بازی در فیلم «تویکیای» دوبار دیگر امیدوار دیگر او را دلجو میگرد (استانی هالووی - استولند اوراین) و این دومین جایزه انکار است. پیترو سینیف چون در اروپا ست جایزه او را جاناتان و پیترو سینیف در مصروف میبازند. سر انجام پیروزی جولی آندروز انعام میبند.

# انتقاد و... گزارش فیلم

از: ایرج صابری

## رابط دوم

FRENCH CONNECTION PART 2

### ساخته‌ی: جان فرانکن هایمر

خوشنمی‌آید - چونکه نپوخذ متکی  
بناک غریبه باشد - استانی کاروا می-  
کند چند رمان آمیزست و حتی  
موازی نظیر آمیز هیبت

تصنی معارف دربار عالی‌روان  
صورت میگردد - در حالیکه کارآگاهان  
فراسوی شک ماهی‌های سینه‌دار رامینند  
و میگرد - چونبه آنها اطلاع داده شد  
که از این طریق فرار است مگر هورتن  
باندنرماسی واردنمود که معظوم میبود  
این خبر یک دروغ‌خصوص ماه‌آورین بوده  
است

کارآگاهان فراسوی با همان‌دست‌آورد  
به‌خودروانها و احداث ماهیا با «دوین»  
آشناشده‌بودند پسندیدند نیجه اینکه  
دست او را هم آلوده مبارزینان سوخا  
می‌آست که کارآگاه دوین آلوده ماجرای  
کتبی ندانست - و او بشوق فریمان  
فیلم - سهرمانی که فیلساز و ماناگرایان  
اورا تأیید نماید - استنادورد نظیر فرار  
میگردوحتی یک اقدام اشته آمیزین‌ت  
میثود تاآنکه از تعال پلیس ماریس کته  
نود، اوسیس گرفتار «شارلی» و هندستان  
میثود «شارلی» با تعقیب مرفی اورا

محاولا فیلهای دنباله‌رو نمیواند  
قیفا هما روحیت انگی خود را جدید  
نماید - ناید باین خاطر که سازندگان  
آهاستر خبردین‌دارند تا روشت را  
و بر اصل اراده نایب‌نویسه امضای  
و امضا میگرد اجزایان نپه کشته‌ان  
نود فیلساز رامینسازند و راهای گریز  
راهروی اومی‌نند

فیلم که درسال ۱۹۶۱ و فیماوردینک  
وامی کتاب رامین‌خور ساخت به چسان  
و طیفی است یافت که بیچوجه قابل  
بسیاری بود حتی بعنوان بهترین فیلم  
سال برگزیده شد و بجایز ماکار رسید  
ناچین موقعیتی این احتمال میرفت  
که بیست‌گانه درجده ادیام‌داران آن  
راند بخصوص اینکه فرار «آن‌شارلی»  
(و بانوری) رهبر نه‌کاران در پیسان  
و ماجرایان ماسی بود و می‌بینیم که پس  
از همان‌دست‌آوردی مبارزه «بایبویون»  
(جان‌کلیا) «شارلی» را به جان‌فرانکن  
هایمر فیلسازنوجوی آمریکا میبارند تا  
احضار او را فریدینک را اماندهد

فرانکن‌هایمر فیلساز نیویورکی راتا  
آنها که می‌شناسیم از تلویزیون به سینما  
آمده و در کارمدلی‌لوم کار کرده‌است  
فیلهای (زن - کاندیدی منجوری -  
خورج‌سازنده بزرگ - مرددوسر نوشت)  
که از او دیدهای بیشتر دارای ویژگیهای  
از نظر فرم و کار بانورین بوده‌اند  
فرانکن‌هایمر ناین‌فیلساز نمایان خود  
را به‌خوب‌گردن استناده خبری از امکانات  
مدرین نمانده‌اند

حال در بخش دوم رابط فرانسوی  
مربسیرک‌او خود را از ترکی از قیودنهای  
سینما «فریدینک» رهامیسازد و سعی می-  
کند تا کلیه مشکل سازد

در این فیلم کارآگاه دوین ناین‌بانه  
که «شارلی» را می‌شناسد روانه فرانسه -  
نمیرماریس - میثود تا پلیس فرانسه را برای  
مسگریدن این نه‌کار بین‌المللی یاری دهد  
چرخاکس با همان قدرت که بار اول  
رای اوکت جایزه اسکار به ارفغان آورد  
در این فیلم نیز ظاهر میثود  
پلیس فرانسه از این کارآگاه امریکائی

در حاشیه نقد فیلم ...

□ دکتر کاسپندی پیش‌نویسه  
تلویزیونی خود بود پت آرشو سینمایی  
را میباید که به هست سازمان تلویزیون  
ایران در طرف برائی است - خبر فرام  
جهت‌مترتبش است - قدر مسلم اینکه  
چنین گوش‌های برای افغانه و رشد فرهنگ  
سینمایی جامعه ما سازنده خواهد بود -  
می‌بینیم که بعضوس جوانان ما چه حد  
تنه و گنگاو سایل سینمای هستند -  
به گنگاو و فیلهای کلاسیک نایب

مکن بود - بلکه به سینمای باارزش روز  
نیز باید توجه داشت - اقبالی که جوانان  
و علاقتشان از هنگام سایش فیلم روز  
دادند - و دو چنین توجهی را که هنگام  
برای جشنواره جهانی فیلم تهران شامه  
بودید و گزارش‌اشترای این‌اشیا -  
سما نظر فیلم که مطور احسانی و از  
جها تکس و کار به سینما نگاه می‌کنند

آلوده و عیان به مواد مخدر میسازند بعد  
حد نبه جاش را تجویز میبندد  
او برای جان ازین مهلکه ورهانی  
از جهه اشتباه نایه آن حد روح میسند که  
نتر او از تارویه، دنگر فط کت و طغیسه  
تعلی نیست بلکه جنیبا شخصی پیدائی‌کند  
و دل با نشاناجولی میثود

ناتانگر هم کشته‌دهی‌جای او بود  
اعمال خستون آمیزش را تأیید میکند -  
طرفی هم میباید که او کتیب خود را به  
رحبلیس فرانسه نکشاند تا نظیرهای اندی  
کار اجران کرده‌اند و او طبق این‌جوانست  
پیش میروند ولیه جان‌جایا یک صحنه‌کاملا  
حسان‌دارش‌آن زدن حتی که او را آنجا  
رندای و عیان‌دهود

جان‌فرانکن‌هایمر خیلی خوب معین  
نمردن در این شهر مرامس استفاده می‌کند و آنها

میوانند جشنواره‌ای نیاز جامعه ما نبه  
سینمایی و امیل باشند در ایضات  
که ترم برائی کلوب و باشگاه‌های سینمایی  
پیش از پیش جشن میخورند و چنین ترمی  
را فقط میوانیم از سازمان‌های دولتی ترمی  
تلویزیون ملی ایران یا جشنواره جهانی فیلم  
تهران و یا مطور کتی از وزارت فرهنگ  
حضر داشته‌باشیم نایه نور از مقاصد تعاری  
توانند شکر برگه سایش فیلم را برای  
ما حل نماید

ماریا سیناچند فیلسوال فیلم‌برگر  
و معنی داشته و از این نظر شهرت جهانی  
داریم بازنماد ۱۵ روز جشنواره - سیناسی  
فیلم تهران در طول سال و یا برنامه‌های  
کانون سینمایان کم‌سود جهان سینتود سینگ  
باید برنامه‌های گفتری نبه حد تا در طی  
آن سینما در نامطوره سال برای علاقتان  
جهان داشته باشد

را در داخل ماجرای فیلم جای میبندد  
نگاه کتیب به صحنای مربوط به خصوص  
نمیرکتی که در آنجا نوبل و کارآگاه  
فراسوی (برنارویون) گرفتار سویی  
کانون سینمایان جدا از این موضوع فرانکن  
هایم‌درا این فیلهای عیان توجه دارد -  
بلکه آنها هم نگاه نامطوره دارد -  
خصوصی به فریمان فیلم - او بخش سینما  
و فریمان را فیلم را با بنیاد کارآگاه دوین  
و ترک آن اختصاص داده‌است و با حوصله  
بیودتی درجی او را تعقیب می‌نماید -  
بویچرتکه گاده‌این استوا پیش می‌آید که  
رتم و ضرب فیلم دچار سکون و نایبکه  
هدف فیلهایمان شد

اما کار فرانکن‌هایمر در این مورد  
نلفظ حالتی نبه واقعی ناماگر میبندد  
شارلی‌کند تا با کتیون‌تر بیشتر با نشانگر  
این فصل نتیند - و در همین بخش  
موقیت کارفریدینک تعقیب و گریزهای  
تولای تارک دیده شده است - که حتی  
نظم می‌آید تولای‌تر و برکت و فوس‌تر  
کارفریدینک است - اما چرا لخلیسی  
دقیق و مناس درجا میخورد فرار دارند - که

بیچوجه حملی‌نظری‌آید فرانکن‌هایمر  
بالتلی که به‌کار نویسنده دارد آرا بخوری  
هدایت می‌کند گریز شارلیو نویسنده کارآگاه  
دوین آن‌التهاب خاص فصل اختتامه چنین  
فیلمی را داراست

در پایان کار اگر چشمانه حسد  
قرار میگیرد و نظر می‌آید که دوین‌اورا  
رای‌در آورده‌است اما همچنان پایان فیلم  
دریده ایهام قرار دارد معلوم نیست که  
شارلی کته شد یا اینکه فقط ضروب‌شده  
و ایساولا نگاه به افغان کرده‌است چنین  
پایانی نامتواند برای تهیه‌کنندگان جهانی  
بانت نایب‌تارک قسمت سوم این ماجرا بنشیند  
اینه در صورتیکه این فیلم توانموقیت  
تجاری ضمانت آمیزی کسب کند



# پاسخگو

## آقای بیورک کماکار

معتبر، سرزین و پرزیندگان مجله از لغات شما شکر میکند. خوشحالیم از اینکه مطالب مجله را سبک و سگین کردید. عرض شود که بهر روز جان گنگاه برای یک مجله پیش می‌آید که برای ارائه مطالب بهتر و بیادماندگار دیگر یکی دو هفته کم و کسری های جزئی مانند باشد. می‌باید که صحبت‌ها جهان سینما، انشاد فیلم، تئاتر و... داریم. داستان هم که ملاحظه می‌کنید چاپ نمی‌شود. امیدواریم زامنی شده باشد. باره هم در باره مجله برایمان نامه بنویسید. کماکار باشی کماکار جان.

**کبد کاووس - آقایان رحیم محمد انبیا وعبدالله کی چشمه**  
 پیوسته چرا می‌نویسید که می‌توان کم شد ؟ دلجوهر گردید بهرحال، لازم بذکر است که مطالب خواندگان پس از بررسی چاپ می‌شود. پس فراموش نیستی مطلب کافورساده شد چاپ گردد. مطالب دوسمان را ناآشنائی که جانب باشد می‌چاپ می‌شود شد ؟

۱- از جنگی نام نیویورک ساخته پایتان که درآفرین ساخته - جری ندرتاری.  
 ۲- مساحه با نیویورک از در پوست مناسب چشم.  
 ۳- می‌باید که مسافه مسافت را دوباره بنویسد.

۴- فکر نمی‌کنیم بهرشاره های اخیر داستان زاید چاپ کرده‌ایم یا دورها که تمام شد و داستان تا شماره ۱۰۰ می‌رسد چاپ می‌شود.  
 خانگه‌ها نوشته‌اید.

**آقای یوسف همدانی**  
 تاریخچه آنچه که پرسیده‌اید باید برهمه که نظیر فیلمنگاری را برسانیم که محدود نوشته‌های بود. همه سگا را نادری بودند بود. کسی می‌تواند از دست مسافه فیلم کوب مطالب داشته باشند. بازم نتوانی هم مسافه خواهیم داشت. فریاد لطف و محبتان ناد باشد.

**ارک - آقای خالد تاجیک**  
 مهربان ! بارها نوشته‌ایم که بیادماندگاری ما هم فراموش نیستی که سینما را بافت حدود چهل سال دارد و در سال ۱۳۲۰ به سینما آمده است. آیا باره نویسی ؟ خودکارخان و زالی که

خسته شد تا را نهدماند ۱ در ضمن فریاد، ملک مطیعی و بیگ شبنم شد که فراموش کردید نامه است. در یک برنامه تلویزیونی شرکت کند البته سلام شازرا به همگی رسانده‌ام. شکر کرده و دوباره بنده پست می‌رسد. بوشا !

کتابها بحث شما کم نبود  
**انصاف - آقای منصور جاودانیان**  
 می‌گم که حالی شما چطور است ؟ خوش انسانه. با گر که می‌ماند انسان جورس ! حرف هوش جان کردی ما هم بخاطر بیاد که خیلی مسواک دارد ؟

اینها پنج :  
 ۱- بار دیگر فیلم بی‌سخت ساخته جوف لوری، درک بوکاره و جیفر فاکس بودند.  
 ۲- سانت بلوار، آذربایجان یعنی جا رانندگی نبوت دارند. آوانی، اسپرما خوشگه ساخته ویلی ویلبر می‌باشد.  
 ۳- کارگردان هنرمندی برای یک سگین وزن - رانقا سلون و بارگراش آنتونی کوئین و میکی رونی بودند.  
 ۴- نومی موانته - بارگرا سریسال نوما - فعالتهای تازی هم دارد. چنین کارش در فیلم حادته ساخته لاری پیرس بود.

۵- کارگردان هنرا و پکنسها هرگز ژول داس، بود. در هر دو فیلم برای مرکوری بازی مسعود.  
 ۶- خدایار و او را ن باشد. مری ا ۷- چهره‌س جسی گمش ؟

**آنانان - آقای موجهر برون**  
 اعمی جان - کتاب خوبی تا حالا علامه که نوی آن ه وای گرم فسدروای ۸- خلاصه چند فکر کردیم تا نوشته این لغت را پیدا کنیم. ساده‌ها و هر نداری که مطلب از فرغ سرماضیه ۱۰۰ هزارم فریادها سلام !

پس از این مقدمه جسی وجه می‌دانم مایوسی و بلاستیک می‌پردازم به کب زدن کی.  
 ۱- اولاً - خیلی ممنون که مطالب مجله را بررسی کرده‌ای. و اما از این گفتاری و جدول برای فیلم‌های مطلق برایمان مقدور نیست.  
 ۲- دوماً - خوشحالیم که مسلمان تاز را

پسندیداید. پیشنهاد شازرا با نویسنده مسئول این مجله در میان خواهیم گذاشت. سوما - پک قدم تا مرگه - فریاد همیشه بهر صورت برایمان جمله فیلم‌های نیست که بیادماندگاری چاپ می‌کند بازی کرده است.

چهارم - از میان فیلم‌های که نامبرده‌اید بیاد در زن و هروسنگاش و مامور ۱۱۴ بازی داشته است. در ضمن خانگه‌ها و یامید ندراد همین روزها به بحث همین جا «دیرینائی» که من مطرح می‌ماند ؟

**تهران - آقای محمد رضا نصیبی**  
 می‌توانم و بعد - فیلم بهر فرار آسانها فیلدراش به اتمام رسیده است. اخیراً فیلم آمریکا فیلدراش شده. در ضمن زمان فیلم از دوساعت تجاوز میکند. مگر این فیلم هم چاپ شده‌ایم عزیزان.

**تهران - آقای بهرام کتابانی**  
 مهربان - ما هم قبول داریم که بعضی از فیلم‌ها آورده نیست اما ابراهو قبول داشته باشید که فیلدراش معلم احراق بیست - بهر صورت امیدواریم که فیلدراش را رعایت نامانگاری مثل شما را نکند و فیلم‌های یادآور سازند. ابراهام نباید که از طریق مکانه یا پک کارگردان یا فیلدراش سینما روز فیلدراش را آموخت.

از لطافت می‌مانم.  
**فروغ - آقای ابراهیم محمدی**  
 عزیزجان، از آنکه نوشتیم آدرس منزل هریسگان را از اختیار شما نگذاریم می‌رویش. اما سلام شما را سه فروزان، ماه طری و سعد ران خواهیم رساند.

**تهسوار - آقای عزت‌الله فاطمی**  
 خیلی با صحنی و خوب خبیر نداری از مطلب را خوب کار می‌کرده‌ای. چنگیم دیگر خداوند عالم اگر ندوی را مدیون کرده‌ایم اندکی نسیک تمام فاطم زاهد بود که زیاد از مطلب بودن خود بخاطر نوشتن آن از هر چه نگذیریم علی‌السلام گفتن خوشتر است.

۱- معنی سخن عرض علی‌السلام سالانه سوره سوره سراج جوانها  
 ۲- از مادریان اسکورسین فیلا  
 فیلم «پانین شهر» و «آیس نیگر ایضا زندگی نمی‌کند» را در جشنواره تهران بنویسید.  
 ۳- معنی سخن فیلدراش هت فدائی چیست؟ است که مسافه فیلدراش از او در انکراهای عمومی نمایش داده شده‌اند.  
 ۴- شهید نالت در آن زمان پس می‌رسد.  
 ۵- در فریت «ابراهیم انجاسانه است»  
 ۶- جان وین یکبار بخاطر فیلم جوانرد چاپر ماسکار گرفته - پلادگار - کردانی هم کرده است. از جمله کاسپرین را که نمایش با عدم اشتغال روبرو شد. خدا نگهدار بنر می‌کند باره داد. پیگاری !

**آقای محمد باقر جالئی**  
 پس از عرض علی‌السلام و ابرار سرت از لطف بی اندازه تو خواننده خوب باید بگویم که سارو نویسی خودی نیست که بنویس در دوسه نظر خلاصه کرده. طور کلی می‌توان گفت که ساریو - شغله است بر اساس ساریو پک فیلدراش جزئیات کار خود را خواهد دانست. و اینکه مکان واقعه در کجاست - دوربین چه حرکتی دنبال‌گما گذاشت. دوربین چه حرکتی دارد - از چه لتری باید استفاده شود - هریسگان چه حرکتی خواهد داشت و ... برای نوشتن ساریو در هفته اول باید طرحی کلی داشت. بی اینکه چهار چوب داستان را مشخص کرده - و بعد آن طرح کلی را بصورت جزئی «پلان» پیاده کرد. حرکت دوربینها و گنارها را نیز نوشت هر فیلمنامه پلان‌ها را مشخص می‌کند. مجموع چند پلان بهم پیوسته - مسافه تمام دارد. مجموع چند مسافه که تلاوه دارند فیلدراش است و جمع این سگاشا است گفت می‌تواند با وجود این مورد که بر اساس آن می‌توان فیلم ساخت.

۱- اخیر سارو سینما - ساریو راه راه فیلم برمی‌گرداند.

## زیر سایه گذشته‌ها



هرضی صادق فیلم کوتاه هشتست میلیتری را نام زریسایه گذاشته‌اند که آن یادزد بقیه است کارگردانی کرده است. فیلم اکنون مراحل فرای طی می‌کند. بازیگران فیلم جدید هررضی صادق هشتاد و هفت و سی و دو ساله لیک زاده هستند. فیلمنامه آنرا نادرخی شاد به تهیه‌داشته‌اند. مورد آستانه و شکسی فیلم به ترتیب نادوالتن کرمی و وحید خانی بوده است.



در کلاس سینمایی جوانان بندرپهلوی، پروازدهی به نام بوف ۸ میلیمتری طرقت رنگی و مدت ۲۰ دقیقه ساخته است براین فیلم جوان معاصر را معرفی کرد که این امری اعتبار را تسک بوداندانست از برای پیدامیکند در صن پروازده غایب برآرگردانی بازیگری بی فیلم را نیز به عهده دارد و فریبون جرمنه آرا فیلمداری کرده است موفق آن نوشتار آرزو داریم .

۲ - هنرپیشگانی که آماده بردن سلیقه سایر اشخاص فیلم دارند . اینستکه کثیر آنها را در فیلم مشاهده میکنید .  
۳ - فیلم سحر و طلوع در زمان آبی به نامشیرین خواهد آمد .  
۴ - جادوگران باورشان باز

■ تهران : خانم شیرین افشاریان  
□ هنرمندان ، از اینکه شما هم دستار پروا قبول ، به تعجبند پروا پرس گوگوش خانم همیشه شما مضمومعنامم فرزانه ، که یکی از خوانندگان کهنه مرده گوگوش حسد کمال خوشحال خواهد شد تا بد مبارزات شوند چسبون رقیب من سخن برایشان پیدا شده است . «منهجه حسد آتشی یا میکشما» ( حواهای گوگوشانه خود را تصور کنید )

۱ - فیلم بازیکن که بروی برده آمد . سخن حاضر شما و میکرد دستار گوگوش آهویی از تمام فیلمهای او را در فرسی مناسب چاپ خواهیم نمود .

فرمان است . در ضمن با گوگوش و پروازده مسامحه خواهیم داشت .

۳ - به غیر در فیلم سوتدلان گوگوش بازی سازد . جای او «شهره آبدانلو» بازی میکند

۱ - سماکان دارد فیلمهای عجیبون پترو و طلوع راه سایش بگذرانند اما «بوف» و امیده از موقع نباشش گذشت است .

با صحبت از اینکه فروش کرم بگویی سلام ، آرزو میکنم که لطفاً آقایان شریش از غسل استیلا باشد «چقدر باادب هستیم»

■ **اصهان :** آقای غریبا توکل  
□ بازیکن رقیب . حسب سئوالهای تکراری است ۱ طیک میکوی و میرودارم با آنست از سئوالهای که تکراری نیست . خلاصه که ملائحه ایجاب را هم بر ما که از من مستتر هنرپیشگان را نتوانم . شما دچار کابوس منبوم و مرتب حیران میکنید که : مستتر از توکل . چه هر از توکل . ۲۰ هزار تومان . ۱ اگر همینطور بیش بردانچند صاحب کج بندرما باید در دارالاحیان ملاقات کنید !

۱ - فروش فیلمها : لیلی و محسوس . حدود یکمیلیون تومان . مرگ درباران ۸۵۰ هزار تومان - ایوب ، یکمیلیون و پند هزار تومان - تنگس ، یکمیلیون و پنجاه هزار تومان - چلچراغ ، ۹۵۰ هزار تومان - بی نام ، ۶۵۰ هزار تومان . ماضی فیلمها را هم مرتب فروشان را چه در فیلمهای فیلسازان و چه در این صناعات خوانند .

۲ - از فیلمهای برقرار آسانها - اعتقاد ، پشت و خنجر - کونه جنوب عسک و مطالب خواهیم داشت .

۳ - مستترها : فریب ، ۱۹۰ تا ۱۵۰ هزار تومان - بیک ، ۱۲۰ هزار تومان - ابرج قادری ، ۶۰ هزار تومان - سوزن ، ۶۰ هزار تومان - آرام ، ۳۳ هزار تومان - مرجان ، ۴۰ هزار تومان - معبدان ، ۶۰ هزار تومان - فخرالدین ، ۵۰ هزار تومان و ناصر ملک مطیعی ، ۱۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان .

۴ - از نظر من و حال فریب برترنگر از قادری است « اینهم از جمله سئوالهای کامیوتری بود » امیدوارم و اتمام سئوالهای جامعتری طرح کنی که برای دیگر خوانندگان هم جالب باشد .

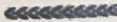
از گرامی ایشهان غافل باش که اصحاب نامبر ایشان بگذردند است! التواج

■ **تهران :** آقای نصر الدین قریشی  
□ از اینکه یکی از طرفداران پروا قرص مصله هستید ، اصحاب به نماندگی از طرف مدبر ، سردبیر و شورای بنسندگان تشکر میکنم . این از مرس نامه ۱ و اما سراسیمه میدود طرف سئوالها و میباشم که :

۱ - تخیر نعمت حقیقی فیلس بنام مرده که از کوه پائین می آید با شرکت پرواز و توفی و معیار دار نمیبارد .  
۲ - از فیلم گریز از گشتتخری نامرد .  
۳ - امکان دارد بین توفی پتروها از دیگر هنرمندان سینما هم بدون به مسامحه بکنند .

۴ - از آنجا که پرواز و سعیدراد اغلب گرفتار بازی در فیلم هستند اینستکه کنش مشترک از هر دوی آنها به آسانی مقدور نیست . اما سعی خواهیم کرد که مشترک آرزودانته باشیم . با حق .

# شمانوشته اید



## چند نکته درباره بیک ایمانوردی

نام اصلی : غلامرضا - بیک ایمانوردی  
اولین فیلم : فریاد سینه  
مولد : ۱۳۱۵ - اردبیل  
قد و وزن : یاشتر و هفتاد و پنج سانتیمتر -  
عالمیتهای سینمایی : معاون بازیگر ، کارگردان ، تهیه کننده .  
فیلمهای کارگردانی کرده : زیر رنگ - سرد غولها .  
تدوین باری برای هر فیلم : ۱۲۰ هزار تومان  
فیلم مشترک : صدای الکتریکی ( محصول مشترک ۱۹۷۰ ایران و ایتالیا )  
صاحب استودیو : آر. پی. فیلی  
تهیه و تنظیم : علی اصغر رحمان « تهران »  
فیلم : ۱۰۳



## شورانگیز طباطبائی و فیلمهایش

- ۱ - پاکت ورقامه
- ۲ - کبوتر
- ۳ - پاشنه طلا
- ۴ - افسانه نوکرتم
- ۵ - رقیب
- ۶ - آقا رضای گل
- ۷ - این دست کچه
- ۸ - زنگوی کوجولو
- ۹ - باهم ولن تنها
- ۱۰ - مرشد
- ۱۱ - کاشترن خوشگه
- ۱۲ - نادانهای زندگی ما
- ۱۳ - تنگس
- ۱۴ - فریاد فلسفه
- ۱۵ - چشمان سبز
- ۱۶ - نان و نمک
- ۱۷ - تمسب
- ۱۸ - پاپا گلیم بعلت
- ۱۹ - خشم و خون
- ۲۰ - عذاب
- ۲۱ - اگر بدیلاج

فرستاده - تهران عبداللهم



## فیلمهای سعیدراد

- ۱ - فاطمین صحرا
  - ۲ - عدا حافظ رقیب
  - ۳ - کافر
  - ۴ - الکلی
  - ۵ - مردی درخشان
  - ۶ - منزل
  - ۷ - مالومه
  - ۸ - صبح روز چهارم
  - ۹ - خیز آفتاب
  - ۱۰ - ساق کزده
  - ۱۱ - تنگا
  - ۱۲ - مرشد
  - ۱۳ - هدف
  - ۱۴ - مسلح
  - ۱۵ - شرف
  - ۱۶ - کبوتر
  - ۱۷ - آب
  - ۱۸ - کبوتر
  - ۱۹ - خورشید در خواب
  - ۲۰ - دیو آقایی بانصیبت
  - ۲۱ - جدال
  - ۲۲ - قاسمک
  - ۲۳ - هزار بار مرید
  - ۲۴ - مباحث ایران
  - ۲۵ - هرمان
  - ۲۶ - سفیر
  - ۲۷ - خشم و خون
  - ۲۸ - این آقایان بازیگر
- تأهرد - حسن کافرینک

# هدیه هنرمندان

یکدستگاه تلویزیون نفیس هدیه  
ژیل اشاهانی



□ ژیل اشاهانی ستاره سکنی و تازه  
سینمای ایران که در حال حاضر فیلمبردار  
آوردی ایران سینماهاست و بسیاری در  
فیلمهای نابینا و رفیق راویس به نام  
رسانه‌های مختلف دستگاه تلویزیون نفیس  
عنوان هدیه به خوانندگان مجله سارینما  
کامو میبندد.

## کوپن هدیه ژیل اشاهانی

نام \_\_\_\_\_ نام خانوادگی \_\_\_\_\_  
 شغل \_\_\_\_\_ ساکن \_\_\_\_\_  
 آدرس \_\_\_\_\_

## برنده هدیه وفا

از میان کوبن های رسیده برای  
دریافت هدیه وفا ، آقای یزین تقیسی  
ساکن تهران سخیان گیشاخیان سیزدهم  
پلاک ۱۸ طبقه سوم بویان برنده انتخاب  
گردیدند. هدیه این خواننده عزیز در دفتر  
مجله موجود است. میبایست برای دریافت  
آن ناما تماس بگیرند.



### متولدین فروردین ماه

کمی شور و ویردبار باشید ، تعلق  
آبی آرزوهایتان ، هیچوجه مقهور نیست.  
و از نیه دوم هفته ، بتدریج وضع تغییر  
پیدا خواهد کرد و شما را ملاطفت نیزی که  
حتی اطرافیان شما بوجودتان دارند ، وضع  
روحي بهتری خواهد یافت .

### متولدین مهر ماه

گوته گیری نکنید و هر طور هست  
به کار و فعالیت بپردازید ، بسیاری باعث  
بیماری شخص میشود . اگر با آرامش و  
طم و ترتیب کار کنید ، موفقیتان حتم  
خواهد بود زندگی مشتاقان حالم و بر ما  
خواهد بود .

### متولدین اردیبهشت ماه

آفتاب مسئولیت قبول کنید که از  
اسام آن برآید . با آدمهای مشکبانه  
برخورد میکنید که از در معافیت باشا  
یا طرقتان برمیآید .

### متولدین آبان ماه

روزهای مناسب در پیش است برای  
انجام کوشش بیشتر و دست یافتن به آنچه  
رسیدن به آن برایتان بعید نظر میرسد .  
لایم است که املاقی خود را اندکی تعدیل  
کنید و خود را در خوش خلقی سراسر باشید .

### متولدین خرداد ماه

اگر افکارتان کاملا متحرک نشاند  
بیتراست بیشتر به خود مسلط شوید . به  
اندای فنی خود کوشش فرا کنید ، زیرا راه  
صحیح را شما نشان میدهد . با اطرافیان  
بیشتر معاشرت کنید .

### متولدین آذر ماه

اگر ازدواج کرده‌اید حسا باشد  
رفاقت گذرانان توأم با سیاست باشد تا از  
روز هر املاقی و محیط خانواده حتم  
گیری بماند آید . درآمد شما خوب است  
ولی عیب کار اینست که خرجتان بیشتر  
از دخلتان است .

### متولدین تیر ماه

حی کنید در کار و برنامه ها وحشی  
طرز فکر خود را ترک کنید پیشنهاد  
های تازه ای شما میشود . در فاصله ماهینه  
و ششبه مراف رفاقت و سردار خود و  
ارتباطاتی که دایرگن دارید باشد .

### متولدین دی ماه

برای شخص مورد علاقه خود هدیه  
جالبی بخرید تا به عشق شما اطمینان پیدا  
کند . اعتماد نفس داشته باشید تا راهی  
برای مسائل خود را بجای مانسی پیدا کنید  
در خانواده تغییر یابید میباید .

### متولدین مرداد ماه

عشق دچار احتراق شده و به جدایی  
میانمیشند ، برای اینکه چنین وضعی پیش  
نیاید به آنها توصیه میشود هنگام مصیبت  
خود را کنترل کرده و عکس العملی از  
خود نشان ندهند .

### متولدین بهمن ماه

تلخ رنگ کار زیاد راضی و خشنود  
خواهید بود زیرا دیگران برایتان ارزش  
قابل هستند . با متولدین فروردین و آذرماه  
روابط دوستانه ای خواهید داشت در این  
هفته خبر خوشی بشما میدهد که ممکن  
است منتقیا به حرف شما مربوط باشد .  
در نتیجه خوشحال و امیدوار خواهید شد .

### عشقمین خهر بور ماه

در چند روز آینده ، خیلی به نایب  
کارها اطمینان و اعتماد نداشته باشید .  
زیرا امکان دارد که به سبب داوری های  
ناحور ، نیروی شما بیفروند هدر برود .  
از بعد از چهارشنبه ، در زمینه کار یا خانه  
خود تصمیمات تازه و جسدی بگیرید .

### متولدین اسفند ماه

خوش خلقی و جذابیت باعث میشود  
که محبوب خاص و تمام باشید . با اعضای  
جانی طرح دوستی میریزید ، عدای از  
محررها به پشت نگاه عاشق میشوند . بیشتر  
های نقلی موجب خوشحالی شما را فراهم  
میسازند .

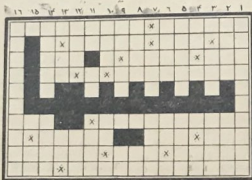


# مسابقه فیلم شناسی



تهیه و تنظیم از: غلام آتش دامن

## جدول شماره (۳)



□ در سالها دو صحنه از دو فیلم مختلف را می بینید که در زمان سابق از فیلمهای موفق بودم. جهت شرکت در این مسابقه کلمه نام هر دو فیلم با دایره نام کارگردان هر کدام بطور جداگانه است. جوابهای صحیح خود را با شماره ۲ داخل تمبر پست شده به آدرس مسابقات ارسال دارید و بجز قرعه برنده شوید.

### مسابقه کلمات درهم

## دریای کم آب وین!

□ در اینجا در دریای کم آب شده و نه اینکه در وین دریای تنگ شکل وجود دارد، بلکه باین پیش کردن و پدید آمدن کلمات بالا نام یکی از هنرمندان موفق سینما را دست خواهد آورد. که در پیش از ۵۰ فیلمهایش نقش نموده چنانچه بفرجه یازدهم این آکسور گردیده جوانهای درست خود را جهت مسابقات ارسال دارند.

### شهر - شب

□ باین عنوان بالا حتما خاطره و نام فیلمی بدین اسم در ذهن شما رسیده می گردد اما این چنین نیست و این کلمات هنرمندان سینما را دست خواهد آورد. که در پیش از ۵۰ فیلمهایش نقش نموده چنانچه بفرجه یازدهم این آکسور گردیده جوانهای درست خود را جهت مسابقات ارسال دارند.

□ جوابهای خود را همراه دو تمبر پست داخل تمبر شده به آدرس مسابقات ارسال داشته و در حوالی که برای شما در نظر گرفته شده استفاده نمایید.

رقص ۴ - فیلمی که باعث عشق و ازدواج ابرح مافیور و آفرین گردید - عنوان فیلمی با شرکت مایکل کین تحت نظر لوئیس گیلبرت ۲ - از خوانندگان ایرانی - فامیل ستاره فیلم گل آفتابگردان ۴ - فامیل آکسور فیلم اذغافه وارد میشود - رنگ سرشکته ۵ - فامیل ستاره فیلمی که زمانی با کدی سروری داشت - اولی فیلمی با شرکت راج کاپورو نومی حسن خلق (دو کله) ۶ - دانشمندان - رطوبت ۷ - نام کوچک آکسور فیلم من هلم - چاقوی آبیخانه ۸ - قطار سریع السرف ... فیلمی بود از سینمای غرب - فیلمی با شرکت سعید راد ۹ - رها - سینمای ایران - گوهر دیوارشن ۱۰ - نام کوچک شاره هریسنه سیس - کجول ۱۱ - همه را شامل میشود - نام کوچک آکسور فیلم آواتی برمالید - شماره ۱۲ فامیل ستاره فیلم شکوه غلغرا - نام کوچک جیبران دانش سینما و بازیگر فیلم ماری ۱۳ - فامیل آکسور سریال حایمان - تصدیق فرنگی ۱۴ - فیلمی از سینمای هند سا شرکت راداماتوجا - از موهجات ۱۵ - بازیگر هونگو ۱۶ - فیلمی با شرکت کدیس رگی، ارست وریگان تحت نظر لوئیس گیلبرت

۱ - ساخته ای از فرانسس فورس - کوبولا سازنده فیلم بندر خوانده - کارگردان فرانسوی فیلم زنی مثل من و یکی از چند همسر بریزنبارنو ۲ - بارده - فرمان هوایما - فیلمی با شرکت و کارگردانی جاپون ۳ - نام کوچک آکسور فیلمهای ریچارد شیردل و روزروس در کلام - فیلمی بود از سینمای ایران - ساحل ... نیست فیلمی بود با شرکت فرزان ۴ - آکسور موفق فیلمهای افعی و فار سوانالی ۵ - ۶ - ۷ - آکسور جوان سرخال توپزویی و کادی جوان که از شبکه تلویزیون ملی بخش گردید - نام کوچک هریسنه فیلم بیابانم برقصیم ۸ - پوست کنده آن فیلمی بود با شرکت سیلا - نام کوچک همراستار ماکس طبعی - از خوانندگان آماطور ۹ - فیلمی از ساخته ای ناصر تلوایی - فامیل بازیگر فیلم فاندک - نام کوچک ستاره فیلم سوودو گسودورا ۱۰ - ستاره فیلم ۱۱ - بازیگر - بازیگر

### افقی:

### عمودی:

۱ - ستاره فیلم خاطر در بیستون لال و العاش و برندی جایزه بهترین هریسنه زن ممتاز بازی در فیلم بوی های جنس

این حوک را از عارف خواهید :  
کشتی را برای مویخته بادر لاجانین برد وید - همه را در ساتی جمع کرد افلو کشتی شروع به صحبت کرد اما چون چند لغهای نگفته بود که پاک تتر از وسط پاش شد و فریاد زد :  
- آلی ناید این محرقات را گوش ده! دیگر کافی است ...  
کشتی برگشت و آهسته از مایر نمایان برسد :  
- تکلف چیست! اسخرابی را ختم کن!  
مادر با غوغایری جواب داد :  
- حرفان را ادامه بدهد - دیگر تکرار نخواهد شد - این مرد هر هفت سال دانه لطف باک لخته سر غفل می آید



و اینکه یک حوک از بوری مانی :  
مردان با یک معروف در حسن حمله مساجد مانی که به نامک صورت گرفته بود با یک رنگار مسلح شدت شروع شده بود. وقتی هلمبر که هرگز حتی است سگتر خود را اجتناب کرد و گفت :  
- از طرف من نامه ای سه عنوان فرانسوز به این متصون نویسد : عزیز من! با خیریت و تا آخرین لحظات عمرم فقط به یاد تو بوم. و بعد رو نوشت این نامه را برای لاکسین، میریل، بریزن و هیلن ترنر شد.



عکاس مخصوص ستاره سینما  
تلفن: ۸۴۳۳۴۰

### رویای یک مسلول (بقیه)

رخسارای خون آلود ناصر معلول انجانید  
خسته و کوفته خواب رقم ....

### هشتم بهمن ۳۰۳۰

هر روز، در صبح سر از جا نمیخاستم،  
همه را در التهاب بودم. اول رقم اتاق  
انقراض مطب دکتر. نه و نه از آن مو  
طافی. از برای هیچکدام نبود. ماهه  
بانه را از انعام، از آدم سرگواچی حلوانی  
که خانه تو انتهای آست. بر ملا میبیند.  
رفت آمد زیاد بود. جنسی میباید، جنسی  
بالکتابی از انبوه میرفتند. آنجهای  
عجیب و غریب بودند. چنین بار آنند جوان  
چشم زخم را دیدم که باخته از خانم خجسته  
مینه و دودن نوان بخانه ریخته است. گاهی  
از نور همای شیون زری گشوی سیرید.  
چندبار میخوانم در کف شراب آناهلی که  
وارد میشدند. مهم بخانه ات میبویم ترا  
بانیسم اما ترسدم مادام بنیامند من غریبه  
هستم و بیرونم کند.

ندیدم چه وقت بود که دکتر باخته  
بسرکت آمد و چند لحظه ای بد، منسکر و  
بارخاست و تنها خایان را از ترک کرد.  
بعذر از فکر دگر بود که منهای شیون درها  
نشدند. یک زن بود که بر لب میخیزم -  
کنید. من خیلی خوشحال بودم. بیگل  
خودم فکر میکردم، زنی که جیب میسکند،  
شمان زن جوان سر چشم است که ترا از  
من جدا کرد. خوشحال بودم که توداری  
کنکلی میزنی و او جیب میزند.

طرزهای صبر بود که یک مانش سفید  
رنگ، جنوی کوچکی خلوت، نوزف کرد.  
چند آدم سفید پوش، با یک برانکار باخته  
چندتا نبودند. جلدنطفه پیشتر خلوت  
کنکند که در صفهای سفید پوش یک نفر را  
روی برانکار خوانده بودند و با عصبه  
برفی مانیس می آمدند. چند زن من،  
بشال آن مردان سفیدپوش میبویند.

نیون میگردند. بوهای خوشتراند یکدیگرند.  
و نام پاک مرد را مرتب تکرار میگردند.  
زن سر چشم، موزیش را در نهانپشت  
پوشانده بود و مثل اینکه دارد میخندد،  
بندش میبازند. وقتی مرهای سینیوزیس  
مخوشاند برانکار را داخل مانش نگذارند  
بوهای خوشگی نورا از گونای ملطعی  
که روی تنگش بودند، دیدم، چندلغز  
خون بوهای باهم چسبیده بود. آنسها  
ریلی خنده داشتند. در بغ مانش میبید  
خون را بستند و با سرعت از درپوش دور  
شدند.  
الآن چند ساعت میبویند که باه آدمها  
نات بر هفایب نجیب سینه اشرا میخوانند  
ممنوع کرد. چند لغزه خون دانه شده  
روی نالتم بچشم میخورند ....

### زندگی شروک (بقیه)

مرتی زحرف بود و برای راجر مورسجت  
کردند بسیار باک ۱۹۸۱ بسیار متکلم بود  
با این حال آن گونه که میگوید، ظاهر  
نشد در نقش شروک هنر، پلیسی کسه  
خواره به ماجراهایی علاقمند بود، بسیار  
دلپذیر و لذتبخش بود:

شروک هنر برای من در فاشلانورتر  
از کاراکهای مدن فرار دارد و نظم  
مثالی ندارد آنهاست برادرین حال کسه  
حسویان مشت آنها را در دست از تماشای  
جداست. شروک به بازیگر فرصت میدهد.  
که خود بازیگر است و این اگر بسیاری  
خوانندگان کتابهای اوایت جن نایند،  
لااقل برای بازیگرانی که میخواهند در نقش  
لواظر شوند، باعث تازات است.  
بازیگران دیگر فیلم شروک هنر به  
نیورک میروند. اینها هستند جان هیوسن  
نارلون رامبلینگ، جنکی کوگان، جوزفی  
مور. بازیگر مکن ای وینگت سانسگ  
جان هیوسن کارگردان مشهور  
آمریکائی که گد و گینگر فیلمهای خوش  
و دیگران نیز ظاهر میشوند، در این فیلم  
نقش موزیارتی را اجرا میکند، جنسی که  
میگوید باسنورد زدن بهانهای جوانی نیورک  
و عصب آوردن در گرین نهمه طایندیا،  
برهان حکومت کرد. جان هیوسن می-  
گوید:

"وقتی در یک فیلم فقط بازیگر  
هستم، میگویم نظاری دانته باشم که از  
بازیگر ام در مقام کارگردان انتظار دارم  
همی خودشان موقع قطع صوفت شش  
رسمی کارگردان هستم و از او پیروی  
میکند به علاوه که نقش را در این فیلم خیلی  
نودندارم.  
نارلون رامبلینگ در این فیلم به نقش  
ایزادتر مشغول شروک هنر ظاهر می-  
شود. در زندگی شروک، ماجراهایی جنی  
فروانی وجود داشته است ولی هیچکدام  
بناشده اینه تاثیر گذار نوده اند در حقیقت  
دروانی که شروک بازیگر داشته، با شخص  
عقلی منازت بود. آن آریه بی به نام  
اسکت دارد که نقش آن را در جوزفی مور  
پسر راجر مور اجرا میکند و در واقع  
اسکت به کلبه اصلی نقشه موزیارتی برای

سیرید به بانک جهانی نیل میبویند  
وی اسکت را میباید و از او به عنوان  
یک حرفه استفاده میکند.  
بازیگر مکنای به نقش واسون،  
گیگیا باک به نقش مریبانک جهانی در  
نیورک و جنکی کوگان به نقش مالک بانک  
خانه اجاره ای ظاهر میشوند. ناگون خودم  
نقش فیلم براسا ماجراهای مینج شروک  
هنر ساخته شده است.  
اما ظاهر شروک هنر به نیورک  
میروند، مناوات در آنجا است. این نلوات  
آنچنان است که شاید دنیا بوهای فروانی  
میاید.

### سعید دبیوری (بقیه)

— سرعهای که در اختیار بنی گذاشتم  
در مباحثهای صدای او بود همی کارخوانندگی  
و آشکارسازی نظر من اگر روی حساب پارنی  
باری و سالی اراین فیلی باشد نمیخواند  
خوش را نشاندهد ... خواننده در درجه  
اول باید احساس ترانسپاریش را درگتنس  
پول نظر بداند همی کد آرا به پسرین  
نوعی اجرا کند.  
ما را این من هیچگونه فید و سنی دارم  
که کارهای انصاری بوده و با یک خواننده  
بخصوص کارگرم ولو همسر باشد!  
سعید دبیوری افزود:  
— بنی خواننده است که صدای مانیس  
و دل نشین دارد و می تواند بگویند که خواننده  
ماندی همیشه مطرح و مورد اقبال مردم  
باشد

او در بار موع ترانسپاریش امروز گفت.  
"وضع هر تراتر انسانی را بر مبنای  
یک مرحله پیر انسانی بر میورد. بعضیها تکسر  
میکند با کارگردان گفتات ململمند پسر-  
ها میانی نمی توانستند خوشا زدن را مطرح کرد  
بنا کاران را بالا ببرند حال آنکه با یک  
طرح کارگردان می تواند مانیس ترین گفتات، کار  
خود را ارائه کند و بویق و مانیس میباید.

### اسکار (بقیه)

— بهترین آکتریس سال جوئی آندور  
رای داد فیلم مری پاپیتر  
جوئی آندور پس از دریافت جایزه  
میگوید:  
— من میدانم که کشا در ایالتی ها  
در میماند نظاری شهر ندارد - اما این  
واقعاً خنده آور است، بهر حال بسیار سیگرم  
بخطای آنکه من ثابت کردید که به این مسکت  
خوش آمدم ...

جوئی آندور یک بازیگر انگلیسی است  
با سی سال سن که کار خود را در تئاتر ایالت  
انگستان شروع کرد و سپس به امریکا آمد  
درخشش او در پیسهای باوروی زیانی من  
و "بوی فرنده" توجه هالیوود را جلب  
میکند و با فیلم مری پاپیتر به سنا می آید و با  
اولین فیلم خود به جایزه اسکار بهترین  
بازیگر سال میبویند. او در جوزفی مور  
انتخاب خود را است به او و آندران تیوان  
میهد. بطوریکه خواهیم دید او پس از این

موفقت در فیلمهای بزرگی همیوسن  
آمریکائی شد امیل، «هالی موسیسی»  
(اشکها و لبخندها) - هالی وود و لیزدیا  
شرکت می نمایند.  
شیرودی آندور در واقع دومین موفقت  
بزرگ سینمای انگستان در این شخصیت  
میتابد. دو بازیگر انگلیسی بهترین ستارگان  
سال ساخته میشوند و بار دیگر این سنا  
موفقت چشمگیری باست می آورد و با هوی  
در پایان شب به توشی میگوید:  
— بازیگران حالا میخوانند به عنوان  
استراحت در حالیکه چند نفر دست میبندند  
از جنوی سفارت انگلستان رژه بروند  
در خانه اندام ناخوش جان بوی ریانی  
من بارونت A جایزه اسکار فرمانت یک  
شاخه میشوند و از فیلم مری پاپیتر که فقط  
بچ جایزه گرفته پیش میاید.

### ۱۹۶۵

- بهترین فیلمساز: هالیویدیان من (رابر)
- بهترین آکتریس: کاترینا کاسولای رکن هاریسون (باتوی زیانی من)
- بهترین آکتریس سال: جوئی آندور (مری پاپیتر)
- بهترین بازیگر مرد: ریانی کس نوم؛ پیتر روسیسیف
- بهترین بازیگر بصری: نش نوم؛ لیلادرووا (زورینا یوانی)
- بهترین کارگردان سال: جورج کوکر (باتوی زیانی من)

### \* یک کتاب پر ماجرا دیگر از محمد قهرانی منتشر گردید...

### ضربه های خطرناک



محمد قهرانی مبارزات قهرمانان کاراته  
و جودو را این در غالب داستانهای هیج و  
تسکیر تحت عنوان «ضربه های خطرناک»  
در دو جلد چاپ و منتشر کرده است.  
داستان ضربهای خطرناک چهارمین  
کتاب محمد قهرانی است. قبلاً اثر کلبه ایهای  
«درگ»، «مرگ در میدان و خاطرات اسک  
فستور» و منتشر شده است.

# پیشواز

دومین فیلم «حسین تهامی» که بعد از فیلم غلام زنگی تهیه نموده است



■ حسین تهامی فرمان سابق تیم ملی کشتی کشور که از سال گذشته بسا به فیلم نام رنگی رسماً بتکار تهیه فیلم روی آورد اینک فیلم دیگری را آماده نمایش نموده موسوم به پیشواز که در آن هنریشکای چون همین ملید ، ژنی ، غولش لیلی ، خیرام ، گرانی ، فرید ، جسی شیرازی ، سلجقه نصیری ، لیدا ، یوسف طویل پور ، بهروز بهرامی ، عاشاق - آه کمانی و علی آزاد و همچنین چهره جدید پوروز ریاحی شرکت دارند . این فیلم که امروز بخش آن به نمایش در سینماهای چهارم است قدرالله بزرگی کارگردانی روح پوربرون فیلمبرداری کرده است و رسته فیلمهای آماده نمایش ایرانی است که دربار آینده به روی اکران خواهد آمد .

تهامی با نمایش پیشواز تهیه فیلم تازه از فیلم «پیشواز» چاپ سلامت دیگری را آغاز میسازد و در اینجا صحنه ای

حس تهامی کادرمیانگات جهانی کشتی برنولیدو برای کشور اختیار آفریدویارها چه در مسابقات جهانی ویا آسیایی ویا داخلی روی سکوی فرمانی ایستاده است هوارها

# جلال موسوی

هنر پیشه‌ای که کار سینما را باخاطر علاقه‌اش ادامه میدهد ...



موسوی با تانق ژیلان شاهانی و طوفان‌پناه در صحنه‌ای از فیلم رفقت

فیلمها را رسماً سفالی ساخته است گردیده موسوی بخاطر تپ و کسارتش اکترا ایباگر نقشهای متنوع و خشن در فیلمهای ایرانی میسوزد این بر خلاف کاراکتر حقیقی اوست زیرا که در میان دوستان به آدمی خوش نیت و قابل احترام بازنه گردیده است .

موسوی در فیلم رفقت که هواگون آماده نمایش است و بزودی بروی اکران خواهد آمد با هنریشکای مثل همین ملید شها زهرایی ، سوچهره والیزاده ، ژیلان شاهانی ، طوفان پناه و میری همایون است و که تاکنون در فیلمهای ایرانی بهمه دستند این فیلم ارائه داده است . وی هم‌اکنون سخت سرگرم کارهایش یعنی ایجاد آپارتمان و ساختمانهای متعدد است ولی با دست آوردن فرصت ، کار بازی در فیلم تازه‌ای را که هم‌اکنون در دستیار شده آغاز میسازد . در تصویرسازی در تانق ژیلان شاهانی و طوفان‌پناه در صحنه‌ای از فیلم اخیرش رفقت میر-



□ جلال موسوی از جمله هنریشکای فیلمهای ایرانی است که در سابق بخاطر علاقه‌ای که بتکار بازیگری داشته گه‌گه‌گاه در فیلمهای ایرانی شرکت مینمود و همین جهت او را در گذشته در چند فیلم محله «حشاک» بتکارگردانی سفالی و «عاشاق» بتکارگردانی سعید مطلبی و تعدادی دیگر فیلمبرداری نمود . موسوی از آنجاستیکه از مسافران طراز اول لس‌آنجلس به نام مجتمع ساختمانی دائر نموده و متغول ساختن آپارتمانهای لوکس و مجهز میسازد و لیس هیچگاه از فکر کار بازیگری در فیلمها غافل نشده و همین جهت اخیراً با فرستک به دست آورد حاضر بازی در چند فیلم جدید محله «رامشگر» این فیلم هواگون روی اکران است و در رفقت که هرودی این

بر نامه امشب سینما:

# امپایر

بر تهاوب، هجان انگور و بی سانه یک فیلم جالب و لذتانی

روشن اشنا پیر  
رد استایر  
ژان رو شفو  
فیلم رنگون شاپور



بر نامه امشب فقط در سینما:

# آقلانتیک

باز در فیلم بی طرح جهان سینما با شرکت بزرگترین هنرستان جهان سینما بر پرده سینما جان می گیرد.



بازی چارلز بری و شون، تاسا و الیس، رابرت شو  
هنری خاترا، رابرت رایان، پیر آنجلی، جرج هوستلی  
دانا اندرو، تاسا هاردین  
مجموعه پروازان وارنر ۱۳

## از تالار رودکی (بقیه)

سال بعد به سراغ دولتنامه فرستد که نتیجه اش یکی دیگر از شاهکارهای تاریخ ایران است. (وردی، میان شخصیت های نامتناهی توجیه بسیاری به پاگسو کرد. اورونگتوری حاضر شکیسر از شخصیت های دیگرگون گردید، ساریان در من بیون جدا از افلا و بزمنوا، توجیه بسیاری به پاگسو شده است.

بیون، نمایش شکیسر را فرستد کرد. وردی اول آرا در یک پرده سلامه نمود. به طعنان که توجیه بسیار کرد و صحنی وقوع را به پایان قرن نوزدهم برد افلا، یکی از شاهکارهای وردی، در آخرین سالی فعالیت ایرانوسی است. در این اجرا فرهاد مشکور، رهبر دانشمند هنری از کتس سوئیاتک تهران، رهبری از کتس را برعهده دارد. مایه متذکره را در نقش فرهاد کتس سوئیاتک دیده بودیم. و این یکی از مفاصل است که او را در نقش رهبر مسان ایران کتس آفر می بینیم. کارگردان فرهاد کتس آفر است. کارگردان دانشمندی است که ایران میسود. اورونگتوری و

کودک و خبر آفری جون زکومب - چیزی نیست. از اینها صاف بود یا صفت و تذکره درام موزیکال های واکرو پیری های پیرایی او بر صحنی ایران افلا تعالی آسمان و دیگر نقاط غامض ... اندر اوایل سالیها ۱۹۵۵ بود که وردی با انگیزش و تهاوری جوان بلام بیون آشنا شد که از مشتاقان ایرانی وردی بود. این آشنایی چنانکه از مارتینزین مبارکهای تاریخ ایران بدل شد. چیتو، همه کوشش و آشنایی خود را بر گروهی بیون من آفری از نامشاه شکیسر، با نام افلا، گذاشت. چنانکه در روزی صحنه متکنا سالیها بود که دوباره میخواست به سراغ نمایش از کتس برود. من بیون، از کتس، در حال بود و انگیزش شد تا روزی یکی از بهترین کارهای آفری خلق کرد. ایرانسال ۱۹۵۷ تکمیل به ایام رسید. اورونگتوری و

## حقایق جدائی (بقیه)

به تحقیقات خود ادامه می دهیم ...  
امروزه گوش رها نشانی خود افروند است اما امروز کمتر در محاسن و محافل هنری ظاهر میشود.

□□□

در آخرین سالی که صحنه را چای بود، روزی را در پشت صحنه آخرین فیلم ملاقات کردیم و در مورد ماجرای تازه ای که پیرامون وی در طغوشان چاپ شده است. خوانندیم.

پهروز صمیمانه گفت: وقت من اجازه نمیداد که اینقدر دنبال مسائل جهانی و حاد علمی باشم و این کارهای با هنرپیشه خود را من می چسانم. دلیل علاقه من بسودن است.

□ صفحه ۳۶ - شماره ۱۷۳ - ستاره سینما

# همچون آب (بقیه)

است. مجدداً ستاره سینا اورا بیست و دومت و هشکارخویشت بنیاد.

■ ■ ■ جمال امید ، سردبیر مجله «سینا» نشریه جنواره جهانی فیلم تهران که ایستک یکی از نویسندگان خوب و متفکین سینمای ایران است ، در نجاش قیل مسدها سردبیر مجله بود و قبل از آن در دیپلمات و مستندان ، برطی مدنی که او کار انتشار ستاره سینا را هم برعهده داشت ، گنج خوندگانی خاص خود یافته بود و طالب سنگو و سنگهاری های خوب نوانست بود که امید را بصورت یسک سردبیر موفق درآورد . وی که از چهار سال قبل همکاری خود را با ستاره سینا قطع کرد ، در سکر دیگری فعالیت بطوعاتی خود را ادامه داد.

■ ■ ■ خورشیدگردان کسارگردان صاحب نام سینمای ایران که ایستک یکی از فیلمسازان قدیمی کشور است در جسته یسک نوانست که در دست امید قبل سلسله مطالبی بود و عنوان «هنرستانگانی که تاریخ ما نمیشناسد» برای مجله تدارک میدید . با آشنائی که وی درمیان افروزی داشت آورد ، بتدریج راه همکاری جدید کرد تا بنامی برسانیم ، راه خود را از مجله جدا کرد و بتکارگردانی فیلمبرداشت که حاصل آن درمطالعات فعالیتش است . ۲۰ فیلم موفق و بیروزش ایرانی بوده است .

■ ■ ■ قی - بوهرادیان ، که ایستک در روابط عمومی کشور وی ملی ایران یکی از بهترینهای اصلی است و بتکار تولید و تهیه فیلمهای مستند میپردازد . زمانی نویسنده و خبرنگار ستاره سینا بود ، و صحنات فاخری و نورس و استواریها که او میبشود خوندگانی بسیار داشت . او نیز چنین سال است که دست از نوشتن کشیده و براهی دیگر رفته است و در زمینه دیگری از افروزی سینمائی فعالیت میکند .

■ ■ ■ علی عباسی ، تهیه کننده سینمای ایران نیز چند سالی برمه ای گزار در کار انتشار مجله ستاره سینا و این در زمانی بود که وی در تلویزیون برنامه سینمای اجسرا میکرد و برای خود شهرتی نیز یافته بود و همچنین جهت باوجدان خرید گزار نشر مجله برمه ای گردی کرد که پس از انحلال شرکت مزبور دست از فعالیت در این زمینه کنده شد .

■ ■ ■ ایرج نبوی ، نویسنده معروف که ایستک اداره روابط عمومی چند سالین بر برگ را بعهده داشت و گاه بنگاه لروی در مطوعات کشور مطالبی میخوانید نیز در راههای گشته چند سالی سردبیری مجله را برعهده داشت و همواره بود که ستاره سینما را با ایستک خاص و تازه ای که منتشر کرد

# ۵۰ خواننده (بقیه)

کارآموز اجتماعی و اجرای چند برنامه های هنری از طرف ملوک شرای ، خان کاشی هاین و سرین آغاز شد . روح انگیز با وجود ناراحتی وصف نمیدر حالیکه از طرف دوستن همراهی پیش شخصاً روی سن رفت . ملوک شرای نیز از همه ستاره بود و تکیه کلام معروفش از بخت میگذرد باعث خنده همه شد . - من از همه ش با منم ...! آرامد صدر خاطر ، اجسرای یسک

دارای تیراژ بسیار زیادی نبود و باوجود شکوفائی خود رساند . اما ستاره راه ای زیاد دوام یافت و با همکاری گری خود از سمت سردبیری مجله ، همکاری خود را نیز با ستاره سینا قطع کرد .

■ ■ ■ جمشید ارجمند ، نویسنده ، محقق و منتقد معروف که ایستک سردبیری ماهنامه رودکی را بعهده داشت ، از سالهای قبل جزو دوستان و همکاریان ستاره سینا بود و در این مجله قبل و بعد از شایده هم فعالیت بطوعاتی خود را از این نشریه آغاز کرد . او نیز پس از گذشت سالها در درمسه سینا دست کشید و برشته دیگری از مطوعات کشید شد . اما هنوز گاه و بیگاه از فعالیت او در زمینه سینما درخورد فعالیت است . جمشید ارجمند نیز از نویسندگان فعال و پرتلاش قدیمی ستاره سینا بوده است .

■ ■ ■ یژن خرسد ، سردبیر هنری کتونی روزنامه سائبر از جمله نویسندگان ارگاز ستاره سینا در سالهای قبل بود که توانست انتقادات خود را زینطالی او ببرد و ترجمه های درخورد تحسین خود موقتاً خاسی برای خوشت بنام آورد . خرسد هر چند ایستک کار در ستاره سینا نداشت ، اما فعالیت خود را در مطوعات در زمینه سینما ادامه میدهد و در سال جاری نیز جزو کمیته انتخاب بنحسین جشنواره جهانی فیلم تهران بوده است .

■ ■ ■ ناز نظارت ، منتقد معروف مطوعات تهران که زمانی در آثار هنرهای زبانی کتونی کارگردان فیلم بود و ایستک از فعالیت تالار رودکی است ، در طول انتشار مجله بیوسته جزو منتقدین و نویسندگان مجله بوده است . وی هر چند که در حال حاضر بنام ستاره سینا همکاری نداشته و نوشتاری از او نمیخوانیم اما در ریف افرازی است که درمسه کار ساسا دارای نظرات صائنی است و زمانی نیز درمسه سینما قلم میزد .

■ ■ ■ جمشید اکرمی ، منتقد معروف و نویسنده مترجم مطوعات با ایستک در تلویزیون «طرح آینده نگری» فعالیت میکند و جزو کمیته انتخاب جشنواره فیلم کودکان و جوانان است از دیگر نویسندگان ستاره سینا می توانست که ایستک همکاری با این مجله ندارد و در زمینه های هنری دیگری بکار متغول است . انتقادات ، گشوهه نظری او از زمینه کار سینما همیشه مورد توجه بوده است و ستاره سینا همچنان در این امید است که او را روزی بخرد کار در نویسندگان خود داشته باشد .

■ ■ ■ نقی مختار ، کارگردان و بازیگر معروف سینمای ایران که ایستک کارگردانی فعالیت دارد ، او نیز مترجمانی کار انتشار ماهنامه ستاره سینا را بعهده دارد و سپس در آغاز دوره جدید سردبیری آن را برعهده گرفت و توانست فرم ناولهای را بجهت بندد . او بعد از همکاری در زمینه سینما نیز کارگردانی فیلم برداشت از سمت سردبیری

مجله گزار گیری کرد و اکنون نیز گشوهه ، مطالبی را از او در مجله میخوانیم .

■ ■ ■ فریدون مهری نسیم ، دبیر جشنواره فیلم کودکان و جوانان نیز که اکنون علاوه بر سمت مذکور بعنوان دبیر عامل جشنواره جهانی فیلم تهران است ، در زمینه نویسندگانی و مترجمین ستاره سینا بوده است در خلال حاضر لغت تاریکیهای شدید اجتماعی باعث همکاری نادره و در دست دیگری بکار درمسه سینا متغول است .

■ ■ ■ امیر تیرانی فیلساز ارجمند سینمای ایران نیز برحسب اره کارگردان ستاره سینا بود و خوانندگان ستاره سینا را همیشه شگفتیهای زیادی از وی می نازدی می کرد و درمجه چاپ می شد . از یادش نماند . نادری اکنون از بهترینهای سینمای ایران است

■ ■ ■ کبوتر درمخش نیز همچون نادری زمانی شگفتیهای زیادی از هنرمندان سینما که در ستاره سینا چاپ می شد . درمخش هم در تیر فعالیت های سینمائی شد از این فیلسه بتدریج درمخش «بوفوکوره» است که سروصدای زیادی بر سرگرفتند .

■ ■ ■ میروس الواند سارمست و کارگردان فطی سینمای ایران درمخش از مجله همکاری صمیمانه ای با ما داشت و مطالب زبانی می نوشت که اکنون فعالیتش گیری را در زمینه نوشتن ستاره و کارگردانی فیلمهای ایرانی دنبال می کند .

■ ■ ■ بالاخره دهب ستاره دوست و همکاری صمیمانه سینما که سالیهای زیادی درمسه نویسندگی در مجلات سینمائی دارد صابر مدنی سردبیر ستاره سینما را بعهده نوشتند و در بالا یونان نیز بجهت کاش زبانی فعالیت داشته است . وی با تدارک دیدن یکسری مطالب تازه ، درگشوهه تیراوی درمجه بوجود آورد و درمسه نویسندگانی ، همزمان با کارگردانی سوسین فیشتن «دیده بود» (فیلمهای فیلساز «خورشید در مرداب» و «بهاوه» بوده است ) ، در فعالیت خود در ستاره سینما و کار سردبیری مجله ، کارگیری نویسنده نوشتن پارسی پرتو افکار «ستاره» اکتانوب هرچند اکنون صابر در جمع روحیه های ستاره سینا نیست و فعالیت سینمائی اش را دنبال می کند ، معذالک دوستان او همیشه بیانش هستند صمیمیت و جدیت را در کارهای بطوعاتی ، آزاد نمیدرند .

■ ■ ■ هرچند همکاری قدیمی ستاره سینا بطول انجامید . اما بنحاش انتشار شماره مخصوص مجله جهت یادگاران حضرت نعمت مغنتی بود که با یکی از این ستارگان و همکاریان خوبان درگشته شد . باین امید که این اندک باشکوهی همکاری های فیضیمتواند باشد و ستاره سینما همچنان با ایستک همکاری بزرگ اجتماعی با کارگزارش گردد .

آزادی ما را ...  
درین جنبه هرمتان قیافه یاز خواننده آنگه ای تیراوی پیش از همه حق و گرفت بود . وقتی شش را بر میبندیم گفتم :  
- من منم نظوری هستم ! چیزی نیست ...  
اکبر گبایگانی و گیش در خسانه مرام وارد شدند و از همه هنر خواهی کردند .  
اجرای این مراسم نزدیک چهار ساعت بطول انجامید و خواننده ها با دست ساز مل را ترک کردند .

میرمید .  
- رامش لانی ... فکر میکنم من خوشگل تر شمام ...  
سبانه باغی با یک دختر زیبا جارسی به مراسم آمده بود .  
خواننده از کتر نتانندد فقط از طرف اویشروان روحانی همراهی می شدند .  
وقتی صبحها با اسرار از مراسم و از او برخواست که روی سن میباید و برنامه آهنگان ایرانی خارج شدند و با آلباس از خوانند عنر خوانستند .  
- آه ای بهینار ازخاندان مایندون ارکستر نسوانیم برنامه اجرا کنیم .

پرنامه امشب فقط در سینما :

ریولی

الوت گولدرایگر محبوب سینما درفشترین فیلمی کاتالانیدهاید.



"The Long Goodbye"

آخرین فریاد فاطمی



تولدی با سترگ نیاوان بالانده استرلیگ هدیرن  
محصول ۱۹۷۷ یونان آرمیت

جاناسخن (بقیه)

و سرخو پاك نوره پست از مجلس گرفتند  
حسن کار دلاکافی در اینکسسه  
مناظره و جعل دارد تاخرما گفتن و سر  
تکذبات و بافترسات و بنا صحیح  
میگویند همنطور است که شایسته فرامیاید  
چون ا تجمعی کاتولی این رشته تروست  
میکنند خود برآفته ستمدورویستی  
ناگهانی محرو رشته را جوانگ ستمد  
واقتل آقا پیداورشدیست جا میخورد و  
شروع میکنند باورزدن ا کوزم و وزیر  
در لحن دلاکافی نهاده بود ولی که

احساس مسئولیت (بقیه)

بعله ، من احساس مسئولیت سرم میبود و  
میدانم تو بد شده ایستکه گنهام آن را  
بعض نکند ا  
آج که اگر افشا این تلویزیونجان  
را پرداخته بودم محکم آنرا میگویم نوی  
ملاحظ خودم ا آخر عزیز من چرا ایستدر  
نمیاید «چی» تشریف تاری « چه لعی  
میآوردم خوب بود آه که من حساب  
نست این سخاوت نوی جابجایی باشرفرم  
چند صد هزار تومان را تشکیل میدهند که  
مخلص نائب سفرهای آن غش و رسنه  
میروم ا املا چرا تو ساضی ا حالا که  
باشنده امر میفرماید که نشان نمیدهند  
احساس مسئولیت اینش مامانسی شما  
خرجه دار میبود ا مکه ماندهام سربرگم  
و حیران ناکی نبودن بخ هر جن چینی  
نگویم برسد و حالیراجا میورد فعلا که  
سپهو آنمی که باک پابل «۵۵» کوله خورده  
مشگم ا

روزهای تلویزیون (بقیه)

قبل از روزهای جمعه یو فیلم سیمانی  
بکی در بعد از ظهر و دیگری در شب بعض  
میتند که جماعت را کالی خوش می آید اما  
گویا مسئولان توانستند این خوشی را به  
بیبند و فیلمهای سیمانی را مخص کرده  
وجایش را به «مرد سیگن میلیون دلاری»  
سپردند و مامانسیو با الهه آخر رشه که  
مخلص هر چه بخودم فشار می آوردندمداری  
احساس هنری بودن داشته باشم و از دیدن  
باله دلو شیخ برید ا سنبود که سنبود ا  
بی دوقی است دیگر . چه سنبود کرد ا  
این مرد ۶ میلیون دلاری هم فکر میکند  
خیالی نمعه است غافل است که ما با یک مرد  
ده ا سیزده میلیون تومان داریم که استن  
پارسیخان طاهری است و سبک آقا محمول  
فوق ایناست البته این جانب نمیدود و با  
بست راستش هم کامیوچرا از چه نمیکند  
بلکه خیلی معمولی مثلآب خورنمیوچرا  
زادین را خرج میسپارد و در عوض برای  
سپهول میدهد که بی بگرا «چه کم ا  
در باره روزهای تلویزیون که مزج هم  
دوبسوز باز از جنگند و سبک ستریمی آوری  
باور کنید بست خودم بست ا غرض ا  
فکری بجای چهار روز آخر هفته بکنید  
که دیوروش بی خوراک باشد و در عوض  
بیتننه با مانیو بود فیلم سیمانی «دورلا»  
گند ا جمعهامه هر جای فیلم سیمانی  
فراتر از این خبری خالی است . بی آنکه سبک  
نورجین ا به مرده ۶ میلیون تریلی داشته باشم  
نک گروشان عرض میکنید که این سرزال  
برای دلو باگن و جواش برسد البته سبک  
برای سبک و مطروقات اما فکری هم در حساب  
مخلص و املا مخلص سمانیکه که از ورجه  
بورجه خوشان سبکاید و دلیان تک مزید  
برای اینکه سبکسبببببببببببببببببببببببب  
نمای سیمانی مانده سمانیکه از بد گسین  
و مثل همینه از شما سببببببببببببببببببب

قابل توجه اهالی الیگودرز



محمد رضا توکلی همکار باوقار  
سماکهدرونورجیایه فعالیت می کند ،  
اخیرا در شهرستان الیگودرز اقدام بنایر  
کردن یک چاپخانه بوسهات نام چاپخانه  
دهشدا

توکلی در کار خود جدیت رسانایی  
بخش می دهد که همین سبک ، موفقیت  
او را در زمینه کاری ، تضمین می کند.

منوچهر احمدی (بقیه)

هرچون با استانی را وادارماریش و ان  
دردان آثار شایسته میکند نسلی  
آقای ملک بطیعی و افشار در اینجا  
«من» مطرح نستم که چه سبکم و چه ارکار  
دروخام آمد . چیزی که سبکات ناموالی  
شما در تک موفقت آمده است که حقیقتا  
بخاطر چیزهایی غیر از توصل شیک و تک  
وشوار گرفتار نیست زندگی میکند . ویش  
گرفتن ا نوع زندگی آفتور که شما  
افقیبا ندارید بخاطر نوانون بودن در بست  
آوردن این مناظر فرسوده زندگی بست  
بلکه ا ن اعتراف و امتناع آنها از سرچشمه  
معرف و شخصیت و اعتماد نسبتان آن  
میخورد من خودم را جزو این آنها که  
نوشانان در اجتماع کوبست جانمیزم .  
این که من مسجور آدمی هستم زمان روش  
خواهد کرد ، و شما که در الزروابط شخصی  
با من ناینجه رسیده بودید کسب آدمی  
هستم در این حد از ان کسودم و استنادانی  
در قبال از آنها مناسلام دم میزنم در حالی  
چند درصد دستمزد شما خواهم فروخته  
حرفی نمیزنم . ولی بانوجه سبک شایسته  
شخصی ازمن ندارید این اظهار نظران در  
حقیقت نشاندهنده تلقی شما از آدمیاست  
که بخاطر چیزهایی غیر از زندگی مثل  
مرفه نظیر آنچه شما دارید در زندگی و استانی  
میکنند در واقع اینجایسته است کاتلف  
برمی انگیزد . اینکه یکی از منظور سرتی  
و مؤثر تره نچیزهای سیمانی این مملکت  
درجانی استادیست که برایش نشان انگیره  
معلوم و قابل درک رای حرکت دران سبک  
چندان مزه از توصل و تک و نظوار شیک  
است . راستی که آدمی قند اغوس خوردن  
داشته باشد ، در قیادین زندگی بعضی از این  
نماداران برایش کافی است ا  
باغرام : منوچهر احمدی

□ «پورس ماتوف» و «ژورژ لجنسکی»  
 یونان و معروفترین فیلمسازان دهه اول  
 فیلمسازی در ایران هستند که هر دو روس  
 بودند، و طی مدت زمان زیاد خدمات تکنیکی  
 و فنی فراوانی را برای سینما انجام دادند.  
 «ماتوف» نائب کارهایش را در استودیو  
 پارس فیلم برای «اسپل کونان» به انجام  
 رسانید و در آگاهی که رشتای تحصیلی اش،  
 تئاتر و بازیگری بود، تحارب تصویرساز  
 و نویز زیادی را در فیلمسازی به اثبات  
 رسانید.

همچنانکه «لجنسکی» کارهای هنری  
 بزرگی با کمک نور و تصویر می آفرید، و  
 نائب کارهایش جویش را «مایوئل حاجیکیان»  
 بود و برای تمام به مرض سرطان در گذشت.  
 «محمود کونان» یکی از شاگردان  
 نابالغه فیلم بود، که بعد از وی ابتکار  
 عمل فیلمسازی را در استودیو پارس فیلم  
 به ناپلیم «امیرسلیمان» ۲۵۱۱ - بدست  
 گرفت.

کونان مدت کمسال در استودیو فیلمساز  
 برداری «سافوس» ایتالیا و پیش ماه در  
 آلمان دوره فیلم رنگی گذرانده بود.  
 و اثرات این تجربان بخصوصی در کارهای  
 بعدی کونان اثرات فوق العادتی خود را  
 در تمام خود جدا گذارد. مثل فیلمسازی  
 دو فیلمساز رنگی و ماندگار: «مسروین  
 فراری» و «طلم شکسته» که در سال ۲۵۱۷  
 نمایش گردانیدند. و کونان خود این دوره  
 را بهترین کار فیلمسازی اش می داند.  
 موردی که در امر فیلمسازی فیلمهای  
 دهه اولی سینمای ایران قابل ذکر است.  
 شیوهی ترغیب کار و تکیه بر سنجش  
 «استودیویی» است. و کونان از این نظر  
 نمونهی خوب و قابل ذکر بشمار میرود.  
 از او برای فیلمسازی در کشور  
 فیلمهای تاریخی پارس فیلم (مثل: یوسف و  
 زلیخا، قرقر، افسان، و غیره) و تولیدیت و بسز  
 و «میزه» و «فیلمهای نخستین آئین  
 سینما سکوب رنگی» سینمای ایران یعنی  
 «عروس فراری» فیلمهای متفاوت ترغیب  
 می توان فرغ گرفت که از نظر کیفیت



که همین تراکتور به کیفیت آثار اولشدهای  
 تکنیکی فراوان رسانده است، و علاوه بر  
 بزرگاری، و نوآوری وی به کارگردانی فیلمها  
 که در حیطه های صانع انویود از ارض کارکن  
 در تمام فیلمسازی گشت. بطوریکه  
 بحر «دزد و ساجده» کار بازاریش بزرگتری  
 تر از ناواخر از ویدیوی پرتعدادشده  
 گردانید.

بعد از کونان میرسیم به یکی از آخرین  
 ترین تصویربرداران سینمای روسی که در  
 زمینه های تکنیک و شناخت تصویر، راهبر  
 و نشانه سینمایی بیشتر در مقایسه با  
 فیلمسازان شوروی خود سرسوزدار  
 بود، و اگر فرار باشد هر دینی برای اوبراخ  
 گریب. فقط همین و کونان ذکر شدنی  
 هستند.

«حانی» فیلمسازی بوده که «هوا»  
 خود را با سطح فیلمسازی این مشاهده ها  
 ساخته است و از این قهرمانه فوق بود  
 است. در کارنامه سینمایی او طی بیست و  
 یکسال «اولین فیلم» «فرید گره»  
 نامزد کارهایش میزان الهامی بود  
 که درجه سطح و اثرش این سینما را  
 نام فرار و نشانیهای نمایانند.

دو فیلم «تیار و مجنون» و «قیامت  
 عشق» حاصل برپاری اثرگر وی به عنوان  
 یک فیلمساز با نبرشته با نور، و رنگ  
 تکس آثارش فوق العادتی دارد. و مقام  
 او به عنوان یک تکنیسین وارد مارا و می دارد  
 که به نشت کامل راه او و کارهایش  
 اختصاص ندیم.

بعد از «حانی»، نمونه هایی از یک کار  
 متعارف و نادیده فیلمساز کرد می توانیم در  
 فیلمهای «تغریز زلفی» (مصاب خولین،  
 خورشید می رخشد و برهه خوتمال)،  
 و «بخت (لیلی و مجنون نخعی اول و  
 خسی» و ایر جوحا نصیری (نماهی  
 خان و ...) مشاهده کنیم.  
 کیفیت فیلمسازی این نده منحصر  
 به سبب فضای مورد نظر نویز بود،  
 بدون آنکه لطفه ای بفری که سینمای  
 تصویر ناب فکر و تعریف باشد.

اما گمان که نهرسایها از لحاظ سالسن  
 و مکان استراحت، و همچنین سطح  
 سرفه درن نمایانند یا نوع اشهرای  
 عالی دانه باشد، چون در بسیاری از  
 نهرسایها لطفه با ناموسان نشان دور  
 هشتم کاهف، از ارض کارمکشد.  
 اما رویه، چون نهرسایها با کلس بالا  
 تاز سلامت تاز خوتمال، مواجوتند  
 سینمای نهری بیشتر میبازند برای ارائه  
 کارهای بهتر.

**گپ (بیتیه)**

□ از «زبون» کارنامه اتان نگویید.  
 □ زبون، کوتاهی یکی از جبهای  
 دانشمندی است، ویژگی این نمایشگر به  
 شعر گوید و بدین مایه گویاست. دیگر ویژگی  
 گویایش را در زمان اجرا خواهید دید.  
 □ از تاز جوحا و جوحی هست آیا  
 که ...  
 □ من این امیدواری را دارم تا چه  
 پیش آید.  
 □ با نکتز لطفه با نای آب.

**از: محمدا جعفری با همکاری: ولی اله یوسفی**

**پژوهی پورس ماتوف و لجنسکی دو تن از معروفترین فیلمسازان دهه اول فیلمسازی در ایران هستند.**

«محمود کونان» با فیلم برداری «طلم شکسته» بهترین  
 فیلم رنگی زمان خود را آفرید. \* شیوهی غریزی کار و تکیه بر  
 تجارب استودیویی، و مهمترین نکات فیلمسازی فیلمهای دهه  
 اول سینمای ایران بود.

بخوص در تاریخ فیلمسازی سینمای  
 ایران است نشانه، مثل «دو قطعه» که فیلس  
 باره می فریض بود، و «چشمه آب حیات»،  
 «شرفروش» و «کالامخلی» و «انگها  
 در «سوداگران نجره» بدست داد، که در  
 کارنامه ی تصویرسازی او است گردیدند.  
 بزودگی کونان حاصل بیست و یکسال  
 کار فیلمسازی یوفه و مداوم است،

**بازتاب (بقیه)**

— فیلمسازان سینمای ایران — را میخوانید.  
 پارسوش گولی، نویسنده باورپذیر و دربار جد هرگاه که فرصت بدست یابد برای نویسندهی  
 دست بلند میرود. البته همه قضاوت تاریخی او نتواند «فرهنگیان» که او را جوانگو یاند.  
 همرا با ویل: کلام جسمی مانند آن گنگوها و ناهنجاریها را با نهمندان سینما  
 تاز خود میاند. کار همه مطالب جسمی، محله است.  
 مایه تخریب از آن نویسنده بدین جمله که گفتاری محال همکاری ندارند:  
 صادق عدالتی، فرطوس با نوق که مطالب انتقادی اش درباره مسائل هنری مورد توجه  
 فراوان خوانندگان فرار گرفت. عدالتی به نشت نوشتن برنامه های رادیویی و تلویزیونی  
 جنبش کجایان در میان و جبهای فرهنگ است. موفق با ندر، کلمه اکنون  
 منقول فیلمسازی است و ناچندی پیش وادی و فرخواننده «براست شب» را از او میخواندید  
 و فریون م صالح کاهف سرفه هایش ادامه یافت. موفق بارش داد، نلام آتش  
 دامن به نازگی میانها را ندرگت می بیند، مسامانی که جواگویی خوات مستدامه مانده  
 بدست است.  
 در این فرصت باید از نروستانی نام برد که اگر چنانچه نویسنده اما همکاری اش  
 شست است: کسری، مدیر داخلی مجله، کافلی، مسئول آگهیها، نحانی سرپرست  
 نهرسایها، محبتی و حسین یوزر مسئول نشانی مجله برای نهرسایها که از هیچ  
 کوشش فرودگار نمی کند، و اکبر موسی که با نشتکار و علاقه در فرجه ختامه بر حجت  
 هاشم، آرشو محله را هم بر نظر دارد. با نشتکار از اقبالان به ندر و ما هاشم مایرنگ  
 جابه ناماز گرفت، علی نیکبخت، و صاحب بدست، محسن عرفانی مسئول شعبه فرهنگساز،  
 سردارانی مسئول صحافی مجله و ضمیری و صاحب سوزان گروا رساری.  
 از نمای این عزیزان کما در نام برسانند مجله باری سببند صمیمانه شکر

# خبرسازان...

«ماشین نوها» و «بیر» که بیشتر هم در همین تئاتر اجرا شده بود، بار دیگر سه صحنه آمده است. بطور کلی گرایش بازیگران تئاتر به سینما رکودی در تئاتر وجود دارد. آورده که توفیقانی رایج شده است. «تئاتر کوچک تهران» فرار بود برای نماندن فلبهای نخبه‌ی سینمای هم به نمایش نگذارند. کلاً از برنامه به ناچار افتاده است. در صورت گنجایش سینمای کوچک تهران، می‌توان آماتور بود که مکانی برای نمایش فلبهای ناب فراهم می‌آید.

## کوثر و آرتور میمل!

□ پس از امان نیک سجویان، اثر برنولت برشت که محمد کوثر آرا بر تالار مولوی بدختمه آورد. اینک ایسین کارگردان با نقاشی سی چند از دانشمندان تئاتر که گروه کوثر مشار می‌آید نشانده «جادوگران نهرساله» اثر آرتور میمل را در دست تهرین دارد. به احتیاط این نمایش پس از «حرفی به ناز»... و «که می‌آیند» بر صحنه تالار مولوی است به دستمخواد آمد.

## همین دیهیم، باز هم در صحنه.



□ همین دیهیم از پس سالها دوری از صحنه، و بازی در نمایش «درفسی به ناز» به فعالیت تئاتری خود را از سر گرفت. همین دیهیم در تئاترهای قدیمی است. او علاوه بر تئاتر فعالیت‌های سینمایی هم داشت. که بدین ترتیب در نمایشنامه‌های «درباره شو» به آن اشتغال داد. اینک او با همسر اول خود، بان گرنکشت دیداری تازه با صحنه و سرود لمس آن. به یاد آن سالهای خوبی که دیهیم آن شاخه هنری تئاتر بود.

## \* حمید مستدریان و «مهرغ درنایی» ...



□ حمید مستدریان، کارگردان خوب تئاتر مشرب «مهرغ درنایی» را بر صحنه خواهد آورد. این بار نوشته‌ی آتیون چوپوف نویسنده روسی، و نمایشهای مستدریان است. حسن بزرگ مستدریان در این تکه با هنر نمایشگاهی از هر نمایشنامه نویسی روز و روزگامش خود را عنوان کارگردانی خلق حفظ کرده است. زبان نمایشی خاص خود دارد که ویژگی دلنشینی به کارهایش می‌بخشد. در «مهرغ درنایی» مویجر فرید، جمشید شیخی، سورور جانی، هما روسا، محمد علی کتاروز، محمد طیف و جمال اجالی و قاسم سیف بازی دارند. گشتی است که بیشتر فرار بود علی نصیران در نمایش بازی داشته‌اند که بنیاد گرفتاری حاصل بیافت و بحای او و مویجر فرید برگزیده شد. هر حال، مثل همیشه چشم انتظار دیدن یک کار خوب از حمید مستدریان هستیم.

## تعطیلی تالار ۲۵ شهپور

□ تالار ۲۵ شهپور آمیخته شده شد. به تیسرای احتیاج دارد که بناگردد. نمایشی تعظیم خواهد بود. با توجه به اینکه اکثر هنرمندان تئاتر از گروه سالن گلرنگ دارند. پس شدن این تالار خود، نگه‌داری دیگری به خود آوردند است. بویژه آنکه اغلب نمایشنامه‌های ایرانی در این تالار اجرا می‌شوند. اما کارگزاران ویژه داشت. آماتوریم این بحیرات باعث شد که تعطیلی تالار ۲۵ بحیرات کند. چرا که امکان به دست آمدن سالنهای از دست خواهد رفت.

## تکرار برنامه در تئاتر کوچک تهران ...

□ تئاتر کوچک تهران گویا با کمبود برنامه روز و روزگامش، چرا که دو نمایشنامه



زیر نظر: احمد کریمی

# اشاره‌ها...

## \* هنر «فنی‌زاده» جای ویژه خود دارد اما فروتنی و صمیمیت او است که تئاتر را به سایش و امیدارد \* آبرو و درجه تکلیف که اگر عادل باشید تئاتر را در سراسر می‌بینید.

بروز فنی‌زاده را دیدم. در دانشگاه فزاری دیدم، که با نقاشی آهسته آهسته بود فکشد عارفه دانشجوین بود با نقاشی و کارهایش. هر هفته بی زنده را در روی صحنه عجب گردید که در هر نمایش بازی داشته حوالی درخشان است. بی زنده یک بازیگر با نظرم است اما آنچه که مرا در محال بود دلیل نمکد هوش نیست، فروتنی است، صمیمیت و صداقت او است. و آبرو و درجه می‌داند که هر قدری اگر امانه برهنش بی جنبه‌های آرا داشته باشد بیادگیم است. و بی زنده کیست.

این قامت تکیده دارای آنچنان روح بزرگی است که آراچون نمکد، مدیانه، گوگر بازیگر است اما «بازی» نمیداند. اگر بر صحنه «نقش» اجرا نمکد در مقابل تو... چه آفتابانی چه ماهی... بی «نقش» ظاهر نمکد. هیچگاه همت با تو نمی‌آید ایند. همچنین خیلی که حتی نام گشت ات خود، و نقل بازی کرد است. برای «نقش» نمکد، صمیمیت، بازی نیست و صداقت، فریب نیست. در این اوضاع، خطای بی زنده ارزشی ندارد می‌یابد. در حالیکه «هنر» و هنرمند ساد کل - به لحاظ آنچه آمد. فروتنی بی زنده به خطای نمکد که آرا تجربه می‌زند.

گفت: تئاتر کی؟  
گفت: تئاتر؟ و با تعجب گفت: و با حیرت گفتگو. و با غشون گفت.  
صدا صدای مدالی جان بایزونه نام وقتش را گرفته است. به تازگی بازی در استفاده را که چند نفرشان به امر آرا آمده بندت سرگشته. نمایشی که به این که رسید گشت اند. درازایی گشتاند که



# نمایشنامه نویسانی که نوشته‌هایشان ارزش اجرا دارد، از انگستان دست تجاوز نمی‌کنند ...

پشتی زاده : تأثیرهای دانشجویی، از ارزشهای قابل بحثی برخوردار است .  
 همین شهابی : حرکت تأثیر نسبت به گذشته کند شده است .



با:

رکن‌الدین  
 خسروی



فهرست اجرای نمایشنامه‌های خارجی که اقلیتی هستند کار نیست پس بپوشد هر اتفاق وقت حاصلی ندارد.

دیلمقانی - به ، بطور خم منگک است و همینکه دور از من نشانگر اینجاست. حتی بازیگران هم از درک این گونه نمایشنامه‌ها عاجز می‌مانند. اما پاره‌ای از نمایشنامه‌ها جنبه جهانی دارند و حرفی گفته‌اند و بازیگر می‌کند. مربوط به قوم و ملت خاصی نیست. باید از یک قوم همین بگوید اما حرف یک حرف جهانی و عمومیست. مسائل بشری و دگرگونی‌های آدمی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این قسم نمایشنامه‌ها با نامی منها رابطه برقرار می‌کند و درکش برای هرماناگرز از فرهنگ ممکن است. ممکن است که اجرای این نمایشنامه‌ها خود منسازم مسائل صحنه کاریست و همین بیشتر هم می‌باشد. همچون آثار کلاسیک پسونان ، انگلیس و فرانسه . از همین خاطر است که گذر می‌تواند به نمایشنامه‌های از اینجاست روآورده . نمایشنامه‌هایی هم که به یکایک نیست . اینجاست که به کمبود بر می‌خوریم .

حرکت تا زمانرا چگونه می‌بینید ؟  
 آباوقتی احساس می‌نمود ؟  
 فخرزاده - همچنانکه گفته شد کمبود بود و نمایشنامه‌ها دراز ، خود از غلبه رکود تأثیر است . نویسنده‌ای که بداند مردم چه می‌خوانند و این خواننده‌ها را رعایت کند . در این میان تأثیر ادبیات هنوز حاد و جوش دارد و کارهایشان هم با ارزش و قابل درسیست .

همین شهابی - ما تصمیم‌گرفته تا تأثیر فراوان داریم با این حال حرکت تسلیات نیست به گذشته گذشته‌است . ما در گذشته هر هفته در تالار ۳۰ تهریزور تئاتر داشتیم در تلوویزیون هم همین گونه اما ، در حال حاضر تئاتر تلوویزیونی محور مرفه صفت نیست. البته کمبود نه‌های تئاتر هم در این ما دخیل است .

فخرزاده - از سوی دیگر همچنانکه انتظار شد تئاتر در این چند روز جوان است . نیست به عمر تئاتر که سنجیده‌ایم که نمی‌توان بیش از این توقع داشت - ایراد

روبروست کمبود بود و همینکه نوشتن اینگونه نوبه می‌کند ؟  
 دیلمقانی - ماداری ادبیاتی غسی همین امداد زمینه نمایشنامه‌نویس‌ترقی داشته‌ایم. غش آست که تئاتر ما هر نوعی است - از تجربه نگارگری که قدمت دارد و گونه‌ای تئاتر است - اما تا رضای ما با نمایشنامه هم ندارد. کشورهایی که دارای تسلیات برسانی هستند از دریا تا تئاتر آشنا بودند . اندر اینجا ، بدو ل نوایی تئاتر . این هراج و قرب لازم دارند . در نتیجه ، فاقد نمایشنامه‌نویسی هستیم که توانسد نیاز تئاتر را تامین کند. شاید بتوان گفت

نیاز تئاتر را تامین کند. شاید بتوان گفت اندر تئاتر نویسی که کار تئاتر ارزش‌ها داشته باشد از انگلستان دست تجاوز نمی‌کند. تئاتر ، بازیگران و کارگردانان خوبی دارد . اما لقب بدلیل نبود نمایشنامه خوب بی‌کار می‌ماند .

آیا نمایشنامه‌های خارجی نمی‌تواند جوابی تئاتر باشد کمبود نمایشنامه‌های ایرانی را جبران کند ؟  
 دیلمقانی - نمایشنامه‌های خارجی بدو گونه‌اند . یکسره اقلیتی هستند . بعضی و اینها به ستیا و امواج جامعه‌ای هستند که نویسنده از آنجا برخاسته . مفسدا اجرای اینها مثل است چون اقلیتیست و صاحب شایسته ذهنی از مردم و سنتها نیست کدر نمایشنامه آمده ...

اناره ، و نمایشنامه بیشتر فرآنگه در تهران به صحنه آید ، در چند شهرستان دوروزنیک به اجرا درآید . احتمالاً بوته‌ی واکبر محمدی فراموشست . و کارگردانی‌اش را مدخل موجد دیلمقانی ، به بند دارد . بر روی هم‌زمان دو مین شهابی از جمله بازیگران این نمایش است . احتمالاً در اراک هم اجرا شد و این فرضی بود تا ویدالسه رحمتی ، همکار صحنات تئاتر در تهران ، شهابی با کشتوی کارگردانی و مین از بازیگران هم‌زمان همین شهابی - بنشیند . ماحمل . حرف‌هاست که می‌خواید .

«نمایشنامه برسانی چه حرف و مدنی حرکت نراند ؟  
 دیلمقانی - احتمالاً ، در نهایت است در دگرگونی بیشتر در اجتماع سخن می‌گوید . آدمی است که بدلیل خنداندن پیرامون خود به چون میرسد . در این نمایش ، شاید جایزای تئاتر غریب در نمایشنامه عیب که نگریم بعضی کارهای ایرانی بررسی .

این نمایش در تهران به صحنه نیامد . علت بیخوشی داشت ؟  
 دیلمقانی - احتمالاً فرار بود در تالار ۳۰ تهریزور به صحنه آید که ترجیح داده شد در اول ، نمایش را به تهران بیاوریم .  
 یعنی در تهران نمایش دادیم یا نه ؟  
 دیلمقانی - تا به اینجاست .  
 آنچه که تئاتر امروز ما با آن

□ چه خبر آقای خسروی ؟  
 مسئول آخرین نمایش‌های «میتون» هستم که تا به اینجاست سه ماهه .

□ فرار بود «میتون» در تهران است ؟  
 اثر اول «میتون» را کار کنید چرا به تعویق افتاد ؟

- بازیگران قلم می‌نویسند که همزمان با این نمایشنامه کس دست گرم در کار جدید سندیان «میتون» هم بازی داشت . این شد که ترجیح دادم کارش در مرغ دریایی نام خود «میتون» در تهران است ، را شروع کنم .

□ از شنونده تئاتر چه حرف :  
 - شنونده اجرا خواهد شد در تهریزور و سبز از گذشته .

□ نشانی که هیئت اجرایی جشنواره داشت است و شما هم از جمله این هیئت هستید ناچاره انداره توانست مشکل‌گشا باشد ؟

- اگر چه غالباً این نشانی و همسر نشانی از اینجاست آنچه که باید باید باشد مشکل‌گشاییست اما ، هر حال مسائل بهیئت گذشته می‌نویسد که می‌تواند روشنگر بعضی از مسائل باشد .

□ نوبت نمایش «میتون» بهیئت و «گدا و پلنگ» در تهران است ؟  
 هرزهای در نمایشنامه به صحنه آمد چرا علت نمایش بیشتر کوتاه بود ؟ آرزو شما چیست تئاتر این دانشکده هستند می‌تواند این تلاقی را توجیه کنید ؟

- بیاک !



□ همین شهابی و فخرزاده در گفتگو با همکار صحنات تئاتر در اراک .....



# عجیب ترین بیماری را ابرج قادری در آبادان گرفت



■ هفت گشته گروهی که بتکار گردانی ابرج قادری برای تهیه محتوای تازه ترین فیلمی از راهی آبادان شده بودند به خاطر بیماری عجیب و غریب کارگردان مجبور به بازگشت شدند!

گروه فیلمبرداری بعضی مراجعت به تهران هنگامی بستی شدند در حالیکه عجیبترین بیماری را ابرج قادری در آن شهر گرفته بود.

یکی از اعضای گروه می گفت: - همما در حال او ناراحت و نگران بودیم. قادری خفیف و بیحال شده بود. تکلف بدیش گرم و دود طرف دیگرش سرد. پات نشش داغ بودوست دیگرش سرخ میخ شد بود!

او رفیقش که با تارک نیک ایتما بورتی و نور انگیز برای نمایش ایم توروژ کانید شد بود بدین خاطر تانش از ارستندادونه تعویق افتاد.

گروه فیلمبرداری با بهتر شد حال ابرج قادری مجددا راهی جنوب خواهد شد.

## یعنی میفرمائید باور کنیم که چنگک تمام شده است؟!

■ گوش بیضمان کر، گوش بیضمان کر چنگک خان نزل خدا حاضر را خواهد. حالا اگر تلویزیون همه سرپاهایش افتاد، شود مخلص عین خیال نیست. چون اگر فرض کنیم همه سرپاهای اتم از ایرانی و خارجی بد شوند خوشخانه بازم به انگشت کوچیکه چنگک نرسید. راستی کسمپوری بود.

الته این سرپال هرعیی داشت پات من گنده داشت و آن اینکه مخلص ناخاجی میبوانست تحمل حوشش را از دهن پیک سرپال ناخاکار والته از نظر بدی، نمک بزند افوسش که چنگک میختر ترسند است.

### لطیفه های هنری!

■ ■ ■  
نمانده پک کارخانه بزرگ صنعی برای جشن تالیس کارخانه شان به سراغ گاوگوش رفت که نتوانست کد برای اجرای برنامه، گفت: - عجب خانم گوگوش، چند صد خندان تقدیم کنیم؟  
- ده هزار نوبس  
- ده هزار نوبس برای به ساعت برنامه اجرا کردیم؟ آقای مدیر عامل ماکه پنجاه سال است مدام کار میگه ماهی دوهزار تومان نمیگردد!  
- بسیار خوب، پس بگین هون مدیر عاملتون بیاد ولستون آواز بخونه!

■ ■ ■  
خانم نسه هاونگترا بالای سرشوفر به جولان درآورد و گفت: - سگه به کشفه دینگه حرف بزنی، خودمو بیوه میکنم ها!

■ ■ ■  
رئیس کارمندی را احضار کرد و تصانی به او گفت: - شما دیروز اجازه گرفتن برین به ملاقات سرخاله اون در حیاتی که گزارش دادن که شما روتو مسافه فونیا لیدین.

■ ■ ■  
- بخدا دروغ نگفتم آقای رئیس، آخه سرخاله هم گری تیم بود!

## کتابی درباره «ژاک تاتی»



□ یک هیجک از کمدی های سینمای فرانسه و شاید دنیا، با «ژاک تاتی» قابل قیاس نیستند. البته این تعریف از ژاک تاتی، دلیلی بررد بررگان دیگر سینمای کمدی نیست اما سبک کار این کمدیسان نام آور، با سایر هیجانگهایش متفاوت است و یکی از برترین فیلمسازان قرن حاضر، عنوان ریسیدی اوست.

تاتی با در هم ریختن مواضع کلیشه ای سینمای کمدی، پایبندی او و خاص خود تقلید از آن متکل و گزینشگرانه است، بنا گماشت که نویسی این کار او را در فیلم مشهورش «ترافیک» مشاهده کردیم. همچنین وی با ادغام ژانر کمدی مشهور «سپوواو» که خود بازیگرش است، هنری به سرا کسب کسب کرد.

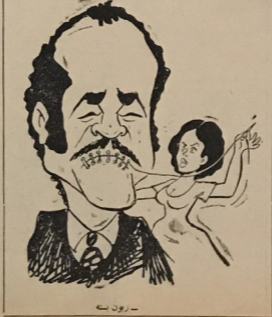
اخیرا نویسنده ای به نام «ایوانویه گیلیت» کتابی در صحنه در باره «ژاک تاتی» انتشار داده که حاوی زندگی نامه ای مختصر وی و سبک و تکنیک کار تاتی به همراه فیلموگرافی کامل اوست. ما که هرروز خبر نلاری را در باره ی انتشار بیوفه ای کتابهای سینمایی می شنویم اما در ایران، کمتر کسی اقدام با ترجمه آنها می کند و تنها گاه و بسی گاه از سران کتابی از این دست ترجمه می شود.

## کمی بخندید!

زن و مریدی باهم آشنا شدند و سینما رفتند. موقع نشستن زن از مرد پرسید: - دست چپانون ششسوی یا دست راستون؟  
مرد جواب داد: - فرقی نیکنم که من چپ دستم. هدر است دست!

■ ■ ■  
آقا، وارد خانه شد دید که صدای فریاد وحشتناک خاشاک از اتاق بلند است. از مستخدم پرسید: - چه خبر شده؟  
خاشاک: آقا، خانوم دارن بسا جواهرشون که تو شیرازه صحت میکنند. آقا گفت: - عجب، چرا بافتن صحت نیکنند؟

شایع است که شوی تلویزیونی تازه فریدون فرخزاد توقیف شده است.



- رزون نسه

بزودی در بهترین گروه سینمایی پایتخت

خانه پیام ایران

تقدیم میکنند

برمن و هفید  
شیرام  
جلال



# خفن

نویننده کارگردان  
پرو ساخت ایرانی

نادره  
نادیا

بلاژ و پانگ  
مکتوبه  
مهرماه  
شیراز  
آقای

بایر بندی  
فرید بیات  
عباس حاکت آدا  
لیدا

دیر خایر داری  
قدرت اله اسفانی  
هونیک من  
حسین واقفی  
پیش از  
سازمان سینمایی  
پاناسیت



# با پارس سوپرجم

اتومبیل شما در زمستان  
بایک استارت روشن میشود



شرکت سهامی نفت پارس خیابان تخت جمشید خیابان بندر پهلوی  
شماره ۲۷ تلفن ۸-۶۶۰۱۹۴ تلگرافی: پارس اویل تهران